

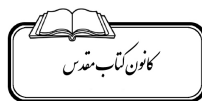
بشارت پرون مرزی

چگونه
کلیسای محلی به
سراسر جهان
بشارت دهد



اندی جانسون

ویرایش محمد ثانوی



بشارت‌های پرون هرزی

Andy Johnson

نویسنده: اندی جانستون

ویرایش: محمد ثانوی

شابک ۹۷۸-۱-۹۵۸۱۶۸-۹۳-۶

© 2023, 9Marks

www.9marks.org

www.btepersians.com

www.kanoneketab.com

Missions: How the Local Church Goes Global

Copyright © 2017 by Andy Johnson

Published by Crossway

1300 Crescent Street

Wheaton, Illinois 60187

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form by any means, electronic, mechanical, photocopy, recording, or otherwise, without the prior permission of the publisher, except as provided for by USA copyright law. Crossway® is a registered trademark in the United States of America.

Cover design: Darren Welch Illustration by Wayne Brezinka

First printing 2017

Printed in the United States of America

Unless otherwise indicated, Scripture quotations are from the ESV® Bible (The Holy Bible, English Standard Version®), copyright © 2001 by Crossway, a publishing ministry of Good News Publishers. Used by permission. All rights reserved.

Scripture references marked NIV are taken from The Holy Bible, New International Version®, NIV®. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 by Biblica, Inc.™ Used by permission. All rights reserved worldwide.

Hardcover ISBN: 978-1-4335-5570-1 ePub ISBN: 978-1-4335-5573-2

PDF ISBN: 978-1-4335-5571-8 Mobipocket ISBN: 978-1-4335-5572-5

Library of Congress Cataloging-in-Publication Data

Names: Johnson, Andy, 1960– author.

Title: Missions: how the local church goes global / Andy Johnson; foreword by David Platt.

Description: Wheaton: Crossway, 2017. | Series: 9Marks: building healthy churches | Includes bibliographical references and index.

Farsi ISBN: 978-1-958168-93-6

© 2023 www.kanoneketab.com \ www.btcpersians.com

Farsi Editor: Mohammad Sanavi



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس Sound cloud



عنوان: بشارت‌های برون مرزی

نویسنده: اندی جانستون

ویرایش: محمد ثنائی

تعداد صفحات: ۱۲۲

شابک ۹۷۸-۱-۹۵۸۱۶۸-۹۳-۶

ناشر: کانون کتاب مقدس

چاپ اول ۲۰۲۳

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هر گونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه کانون کتاب مقدس مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

خوانندگان گرامی

امروزه ضرورت مطالعه اصولی و درک صحیح کتاب مقدس برای همه مسیحیان کاملاً مشهود است و هدف ما از ترجمه، گردآوری و تدریس این مجموعه کتب تعلیمی این بوده که به نوعی ابزارهای لازم برای این مهم را در اختیار معلمان کتاب مقدس قرار داده و آنها را مجهز نماییم تا علاوه بر تعلیم صحیح کتاب مقدس و شاگردسازی، قادر باشند تعالیم غلط و دروغین را نیز تمیز دهند.

امیدواریم و دعای ما این است که با درک صحیح و عمیق تر از کتاب مقدس، ثمرات نیکوی کلام خدا در زندگی شما و ما با کمک روح القدس به فراوانی دیده شود. در انتها از همه کسانی که با وفاداری برای تهیه این مجموعه ما را در این مدت یاری کرده‌اند تشکر می‌کنیم. همچنین از برادر کن تمپل برای مشاوره الهیاتی سپاس گزاریم.

برای تهیه دیگر کتب آموزشی لطفاً با ما به آدرس btcpersians@gmail.com تماس حاصل نمایید و یا از سایت ما به آدرس www.kanoneketab.com برای دریافت دیگر منابع دیدن فرمایید. قبلاً از لطف شما سپاسگزاریم.

محمد ثانوی

مدیر اجرایی کانون کتاب مقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آماده سازی و تجهیز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمت گزاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگردسازی بدن مسیح را با انجام رسانند.

سوالات را می‌توان تنها بر مبنای کتاب مقدس پاسخ داد،
چرا که خدمت بشارت‌های برون مرزی کار خداست.
بداهه انجام دادن این کار برای ما جایز نیست.

جی اچ باوینک J. H. Bavinck
مبشر برون مرزی به اندونزی

فهرست

۹	پیشگفتار مجموعه
۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۲۱	فصل ۱ اساس کتاب مقدس برای بشارت‌های برون مرزی
۳۱	فصل ۲ به ترتیب اولویت
۳۷	فصل ۳ فرستادن - اعزام و به شایستگی حمایت کردن
۵۹	فصل ۴ سر و سامان دادن وضعیت زندگی
۷۳	فصل ۵ شراکت سالم با خدمات بشارتی برون مرزی
۸۵	فصل ۶ دوباره شکل دادن مأموریت‌های بشارتی کوتاه مدت
۹۹	فصل ۷ مشارکت ملت‌ها از راه‌های دیگر
۱۱۷	خاتمه قدم گذاشتن به سوی قوم‌ها

پیش‌گفتار مجموعه

آیا باور دارید که مسئولیت شما یاری کردن در جهت بنای کلیسای تندرست است؟ اگر شما مسیحی هستید، ما بر این باوریم که این مسئولیت بر دوش شماست.

عیسی به شما فرمان داده که بروید و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). رساله به یهودا می‌فرماید که شما باید در ایمان پیشرفت کنید (یهودا ۲۰-۲۱). پطرس رسول می‌فرماید که عطایای خود را در راه خدمت به دیگران استفاده نمایید (۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس رسول می‌فرماید که حقیقت را در قالب محبت بازگو کرده، به این ترتیب کلیسای شما در بلوغ رشد نماید (افسیان ۴: ۱۳، ۱۵). متوجه هستید که با این صحبت‌ها به کجا می‌رویم؟

چه شما عضو کلیسا یا یکی از مشایخ کلیسا باشید، هدف مجموعه کتاب‌های «کلیسای تندرست»، یاری رساندن به شما در جهت تکمیل فرمان کتاب مقدس و نقش شما در بنای کلیسای تندرست می‌باشد. امید ما بر این است که این سری کتاب‌ها شما را کمک نموده تا محبتان به کلیسا همچون محبت عیسی به کلیسا، رشد کند.

برنامه مؤسسه «۹ علامت»، تولید کتابچه‌هایی برای هر بخش از این «۹ علامت کلیسای تندرست»، و به علاوه موضوع «الهیات صحیح» می‌باشد. به دنبال تهیه کتاب‌های «موعظه تشریحی»، «الهیات کتاب مقدسی»، «انجیل»، «تبدیل جانها»، «بشارت دادن»، «عضویت کلیسا»، «تأدیب و تنبیه کلیسایی»، «شاگرد سازی و رشد» و «مشایخ کلیسا» باشید.

موجودیت کلیسا برای نمایش جلال خدا به ملت‌هاست. ما این کار را با چشم دوختن به انجیل عیسی مسیح، اطمینان به نجات او، و سپس با

قدوسیت خداوند و در اتحاد باهم و محبت کردن به یکدیگر، انجام
می دهیم.

با امید،
ماركِ دَوْرٍ و جاناتان لی من
ویراستاران ارشد

پیشگفتار

بیش از صد سال پیش، جورج پنطیکاست گفت: «به شبانانی که افتخار مسئولیت حل مشکلات مبشرین برون مرزی مربوط است.»^۱ او معتقد بود که هیئت‌های اعزامی، میرشین نقش مهمی در ماموریت‌ها ایفا می‌کنند: که شامل ابداع روش‌های جدید، تقویت جنبش‌ها و افزایش بودجه می‌باشد. اما این افتخار و مسئولیت شبانان است که این وظیفه سنگین نسبت به سایر ملل را به عهده بگیرند و آتشی برای جلال خدا در سطح جهانی در همهٔ کلیسای محلی برافروزند.

سخن او کاملاً درست است.

اجازه بدهید واضح‌تر بیان کنم، منظورم این نیست که شبانان باید از خدمت به مردم در کلیساهای محلی غافل شوند. من می‌دانم که ما در کلیساهای افرادی آسیب دیده داریم، کسانی که ازدواجشان با مشکل مواجه شده است یا فرزندان سرکشی دارند و یا از سرطان و بیماری‌ها و چالش‌های دیگر زندگی عبور می‌کنند. ما نباید از خدمت محلی در بدن مسیح غافل شویم.

همچنین نباید از خدمت‌های محلی در انجمن‌ها یا شهرهای خودمان غافل شویم. به ما حکم شده که شاگردسازی نماییم و این حکم قاعدتاً و دائماً در در محل زندگی‌مان، در محیط اطرافمان نقش آفرین است. هر یک از اعضای کلیسا باید از خود بپرسند: «با عطایای منحصر به فردی که خدا به من داده و روح القدس که در من ساکن است، چگونه می‌توانم محل زندگی‌ام، امروز شاگردسازی نمایم؟» به این ترتیب، محل زندگی و در سراسر کشور باید تلاش‌هایی برای شاگردسازی و بنای کلیساهای جدید صورت پذیرد. خدمت درون مرزی محلی بسیار ضروری است.

۱. George F. Pentecost, quoted in John M. Moore, "The Presentation of Missions from the Pulpit," *Missions* 6, nos. 7-8 (1915): 613.

در عین حال، خدمت بشارت جهانی به طور غم‌انگیزی نادیده گرفته می‌شود.

چندی پیش نزدیک کشور یمن بودم. یمن شمالی تقریباً هشت میلیون تن جمعیت دارد. آیا می‌دانید در آنجا چند ایماندار وجود دارد؟ بیست یا سی تن! از هشت میلیون تن جمعیت، یعنی اگر جمعیت ایالت‌های آلاباما و می‌سی‌سی‌پی را با هم در نظر بگیریم. احتمالاً تعداد ایمانداران کلاس تعلیمی روز یکشنبه یا حتی گروه‌های کوچک در کلیسای شما بیشتر از تعداد ایمانداران در یمن شمالی است. این معضلی است که میلیون‌ها تن در بخش شمالی یمن به انجیل هیچ دسترسی ندارند. آنها به همراه میلیون‌ها انسان دیگر در این جهان نمی‌توانند به راحتی به انجیل دسترسی داشته باشند. آنها به دنیا می‌آیند، زندگی می‌کنند و می‌میرند بدون اینکه حتی این خبر خوش را بشنوند که خدا برای نجات آنها در مسیح چه کاری انجام داده است.

در اصل، سازمان‌های بشارتی وظیفه ندارند که به حل این موضوع پردازند. بلکه این وظیفه همه کلیساهای محلی است. به طور خاص، این وظیفه و مسئولیت اصلی هر شبان کلیسای محلی است که اعضا را در آن کلیسا و جماعت محبت نموده، در راستای این هدف نهایی که نام مسیح در میان همه اقشار ملل جهان ستوده شود. این موضوعی است که روح مسیح خواستار می‌باشد. از این رو، هر فرد مسیحی، هر شبان و هر کلیسای محلی باید در پی آن باشد.

وقتی کتاب اعمال رسولان را می‌خوانیم، متوجه اولویت واضحی درباره نقش کلیسای محلی در این موضوع می‌شویم: که آن اولویت نشر و گسترش انجیل در سراسر جهان است. در اعمال رسولان فصل ۱۳، می‌بینیم که در کلیسای انطاکیه مردم در حال پرستش، روزه و دعا و در آن وضعیت کلیسا و مشایخ آنجا هستند، روح القدس، پولس و برنابا را به عنوان مبشرین تعیین می‌کند. کلیسا برای آنها دعا کرده و آنها را راهی می‌کند و در طول سفر از آنها حمایت می‌نماید. پولس دو بار به انطاکیه بازمی‌گردد تا آن کلیسای محلی را تشویق کند و سپس در سومین سفر بشارتی خود، نامه‌ای به کلیسای محلی دیگری در رم می‌نویسد تا از آنها برای رسیدن به اسپانیا، جایی که هنوز نامی از مسیح برده نشده، درخواست کمک نماید. به این ترتیب،

کلیساهای محلی را مشاهده می‌کنیم که در بشارت‌های برون مرزی، مردان و زنانی فرستاده شده، شبانی شده (مواظبت و مراقب) و از آنها حمایت می‌شود.

به همین دلیل، من می‌خواهم همهٔ شبانان و رهبران کلیساهای محلی را تشویق کنم که با دیدن نقشی مانند نقش منحصر به فرد کلیسای انطاکیه که خدا به شما و کلیسایان در گسترش انجیل تا سراسر جهان داده، مسئولیت بشارت‌های برون مرزی را برعهده بگیرد. اما ممکن است با خود فکر کنید، «از کجا باید شروع کنم»؟

اندی خدمات بزرگی به کلیساهای محلی و سازمان‌های بشارتی برون مرزی انجام داد که در صفحات پیش رو می‌خوانیم. این کتاب که از ابتدا تا انتها بر اساس کلام خدا نگاشته شده، برگرفته از تجربه‌ی کلیسایی است که او در آن خدمت می‌کند و همچنین کلیسایایی که در سراسر جهان در آنها خدمت نموده است. در نتیجه، گنجینه‌ای از حکمت را در اختیار رهبران و اعضای کلیساها در هر حد و اندازه‌ای که هستند، قرار می‌دهد. پس از اینکه مطالعه این کتاب را به پایان رساندم، با خود فکر کردم که، «کاش همهٔ شبانان و رهبران کلیساهای محلی می‌توانستند آن را بخوانند!» زیرا اگر آن را بخوانند، من مطمئن هستم که نه تنها اساساً ساختار کلیساهای محلی و جماعت‌هایمان، بلکه هدف بشارت‌های برون مرزی در جهان را نیز تغییر می‌دهد.

به همین دلیل، صمیمانه خواندن این کتاب را به شما توصیه می‌کنم و دعا می‌کنم که خدا از آن برای شعله‌ور کردن جلال جهانی خود در زندگی و کلیسای محلی شما استفاده کند.

دیوید پلت David Platt

مقدمه

بشارت‌های برون مرزی بر سر دوراهی

خانم بٹ در راه بازگشت به خانه از جلسه هیئت مدیره خدمات بشارتی برون مرزی کلیساشان برای گرفتن یک توقف کرد. او امیدوار بود که فنجان قهوه‌ی اکپرسو قوی بتواند سردردش را که تا شقیقه‌هایش ذق ذق می‌کرد، بهتر کند. در حالی که منتظر گرفتن قهوه بود، جلسه آن روز را در ذهنش مرور می‌کرد. به نظر می‌رسید همه اعضای هیئت مدیره شیفته‌ی ایمان به عیسی هستند و برای موضوع بشارت اهمیت قائلند. پس چرا جلسه‌ی شان آنقدر خسته کننده بود؟ روز دیگری در سوء تفاهم‌ها و اهداف متناقض سپری شده بود، بدون اینکه در نهایت به نتیجه‌ای رسیده باشند. خانم بٹ با خود می‌اندیشید علی‌رغم نگرانی آشکار آنها در مورد «بشارت‌های برون مرزی»، آیا واقعاً منظور آنها از عبارت بشارت‌های برون مرزی یکسان بوده است.

دیو Dave جلسه را با انتقاد از هیئت مدیره به دلیل تمرکز «سطحی» آنها بر موضوع بشارت آغاز کرد. او سوال کرد: پس فقیران، گرسنگان و مظلومان چه میشوند؟ «آیا این وظیفه‌ی کلیسا نیست که به تمام نیازهای جسمانی آنها نیز رسیدگی کند؟»

و اولیویا Olivia مجدداً پیشنهاد کرد که خیلی بهتر (و به صرفه‌تر) است که به جای اینکه افراد خودمان را به کشورهای دیگر بفرستیم، به شبانان همان کشورها دستمزد بدهند.

بعد هارولد Harold نظر خود را بیان کرد. او به تازگی پژوهشی را خوانده بود که روش جدیدی را توصیف می‌کرد که برخی از سازمان‌های بشارتی استفاده کردند که «انجیل را از کتاب مقدس موعظه کردند و ۸۷ در صد مخاطبین مسلمان بعد از شنیدن، ایمان آوردند. آیا واقعاً یک مطالعه آماری بهترین راه است که تصمیم بگیریم چنین روش‌هایی را به کار ببریم؟ و اینکه مسلمانان ذکر شده دقیقاً چه تصمیمی می‌گرفتند؟

پاتریشیا، هیئت مدیره را تحت فشار قرار داد تا به طور کلی حمایت مالی از مبشرین برون مرزی تمام وقت را متوقف کنند و در عوض فرستادن افراد به خارج از کشور روی شغل خودشان تمرکز کند. او تاکید کرد: «الگوی قدیمی کلیساها این طور بود که خادمینی را برای مدت طولانی تحت حمایت مالی خود قرار دهند، منسوخ شده است. «تجارت \ کسب و کار» با هدف بشارت تنها راه باقیمانده است.» خانم بٹ موافق بود که این می‌تواند موضوع خوبی برای تشویق کردن باشد، اما او کاملاً مطمئن بود که فرمان یوحنا رسول که ما «باید از مبشرینی که توسط کلیسا فرستاده می‌شوند حمایت کنیم «تا با آنها در پیشبرد حقیقت همکاری کرده باشیم» هنوز هم لازم الاجراست. (سوم یوحنا ۱ آیه ۸). اما وقتی او آن قسمت را با صدای بلند خوانده بود، پاتریشیا چشمانش را گرد کرده - با مخالفت او را نگاه کرده و او را تشویق کرده بود که گذشته \ تاریخ را الگو قرار ندهد و شیوه جدید بشارت را بپذیرد.

و البته، کلارنس Clarence جلسه را با تشویق آنها (دوباره) به تمرکز بیشتر بر سفرهای کوتاه مدت به جای حمایت مالی بیشتر از خادمین طولانی مدت، به پایان رساند. او درست قبل از شروع داستان معروف سفر خود به گواتمالا که برای نقاشی یک مرکز اجتماعات رفته بود و چطور ایمانش متحول شده بود، این موضوع را به آنها یادآوری کرد که سفرهای کوتاه مدت می‌تواند زندگی خودمان را متحول سازد». اما بٹ فکر میکرد که آیا واقعاً بهترین استفاده از بودجه بشارت‌های برون مرزی و زمان خدمات بشارت به کشورهای دیگر به این نوع سفرها است؟

ضربه متصدی به پنجره ماشین، بٹ را از تفکرات خود بیرون آورد. در حالی که رانندگی میکرد و اسپرسو خود را جرعه جرعه می‌نوشید، حسی در او بیشتر و بیشتر میشد که باید راه بهتری وجود داشته باشد. مطمئناً خدا باید در مورد اینکه بشارت‌های

برون مرزی چیست و چگونه باید در پی آن باشیم، رهنمودهای بیشتری داده باشد. اما او فکری به ذهنش نمی‌رسید که این رهنمودها را در کجا می‌تواند پیدا کند یا از کجا باید شروع کند.

متأسفانه، من فکر نمی‌کنم تنها بٹ این تفکرات را داشته باشد.

در بسیاری از کلیساهای امروزی، به نظر می‌رسد که افراد قصد خوبی دارند اما در مورد مفهوم بشارت‌های برون مرزی در کشمکش هستند. آنها می‌خواهند شاهد جلال مسیح و تجلیل و حرمت نهادن به او باشند و برای نیازهای مردم نیز اهمیت قائلند. اما در عمل، تلاشهای آنها در خدمت، اغلب به جستجوی شتاب زده برای ایده‌های جدید، رقابت بر سر منابع کلیسا - اعم از مالی و نیروی انسانی - و اختلاف نظر بر سر رسم و رسومات، تنزل پیدا می‌کند.

خبر خوش دربارهٔ این کتابچه این است که آن قرار نیست اینگونه رفتار کنیم.

اعضای کلیسای محلی را تصور کنید که در آن بشارت‌های برون مرزی به ملت‌ها برایشان روشن و مورد قبول است. مشایخ، جماعت را به سمت بشارت‌های برون مرزی هدفمند هدایت می‌کنند. بشارت‌های برون مرزی، موضوعی است که برای همه مسیحیان اهمیت دارد، نه فقط «تیم خدمت بشارت‌های برون مرزی!» در آنجا سلطه و خودکامگی ایده‌های جدید و انتظار نتایج فوری و قابل مشاهده هیچ جایی ندارد. اعضا، بشارت‌های برون مرزی را کار و وظیفه همه کلیسا می‌دانند نه کار شخصی و یا گروه خاصی از افراد! در این کلیسا، اعضا، به بشارت‌های برون مرزی به عنوان خدمت اصلی کلیسا نگاه می‌کنند، نه یک پروژه کوتاه مدت مقطعی! رابطه با مبشرین در محل خدمتشان عمیق، جدی و پایدار است. با شادمانی هدیه برای این خدمات برون مرزی می‌دهند و بخش اساسی بودجه کلیسا است، نه صرفاً نمره درخواست‌هایی که کلیسا ناگزیر در مواقع لزوم بیان می‌کند و در واقع اعضا به‌اندازه‌ای برای بشارت ارزش قائلند که برخی از آنها تمایل دارند، زندگی خود را ترک کنند و توسط کلیسا برای مدت طولانی برای مبشری خارج از کشور فرستاده شوند.

این ایده‌های غیرعملی یا پروژه خاص پیچیده‌ای نیست که تحقق آن غیرممکن باشد. من در کلیساهای متعدد بزرگ و کوچکی دیده‌ام که این رویا، به واقعیت تبدیل شده است. آنقدرها هم دشوار نیست. اساساً، دستیابی به این همه از یافتن هدف بشارت و روش‌های آن در کتاب مقدس نشأت می‌گیرد.

این موضوع پایه و بنیان اصلی این کتاب است: کلام خدا هر آنچه را که برای اطاعت از او و جلال او لازم است بدانیم به ما می‌گوید. این شامل همه موضوعاتی است که ما برای اطاعت از مأموریت بزرگ او برای شاگردسازی در میان همه قوم‌ها نیاز داریم، پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. ۲۰ و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هرروزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» آمین (متی ۲۸ آیه ۱۸-۲۰). و بدان معنا نیست که کلام او، به هر سوالی که خود مطرح می‌کنیم، صریحاً پاسخ می‌دهد و یا همه توصیه‌های این کتاب مستقیماً از فرمان یا مثالی در کتاب مقدس آمده باشد. اما این بدان معناست که کتاب مقدس کفایت کامل را داراست که ما را از راهکارها و اصولی که تعیین کننده روش‌ها و تصمیماتمان است، آگاه سازد. ما در کتاب مقدس اصول و الزامات ارزشمندی را می‌یابیم که به فعالیت‌ها و قصدهای ما نظم و شکل می‌بخشد و در این روند ما را از سلطه رنج آوری که ناشی از تکیه بر راه حل‌های واقع بینانه خودمان و یا نظریه‌های انسانی است، رهایی می‌بخشد.

یکی از موضوعاتی که ما به وضوح در کتاب مقدس می‌بینیم این است که دغدغه بشارت‌های برون مرزی برای همه مسیحیان است، زیرا این مسئله به همه کلیساهای محلی مربوط می‌شود. بنابراین شما خواه عضو کلیسا، خواه رهبر تیم بشارت‌های برون مرزی و یا شبان کلیسای محلی باشید، این کتاب نکات ارزشمندی برای شما دارد.

اما قبل از اینکه بتوانیم درباره خدمت بشارت‌های برون مرزی گفتگو کنیم، ابتدا باید چند اصل اساسی کتاب مقدس را قطعی کنیم. سپس می‌توانیم در نظر بگیریم که

چگونه می‌توانیم آنها را با حکمت در فعالیت‌های بشارتی برون مرزی خود به کار ببریم. پس بیایید از اینجا شروع کنیم که همه فعالیت‌های حکیمانه مسیحی باید از کتاب مقدس آغاز شود.

۱

اساس کتاب مقدس برای بشارت‌های برون مرزی

یک سال برای تعطیلات آپارتمانی در طبقه ششم یک ساختمان بدون آسانسور اجاره کرده بودم. مالک در ایمیل‌ها کاملاً واضح گفته بود: «این آپارتمان در طبقه ششم است و آسانسور ندارد.» با این حال، واقعاً مفهوم این جمله شفاف او را درک نکرده بودم تا اینکه در حالی که چمدان دوم از سه چمدانم را از پله‌های مارپیچ بالا می‌کشیدم، به طبقه پنجم رسیدم. با وجود آنکه وقتی آنجا ایستاده بودم، سعی می‌کردم علائم حمله قلبی را به خاطر بیاورم، نمی‌توانستم نسبت به صاحب آپارتمان عصبانی باشم. او از ابتدا صادقانه در مورد آن صحبت کرده بود. من باید بیشتر توجه می‌کردم.

شفافیت کامل، روش خوب و صادقانه‌ای برای شروع هر رابطه‌ای، از جمله رابطه بین یک نویسنده (مثل من) و یک خواننده (مثل شما) است. به همین دلیل می‌خواهم این کتاب را با بیان برخی اعتقادات اساسی کتاب مقدس در مورد بشارت آغاز کنم. ممکن است شما با تک تک آنها موافق نباشید. امیدوارم حتی اگر موافق نبودید این کتاب را زمین نگذارید، ممکن است نکات مفیدی وجود داشته باشد، حتی اگر در مورد همه چیز اتفاق نظر نداشته باشیم. و سپس شما، به عنوان یک خواننده، می‌توانید مانند مردم تسالونیک‌ی در کتاب اعمال فصل ۱۷ باشید و همه چیز را بررسی کنید تا ببینید آیا مطابقت کتاب مقدس است یا خیر!

ما باید با این تعریف آغاز کنیم که هدف کلیسا از خدمات بشارت‌های برون مرزی چیست.

هدف خدمات بشارتی برون مرزی در درجه اول خدمات روحانی است

در ابتدای هر کتابچه، نیازی نیست در مورد مسئولیت کلیساها در قبال برآوردن نیازهای ابدی از طریق اعلام انجیل و نیازهای گذرا از طریق حمایت‌های مادی، عمیقاً گفتگو کنیم. تک تک مسیحیان باید صراحتاً برای همه رنج‌های انسانی اهمیت قائل شوند و مخصوصاً باید به رنج هولناک و ابدی که پیش روی همه کسانی که زیر خشم خدا قرار دارند، اهمیت بدهند. ما نباید در زندگی شخصی خودمان این دو موضوع را در مقابل یکدیگر در نظر بگیریم. شبان جان پایپر به خوبی تعادل را در مورد این دو مورد حفظ می‌کند و می‌گوید: «مسیحیان به همه رنج‌ها، به ویژه رنج ابدی اهمیت می‌دهند، در غیر این صورت قلبی معلول یا جهنمی بدون آتش دارند».^۲

درحالی که به موضوع مأموریت جهانی کلیسا می‌پردازیم، امیدوارم در مورد اینکه کلیسا باید به طور خاص به رنج ابدی اهمیت بدهد، به اتفاق نظر برسیم. کلیسا، جامعه انجیلی منحصر به فردی است که توسط خود عیسای مسیح جهت حرکت داده شده است. بنابراین، کلیسا باید به طور خاص در راستای تحقق مأموریت منحصر به فرد خود که شامل محافظت از انجیل، اعلام انجیل و شاگردسازی کسانی که با توبه و ایمان انجیل را پذیرفته‌اند است، تلاش نماید. اگر کلیساهای ما در انجام این مأموریت موفق نباشند، مهم نیست که چه کارهای خیریه‌ی دیگری انجام می‌دهیم، در آن صورت در انجام مأموریت خاص و منحصر به فردی که مسیح به عهده ما به عنوان کلیسا گذاشته است، موفق نخواهیم شد. انجام کارهای خیریه دیگر عالی است و کلیساهای ما ممکن است تصمیمات متفاوتی در مورد مشارکت در کارهای خیریه و فعالیت‌های اجتماعی بگیرند. اما این بشارت و محافظت از انجیل است که کاری کاملاً منحصر به فرد برای کلیسای مسیحی می‌ماند. ما باید به ترتیب اولویت به این امور پردازیم و این اولویت خدمت بشارت مسیحی است.

بسیار مهم است که صریحاً بر این نکته تأکید کنیم زیرا در این روزها برخی از مسیحیان اشاره کرده‌اند که تشویق کلیساها برای اینکه مأموریت روحانی را اولویت

۲. John Piper, Twitterpost, January 23, 2011(1:00p.m.), <https://twitter.com/JohnPiper>.

قرار دهند به این معناست که اعضا و مبشرین کلیسا به رنج‌های زمینی انسان هیچ اهمیتی ندهند. با این حال، از نظر تاریخی، نسل‌هایی بوده‌اند که کلیساها بهشت و نجات را بیشتر مد نظر قرار می‌دادند و در عین حال بیشترین کارهای خیریه اجتماعی را انجام داده‌اند. حتی امروز نیز، محققانی مانند رابرت پوتنام Robert Putnam در مورد کمک‌های بشردوستانهٔ بیش از حد توسط افراد مذهبی از کلیساهایی که در پی رفتن به آسمان هستند، عمیقاً تعمق نموده‌اند.^۳ یا ممکن است اثر تحسین برانگیز رابرت وودبری Robert Woodberry جامعه‌شناس را بخوانیم که اثبات کرد «مبشرین برون مرزی پروتستان متمرکز بر تبدیل جان‌ها» – conversionary missionary protes- tants یعنی مبشرینی که نجات جانها برایشان بیش از هر چیز دیگری ارجحیت دارد) نسبت به کسانی که فقط یا عمدتاً بر انجام فعالیت‌های خیریه اجتماعی تمرکز دارند، در سطح جهانی کارهای ماندگارتری را به انجام رسانده‌اند.^۴

البته، در نهایت، ما به دلیل مسائل تاریخی یا علوم اجتماعی، مسئلهٔ ابدیت را در کلیساهایمان در اولویت قرار نمی‌دهیم. ما این کار را با هدف محبت به همسایه‌مان انجام می‌دهیم. اما اگر بپذیریم که رنج ابدی در جهنم ناگوارترین رنج انسان است، چه چیز دیگری را در اولویت قرار خواهیم داد؟ در این صورت، ما موضوع ابدیت را حتی بیشتر از محبت به خدا در اولویت قرار می‌دهیم. ما خواهان تحقق این هدف هستیم که کلیساهایمان خدا را جلال بخشند، هدفی که او به طور خاص به آنها محول کرده است.

ما با شادی این حکم خداوندمان را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهیم. «پس بروید و همهٔ قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید

۳. For example, Robert D. Putnam, "What's So Darned Special about Church Friends?," *Altruism, Morality and Social Solidarity Forum* (American Sociological Association) 3, no. 2 (2012): 1, 19–21.

۴. Robert Woodberry, "The Missionary Roots of Liberal Democracy," *American Political Science Review* 106, no. 2 (2012): 244–74.

دهید و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند» (متی ۲۸ آیات ۱۹-۲۰). و به رؤیای آسمانی یوحنا رسول هدایت می‌شویم.

«پس از آن نظر کردم و اینک جماعتی عظیم از هر ملت و طایفه و قوم و زبان پیش روی خود دیدم که هیچ کس آنان را نمی‌توانست شماره کند و همه پیش تخت و در پیشگاه بره ایستاده بودند. همگان ردای سفید بر تن داشتند و شاخهٔ نخل به دست. آنان به بانگ بلند ندا در دادند که: «نجات از آن خدای ماست، که بر تخت نشسته؛ و از آن بره است» (مکاشفه ۷ آیات ۹-۱۰)

فراخواندن و شاگردسازی همه قوم‌هایی که توسط بره نجات یافته‌اند، اصلی‌ترین مأموریت کلیساست. ممکن است هر کار نیکو و پسندیده دیگری کلیسا انجام دهد، اما این رویای بزرگ باید مهمترین هدف و لذتی باشد که ما برای آن تلاش می‌کنیم. آیا کمتر از این شایسته کسی است که «به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد» (اول تیموتائوس ۱ آیه ۱۵)؟ بشارت و بنای کلیسای مسیح اولین اولویت ما در مأموریت‌های کلیساست.

بشارت‌های برون مرزی متعلق به خداست، برای جلال او و بنا بر مولفه‌های او

خدا نه تنها می‌خواهد که مأموریتش پیش برود، بلکه می‌خواهد بنا بر مولفه‌های و شرایط خودش پیش برود. مقصود خدا این است که با نشان دادن اینکه این مأموریت متعلق به اوست و قدرت او آن را حفظ می‌کند، جلال یابد. هر تلاشی از جانب ما به جهت تغییر یا گسترش این مأموریت، یا جایگزینی ایده‌های خود به جای ایده‌های خدا، این خطر را به دنبال دارد که جلال او آنچنان که شایسته است محقق نشود. و تلاش برای سلب کردن چیزی از خدایی که قادر و دانای مطلق است و در تمام جهان بیش از همه برای آن اشتیاق دارد، بسیار نابخردانه است و در نهایت بی‌نتیجه خواهد بود. خدا می‌گوید:

«به خاطر نام خویش خشم خود را به تعویق خواهم افکند، و به سبب ستایش خویش آن را مهار خواهم کرد تا تو را منقطع نسازم. اینک تو را تصفیه کردم، اما نه چون نقره؛ و تو را در کورهٔ مصیبت آزمودم. به خاطر خودم چنین می‌کنم، آری تنها

به خاطر خودم؛ زیرا چرا باید نام من بی حرمت شود؟ من جلال خویش را به دیگری نخواهم داد.» (اشعیا ۴۸ آیات ۹-۱۱)

از نظر خدا مهم است که این مأموریت چگونه پیش می‌رود زیرا او جلال خویش را به دیگری نخواهد داد. همینطور که برای درک این مأموریت به صفحات کتاب مقدس نگاه می‌کنیم، باید این واقعیت در ذهن ما حک شود. مأموریت نجات جهانی در نهایت به خاطر خداست: «به خاطر خودم چنین می‌کنم، تنها به خاطر خودم» و این چیزی شگفت‌انگیز است.

اعتماد ما به این مأموریت و شادی ما در نجات از این آگاهی سرچشمه می‌گیرد که مأموریت رحیمانه خدا در میل او به جلالش است، نه در توانایی یا اشتیاق ما. جلال بر خدا! او اعلام می‌کند،

به خاطر نام خویش، خشم خود را به تعویق خواهیم افکند، و به سبب ستایش خویش آن را مهار خواهیم کرد تا تو را منقطع نسازم.

این ممکن است یکی از دلگرم‌کننده‌ترین آیات در تمام کتاب مقدس باشد. تا زمانی که خدا برای جلال خود اهمیت قائل است و تا زمانی که متعهد است که از طریق نشان دادن رحمت خود به گناهکاران جلال یابد، همه کسانی که به او ایمان دارند در امنیت هستند و مأموریت او هرگز شکست نخواهد خورد. خدا تصمیم گرفته است که این مأموریت چگونه باید پیش برود. او قصد دارد با اعلام ساده انجیل و گرد آمدن فرزندان در کلیساها این هدف پیش برود تا همه ببینند که نجات، عمل دست خداست و او تمامی جلال را به دست خواهد آورد.

بشارت جهانی در درجه اول از طریق کلیسای محلی انجام می‌گیرد

چه کسی مسئولیت انجام مأموریت نجات جهانی را بر عهده دارد؟ مسیح مأموریت بزرگ خود را در متی ۲۸ به چه کسی سپرد؟ این سؤال پیچیده‌تر از این است که صرفاً پرسید که چه کسی در آنجا حضور داشت وقتی که عیسی سخنانی را

که در متی ۲۸ آیات ۱۸-۲۰ ثبت شده، بیان می‌کرد؟ از یک جهت، اصلی‌ترین مأموریت بشارت‌های برون مرزی به تک تک مسیحیان داده شده است. اما از جهت دیگر در اصل این مأموریت به کلیساهای محلی داده شده است. چرا این را می‌گوییم؟

هر یک از ما به صورت جداگانه فراخوانده شده‌ایم تا از فرمان مسیح برای شاگرد سازی کسانی که کلام او را می‌شناسند و آن را نگاه می‌دارند، اطاعت کنیم. اما او از ما می‌خواهد، چگونه این کار را انجام دهیم؟ کلام او واضح است، بدیهی است که ما باید به دنبال اطاعت از او، شاگردسازی، و بنای کلیساهای جدید از طریق کلیسای محلی باشیم. کلیسای محلی از طریق تعمید و عضویت در بدن مشخص می‌کند که چه کسی شاگرد است و چه کسی شاگرد نیست (اعمال رسولان ۲ آیه ۴۱). کلیسای محلی جایی است که بیشتر شاگردسازی‌ها طبیعتاً در آنجا اتفاق می‌افتد (عبرانیان ۱۰ آیات ۲۴-۲۵). کلیسای محلی مبشرین را می‌فرستد (اعمال رسولان ۱۳ آیه ۳) و پس از فرستادن مبشرین از آنها حمایت می‌کند (فیلیپان ۴ آیات ۱۵-۱۶، سوم یوحنا ۱-۸). و به وجود آمدن کلیساهای محلی تندرست که ثمراتشان روز به روز بیشتر می‌شود، معمولاً هدف و نهایت تلاش مبشرین مان هستند (اعمال رسولان ۱۵ آیه ۴۱، تیتوس ۱ آیه ۵).

اما چرا خدا تا این اندازه متعهد است که کار بزرگ نجات را از طریق کلیسای خود انجام دهد؟ زیرا او مشتاق جلال خویش است. او تصمیم گرفته است که در طول تاریخ عمل کند «تا اکنون از طریق کلیسا حکمت گوناگون خدا بر ریاستها و قدرتهای جایهای آسمانی آشکار شود» (افسسیان آیه ۱۰). خدا متعهد است که از کلیسا برای انجام کار نجات خود استفاده کند تا جلال حکمت خود را بر جهان آشکار سازد. کلیسا، نقشه خدا بود. کلیسا تنها برنامه منظم و سازمان یافته او برای مأموریت‌های بشارت جهانی است. مهمتر از هر چیز، کلیسا عروس محبوب به خون خریده شده پسر محبوب اوست.

بنابراین، باید به خاطر داشته باشد که همه سازمان‌هایی که توسط انسان تاسیس شده و در انجام مأموریت‌ها کمک می‌کند، خادمین ساق‌دوش هستند، نه عروس! آنها کارگران پشت صحنه هستند، نه ستاره! این مقام و افتخار و مسئولیت را مسیح تنها به کلیسای خود داده است. همکاری و مشارکت با برنامه بین کلیساهای برای انجام

مأموریت‌ها موهبتی فوق‌العاده است (در ادامه در مورد آن توضیح خواهیم داد)، اما کسانی که این همکاری‌ها را برنامه ریزی می‌کنند باید به خاطر داشته باشند که آنها همگام با کلیسای محلی فعالیت می‌کنند، نه اینکه جای آن را بگیرند.

به این دلیل، کتاب مقدس در این مورد بسیار واضح سخن می‌گوید، از این رو، این کتابچه جسورانه کلیسای محلی را به عنوان محرک مأموریت‌های بشارت جهانی مد نظر قرار می‌دهد. حتی وقتی شخصا خود را به مبشر برون مرزی، در سطح جهانی متعهد می‌دانیم، باید این کار را در قالب نقش خودمان به عنوان اعضای کلیسا انجام دهیم. اگر می‌خواهیم درک کنیم که چگونه این مأموریت بشارتی را صادقانه دنبال کنیم، کلیسای محلی باید مرکزی باشد که افراد را شناسایی و آموزش دهد و سپس آنها را فرستاده و حمایت نماید. این مأموریت به خاطر جلال مسیح به کلیسای مسیح داده شده است.

کتاب مقدس در مورد روش‌های انجام خدمت برون مرزی مطالب زیادی برای گفتن دارد

و اما، خدا می‌خواهد که مأموریتش چگونه پیش برود؟ این تفکری بی‌رحمانه است که خدا می‌داند خواهان چیست، آیا ما را به خودمان واگذار می‌کند تا آن را متوجه شویم. خدا، هرگز با فرزندانش این چنین رفتار نمی‌کند. او در سراسر کلام خود گنجینه‌ای از تعالیم در مورد بشارت‌های برون مرزی کلیسا به ما داده است، در مورد اینکه آن چه مفهومی دارد و چگونه با وفاداری و اعتمادی همراه با شادی این خدمت را به انجام برسانیم.

ما او را محبت می‌نماییم و حرمت می‌نهیم نه صرفاً با تلاش برای رسیدن به هدف نهایی که او به پرستندگان خود از هر زبان، طایفه و قوم و ملت داده است، بلکه از طریق‌هایی که او مقرر فرموده است. و او به ما گفته است که بشارت جهانی او از طریق زندگی‌های مقدس، دعا‌های ایمانی، اعلام انجیل و کلیساهای تندرستی که ثمر می‌آورند، پیش خواهد رفت.

در واقع ادامه این کتاب در مورد این موضوع است: دربارهٔ اینکه این اصول را از کتاب مقدس بررسی و تحلیل نماییم و سپس سعی کنیم آنها را با حکمت در عملکرد مبشرین برون مرزی کلیساهای محلی مان به کار بگیریم. به این دلیل خبر خوشحال کننده این است که اگرچه کار بشارت‌های برون مرزی دشوار است، اما پیچیده نیست. خدا هر چیزی را که باید بدانیم، دقیقاً در کتاب مقدس به ما گفته است.

کتاب مقدس به ما می‌گوید که مأموریت چیست: مأموریت کلیسا این است که انجیل را به گوش همه مردم برساند، در همه جا کلیساهایی را برپا کند و آنها را از شاگردانی که از خدا اطاعت می‌کنند، پر سازد؛ از کسانی که او را به خاطر فیض او می‌ستایند، تا جلال خدا را آشکار سازند. (اشعیا ۵۶، متی ۲۸ آیات ۱۸-۲۰، رومیان ۱۵ آیات ۷-۱۳، افسسیان ۳ آیات ۸-۱۱، مکاشفه ۷ آیات ۹-۱۰).

کتاب مقدس به ما می‌گوید که این مأموریت چگونه به پیش خواهد رفت: به واسطهٔ توکل کاملاً همراه با دعا، اعلام انجیل در سراسر جهان، شاگردسازی بر اساس کتاب مقدس، و بنای کلیساهای جدید (خروج ۶ آیات ۵-۸، رومیان ۱۰ آیه ۱۷، کولسیان ۴ آیه ۲-۴، ۱ تسالونیکیان ۵ آیه ۱۱).

کتاب مقدس به ما می‌گوید که باید از چه نوع مبشرین برون مرزی حمایت کنیم: مبشرینی که به کتاب مقدس وفادارند، در شناخت راهکار بشارت صبورند، پیغام انجیل را موعظه می‌نمایند و به کلیسا محبت دارند. (اعمال رسولان ۱۶ آیات ۱-۳، رومیان ۱۰ آیات ۱۴-۱۵، دوم قرنتیان ۸ آیه ۲۳، ۲ تیموتائوس ۴ آیات ۱-۵، سوم یوحنا ۱-۸).

کتاب مقدس به ما می‌گوید که هدف نهایی بشارت‌های برون مرزی‌ها باید چه باشد: هدف این است افراد در کلیساهایی که بر پایه کتاب مقدس بنا شده متحول و تبدیل شوند و در نهایت به جماعت آسمانی ملحق شوند که بره خدا را تا ابد بستانند. (رومیان ۸ آیات ۱-۱۱، عبرانیان ۱۰ آیات ۱۹-۲۵، مکاشفه ۷ آیات ۹-۱۰)

این فقط بخشی کوچک از نکاتی است که کتاب مقدس در مورد مأموریت‌ها به ما می‌گوید. ما را نشده‌ایم که بر منابع ناچیز خود تکیه کنیم تا بشارت‌های برون مرزی کلیسا برای ملت‌ها را درک کنیم. خدا در این مورد آنقدر مهربان و جدی

است که این کار را انجام داده است. پس بیایید با در نظر داشتن این چهار اصل کتاب مقدس پیش برویم:

- خدمت بشارت‌های برون مرزی اصلی در درجه اول روحانی است.
- خدمت بشارت‌های برون مرزی به خدا تعلق دارد، برای جلال جلال او و مطابق راه‌های اوست.
- خدا این خدمت بشارت‌های برون مرزی را به کلیسای محلی داده است.
- و کتاب مقدس همه آنچه را که باید بدانیم برای اینکه وفادارانه خدمت بشارت‌های برون مرزی خدا را تحقق بخشیم، به ما می‌گوید.
با بیان روشن این اصول، بیایید شروع تحلیل و به کارگیری آنها نماییم.

۲

به ترتیب اولویت

به یاد دارم زمانی که مدت کوتاهی در ترکیه زندگی می‌کردم، برای اولین بار ماشین کرایه کردم. خواهران همسرم برای مسافرت آمده بودند و من و همسرم می‌خواستیم آنها را به ویرانه‌های شهر باستانی افسس ببریم. شرکت اجاره ماشین یک ماشین سواری اروپایی جدید و بسیار گران قیمت به ما داد. آن عالی بود! همه چیز عالی پیش می‌رفت تا اینکه وارد پمپ بنزین شدم. معلوم بود که ماشین با بنزین کار می‌کند. با این حال، متصدی پمپ بنزین پرسید که آیا من «بنزین» می‌خواهم یا «دیزل»؟ اما دایره واژگان مربوط به سوخت به زبان ترکی محدود بود. برای لحظه‌ای فکر کردم یکی را انتخاب کنم و امیدوار باشم که بهترین گزینه را انتخاب کرده‌ام. ما باید راه می‌افتادیم. بعد با خود تصور کردم که ممکن است، انتخاب سوخت نامناسب، به خرید ماشین جدید برای شرکت منجر شود. بنابراین شروع کردم در پنج دقیقه با حرکات دستم، بو کردن سرشیلنگ و در نهایت با کمک فرهنگ لغت ترکی منظورم را بفهمانم. از قرار معلوم ترک‌ها به گازولین «دیزل» و بنزین در زبان انگلیسی «گاز» می‌گویند. کارمند آنجا از مبلغی که پرداخت کردم، بسیار خوشحال شد. اما باید مطمئن می‌شدم، چون صرف نظر از اینکه ماشین چقدر خوب یا مورد علاقه من است، تلاش برای رانندگی با سوخت نامناسب خوشایند نخواهد بود.

من مطمئن نیستم که وقتی صحبت از سوخت برای تقویت اشتیاق برای بشارت در میان باشد آیا بسیاری از کلیساها در این مورد به تعلیم مشابهی نیاز دارند یا خیر! سوخت مناسب اولین قدم حیاتی است. متأسفانه، گاهی ما خیلی عجله داریم و به همین دلیل از سوخت اشتباهی استفاده می‌کنیم. ما وقت خود را با نگاه کردن به نقشه جهان، آمار جمعیت و داستان‌های فداکارانه مبشرین هدر می‌دهیم. یا در مورد

نیازمندی افراد گمشده تامل می‌کنیم که در جای خود مفید است، اما نمی‌توان آن را به عنوان اقدام اصلی در نظر گرفت. قلبی که خواهان جلال خدا در بشارت به ملت‌ها باشد، با شادی در انجیل بنا می‌شود. کلیساهای ما نخست باید خدایی را حرمت نهد که پسر خود را برای نجات گناهکارانی چون ما فرستاد. پس سوخت مناسب بسیار مهم است.

این نکته ممکن است به معنای این باشد که بهترین راه برای تشویق کلیسا برای بشارت‌های برون مرزی این است که مدتی در مورد بشارت موعظه نکنید و در عوض، بیشتر در مورد انجیل صحبت کنید. من کلیساهایی را دیده‌ام که سعی کرده‌اند اشتیاق اعضای خود را در مورد بشارت‌های برون مرزی را به وجود آورند، بدون اینکه در مورد انجیل صحبت کرده باشند. نتیجه آن تاسف بار بوده است. و بشارت فقط به یک حوزه دیگر خدمت کلیسایی تبدیل شده که برای جلب توجه و تمایل همه رقابت می‌کند. احساس گناه، تبلیغ افراطی، داستان‌های غم‌انگیز، هیچ کدام به بهترین شکل این انگیزه را به وجود نمی‌آورند. واقعاً چگونه درباره قربانی کردن بازار گرمی می‌کنید (این همان کاریست است که بیشترین انجام می‌دهند) مگر اینکه مردم برای هدفی که قربانی و فداکاری که برایشان انجام شده ارزش بالایی قائل باشند. سعی نکنید کلیسای خود را در مورد بشارت‌های برون مرزی به هیجان آورید تا زمانی که آنها آنچه را که مسیح در انجیل برای آنها انجام داده دوست داشته و ارزشمند بشمارند (واقعاً و عمیقاً ارزشمند بشمارند). کلیساها تا زمانی که عمیقاً انجیل را ارج ننهند، انجیل را گسترش نخواهند داد.

انجیل چیست؟

منظور من از «انجیل» چیست؟ منظورم پیغام تاریخی و مستند مسیحی است، خبر خوش در مورد آنچه که خدا از طریق مسیح برای گناهکاران به انجام رساند. منظورم مفاهیم بسیاری را در بردارد که در این پیغام نهفته است، از جمله اینکه مسیحیان چه کاری باید انجام دهند یا نحوه زندگی‌شان باید چگونه باشد. من در مورد خود پیغام

انجیل صحبت می‌کنم که عیسی برای گناهکاران چه کاری انجام داد، این تنها پیغامی است که می‌تواند گناهکارانی مانند ما را از جهنم نجات دهد و به نزد خدا آورد.

انجیل بر اساس کتاب مقدس با خدایی آغاز می‌شود که همه چیز را به واسطه کلام خود آفرید. خدا تمامی کهکشان‌ها و سحابی‌ها، همه ستاره‌ها و سیاره‌ها را از هیچ خلق نمود. او حیات را، از جمله اولین مرد و زن را در سیاره ما آفرید. خدا آنها را در باغی قرار داد و به آنها همه چیز عطا کرد تا از آن لذت ببرند و در آزادی کامل حکمرانی کنند. تنها محدودیت آنها این بود که از یک درخت خاص نخورند. اما دشمن سرکش خدا وارد باغ شد و زن، یعنی حوا را وسوسه کرد. مرد، یعنی آدم همان جا ایستاده و هیچ کاری نمی‌کرد. آنها انتخاب کردند که دستور خدا را باور نکنند و در عوض به وعده‌های دروغین شیطان گوش سپردند. از آن زمان تا کنون انسان‌ها همین کار را انجام داده‌اند. اما از آنجایی که خدا نیکو و عادل است، گناه را مجازات می‌کند. او از آن دسته قاضیانی نیست که خطاها را نادیده بگیرد و عدالت را در نظر نگیرد. او یک قاضی عادل است. و این خبر بدی برای خطاکارانی مانند ماست.

سرکشی در برابر حاکمیت محبت آمیز خدای کامل، بطور توصیف ناپذیری اشتباه است و سزاوار مجازاتی با شدت و مدتی غیرقابل تصور است. ما سزاوار مجازات ابدی و عامدانه خشم خدا در جهنم هستیم.

اما خدا با محبت و حکمت بی‌حد خود، نقشه‌ای داشت تا گناهان را مجازات نماید (و به این ترتیب قاضی عادل باقی بماند) و در عین حال گناهکارانی مانند ما را ببخشد (و رحمت خود را عیان سازد). او این کار را با فرستادن عیسی، پسرش که همتای او از ازل و در مشارکت با او بوده و هست، به انجام رساند تا جسم انسانی به خود بگیرد. عیسی بدون هیچ گونه سرکشی در برابر خدا زندگی کاملی داشت. هیچ گناهی در او نبود اما داوطلبانه به جانشین گناهکاران شد. او به صلیب چوبی می‌خکوب شده، تمامی خشم و غضب خدا را متحمل شد، خدای قادر مطلق که از گناه نفرت داشت. آنچه ما به خاطر گناهمان تا ابد سزاوار آن بودیم، مسیح با رنجی محبت آمیز بر خود گرفت. از خود گذشتگی او مجازات همه گناهکارانی که به او

اعتماد کنند را دربر می‌گیرد. خدا، با برخیزاندن عیسی از مردگان پس از سه روز، نشان داد که قربانی او را پذیرفته است.

اکنون عیسای قیام کرده به همه و در همه جا فرمان می‌دهد که از گناه دوری کنند و به او اعتماد کنند. و به طور شگفت‌انگیزی، مسیح نه تنها به ما وعده آمرزش، بلکه وعده فرزندخواندگی به عنوان پسران و دختران محبوب خدایی که ما نسبت به او مرتکب گناه شده ایم، را به ما می‌دهد. با توبه از گناهانمان و اعتماد به مسیح، می‌توانیم اکنون صلح و آرامش با خدا و امیدوی محکم و استوار از شادی جاودانی که با او تا ابد خواهیم داشت، تجربه نماییم. این انجیل کتاب مقدسی است و برای هر کسی، با هر زبان و فرهنگی، در هر جایی و در تمام زمان‌ها صادق است.

صرف نظر از نقش ما در کلیسا، بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که به انجیل ایمان داشته باشیم. ما ما بایستی درباره آن تعمق کنیم و همه چیز را در زندگی خود در پرتو حقیقت و ارزش آن بسنجیم. پس از انجام این کار، ما باید برای رهبران کلیسای خود دعا کنیم و با بردباری آنها را تشویق نماییم تا حقایق انجیل را آشکار سازند. هر بار که در موعظه خود انجیل را روشنتر می‌سازند از آنها قدردانی نمایید و آنها را ترغیب کنید که اشتیاق برای بشارت‌های برون مرزی را الزام بدیهی کتاب مقدس در مورد انجیل ببینند.

اگر شما شبان یا رهبر کلیسایی هستید، این بدان معناست که شما باید انجیل را نه فقط در برنامه‌های بشارتی، بلکه همیشه پابرجا نگاه دارید. به نجات یافتگانی که در جماعت کلیسایی شما هستند، باید مرتباً یادآوری شود و به آنها کمک شود تا از این حقیقت مطلق حیرت زده شوند که «وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد» (رومیان ۵ آیه ۸). هنگامی که مردم کار مسیح را بسیار ارزشمند می‌شمارند، خدمات بشارت‌های برون مرزی به یک فداکاری باشکوه و مشهود تبدیل می‌شوند. جلال انجیل، نه نیازمندی انسان؛ سوخت خودجوش برای بشارت‌های برون مرزی است.

بشارت‌های برون مرزی و مبشر برون مرزی چه معنایی دارد؟

با این همه، منظور ما از «بشارت‌های برون مرزی» چیست و چه کسی را باید «مبشر برون مرزی» نامید؟ اخیراً این دو واژه در ذهن برخی از مسیحیان تغییربنیادی بسیار چشمگیری پیدا کرده است. برخی افراد ماموریت کلیسا را، هر کار نیکی که یک مسیحی ممکن است انجام دهد، از فعالیت‌های اجتماعی گرفته تا حفاظت از محیط زیست، تلقی می‌کنند. این موارد قطعاً کارهای خوبی هستند که در کنار هزاران کار خوب دیگر، اکثر مسیحیان شخصا به طور مرتب انجام می‌دهند. اما در این کتاب، من قصد دارم به کاربرد سنتی و تاریخی «بشارت‌های برون مرزی»، به معنای مأموریت انجیلی منحصر به فرد و آگاهانه کلیسا برای شاگردسازی همه ملت‌ها پردازم. منظور من ماموریتی است که انجیل را از مرزهای قومی، زبانی و جغرافیایی عبور می‌دهد، کلیساها را گرد می‌آورد و به آنها تعلیم می‌دهد که از هر آنچه عیسی فرموده، اطاعت نمایند. صادقانه بگویم، در غیر این صورت خطر سوء تعبیر عبارت «بشارت‌های برون مرزی» را به دنبال دارد و عمدتاً بی‌فایده خواهد بود. چنانکه استیفان نیل Stephen Neill در این مورد نقی قولی معرفی در تعریف دوباره بشارت‌های برون مرزی دارد و می‌گوید: «اگر هر خدمتی ماموریت بشارت‌های برون مرزی است، پس دیگر خدمت بشارت بدون مرزی، ماموریت نیست».^۵

به همین ترتیب، وقتی به یک مبشر برون مرزی اشاره می‌کنم، منظورم مسیحیانی نیستند که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و انجیل را به گوش مردم می‌رسانند. در فصل ۷ در مورد سهم ارزشمندی که مسیحیان می‌توانند در کار بشارت داشته باشند، گفتگو خواهیم نمود. اما همانطور که هر فردی که عضو کلیساست و مسیح را دوست دارد «شبان یا شیخ» نیست و هر عضو کلیسا که در مورد کتاب مقدس صحبت می‌کند، به مفهومی که یعقوب ۳ آیه ۱ می‌گوید، «معلم» نیست، پس هر کسی که انجیل را در میان فرهنگ‌های دیگر شهادت می‌دهد، به مفهومی که در سوم یوحنا یا اول قرنتیان می‌خوانیم، مبشر برون مرزی نیست. بنابراین، دوباره به برداشت تاریخی و سنتی مبشری تاکید می‌نمایم. مبشر به مفهوم شخصی است که توسط کلیساهای

۵. Stephen Neill, *Creative Tension* (London: Edinburgh House, 1959), 81.

محلی تعیین و فرستاده می‌شود تا پیغام انجیل را برساند و کلیساهای محلی را با وجود تفاوت‌های قومی، زبانی یا جغرافیایی گرد آوری، خدمت و تقویت نماید. در جاهایی مانند سوم یوحنا به کلیساها گفته شده که ما باید از چنین افرادی حمایت کنیم.

اما حمایتی که در کتاب مقدس بیان شده، چگونه است؟ و ما به عنوان یک کلیسا از کجا و چگونه شروع کنیم؟

۳

فرستادن - اعزام و به شایستگی حمایت کردن

یکی از دوستانم، پدرش مبشر برون مرزیست و او در اروپا بزرگ شده است. اخیراً در مورد دیداری که او و خانواده اش از یک کلیسا در آمریکا داشته‌اند، با من صحبت کرد. او در آن زمان حدوداً نه سال داشت. کمی پس از ورود خانواده اش به کلیسا، یکی از اعضا از او دعوت می‌کند که بیاید اسباب‌بازی و چیزهای دیگر را از «کمد خادمین خادم در خارج از کشور» کلیسایشان بردارد. او به عنوان یک پسر بچه، کنجکاو و هیجان زده شده بود. سپس آن شخص در کمد بزرگی را باز کرده که پر بود از لباس‌های فرسوده، کامپیوترهای قدیمی و اسباب‌بازی‌های خرابی که قطعاتشان گم شده بود. دوستم خیلی از این موضوع ناراحت شده بود.

مطمئن هستم که اعضای آن کلیسا نیت بدی نداشته‌اند. اما مطمئناً کمدی از چیزهای دورریختنی برای حمایت از مبشرین در نظر خدا خوشایند نیست. اما چه چیز در نظر او خوشایند و مطلوب است؟ آیا ما مبشرین برون مرزی را در شرایط مطلوبی می‌فرستیم، چه اندازه باید از آنها حمایت کنیم و حتی چه کسانی را باید بفرستیم؟ عجیب نیست که پاسخ این سوالات دقیقاً در کتاب مقدس وجود دارد.

اصول و قواعد اصلی بر گرفته از سوم یوحنا آیات ۱-۸

یوحنا ی رسول در نامه سوم خود به دوست خود گایوس در مورد اهمیت حمایت از ماموریت مبشرین برون مرزی در سفر رهنمون‌هایی ارائه می‌کند. در این روند، او به شماری از اصول کتاب مقدس اشاره می‌کند تا نحوه تفکر ما را درباره مبشرین برون مرزی و فرستادن و حمایت از آنها را جهت دهد.

با نامیدن خود به عنوان شیخ کلیسا می‌نویسد:

«از شیخ کلیسا، به گایوس عزیز که او را در 'حقیقت' دوست می‌دارم.

ای عزیز، دعایم این است که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری، همچنان که جانت نیز کامیاب است. بسی شادمان شدم که برادران آمده، بر وفاداری‌ات به حقیقت و شیوه سلوکت در آن شهادت دادند. هیچ چیز مرا بیش از این شاد نمی‌کند که بشنوم فرزندانم در 'حقیقت' سلوک می‌کنند. ای عزیز، تو در همه کارهایت برای برادران، امانت خود را نشان می‌دهی، بخصوص اینکه نزد تو بیگانه‌اند. ایشان نیز در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت داده‌اند؛ پس کاری نیکو می‌کنی اگر ایشان را آن گونه که سزاوار خداست، روانه سفر کنی. زیرا که ایشان به خاطر آن نام عزیمت کرده‌اند و از غیریهودیان کمکی دریافت نداشته‌اند. پس باید که ما چنین کسان را حمایت کنیم تا با ایشان در پیشبرد حقیقت همکاری کرده باشیم.» سوم یوحنا ۱-

۸

مفاهیم روشن و صریح بسیاری در مورد خدمات بشارتی برون مرزی در این متن کوتاه وجود دارد. اما بیایید پنج مورد را بررسی کنیم.

۱ - نگرانی - احساس مسئولیت در مورد خدمت بشارت و بیشترین برون مرزی و امری طبیعی است (آیه ۳، ۵، ۸).

یوحنا تاکید دارد که دوستش گایوس «در حقیقت سلوک می‌کند» و «تو در همه کارهایت برای برادران، امانت خود را نشان می‌دهی». او نتیجه می‌گیرد که «باید که ما از چنین کسانی (مبشرینی) حمایت کنیم.» در کتاب مقدس به روشنی بیان شده که اشتیاق برای حمایت از گسترش انجیل و رساندن پیغام آن به کسانی که نشنیده‌اند، امری عادی و اولیه سلامت فرد مسیحی است.

۲- در این متن به مشارکت میان کلیساهای محلی تشویق شده است (آیه ۳، ۷).

به همین ترتیب، همکاری در بشارت‌های برون مرزی میان چندین جماعت محلی مسلمان نیکو تلقی می‌شود. خادمان انجیل از کلیسای دیگری که احتمالاً کلیسای یوحنا بوده فرستاده شده‌اند. آنها برای گایوس (آیه ۵) «بیگانه» بودند، پس واضح است که از جماعت او نبودند و با این حال یوحنا می‌گوید که گایوس «باید» از این افراد حمایت کند تا کلیسای یوحنا و کلیسای گایوس با هم در پیشبرد حقیقت همکاری کرده باشند. حمایت متقابل از مبشرین برون مرزی، مشارکت واقعی انجیل است که موجب فخر مسیح می‌گردد.

۳- آگاهی از اینکه از چه کسی باید حمایت کنیم، بسیار مهم است (آیه ۶-۸).

اما از کجا بدانیم از چه کسی باید حمایت کنیم؟ یوحنا ی رسول آن را به طور واضحی برای ما مشخص می‌کند. یقیناً ما امیدواریم که مسیحیان با اینکه به دلیل آزار و شکنجه پراکنده میشوند (اعمال رسولان ۸ آیه ۴) یا به سفر می‌روند و به تجارت می‌پردازند (یعقوب ۴ آیه ۱۳)، انجیل را بشارت بدهند. اما یوحنا می‌گوید ما نسبت به کسانی که «به خاطر آن نام عزیمت کرده‌اند» وظیفه اخلاقی ویژه‌ای داریم. ما «باید» از چنین کسانی از نظر مالی حمایت کنیم. با وجود جهانی شدن و پویایی - تغییر پذیری جهان، تا زمانی که مسیح برگردد، همواره کلیساها به تعلیم، اعزام مبشرین و حمایت مالی هدفمند - حساب شده از مبشرین برون مرزی نیاز خواهند داشت. علاوه بر این، وقتی یوحنا خاطر نشان می‌کند که این مبشرین «از غیریهودیان کمکی دریافت نداشته‌اند»، به نظر می‌رسد منظور او این است که آنها از طریق انجیل کسب درآمد نمی‌کنند، بنابراین کلیسا باید احتیاجات آنها را تامین نماید. بسیاری از مردم انجیل را بشارت می‌دهند. خدا را شکر! اما تنها بعضی از مسیحیان هستند که حمایت مالی از کلیسای محلی را وظیفه اخلاقی خود می‌دانند. اینها مردان و زنانی هستند که ما آنها را مبشر می‌نامیم.

مبشرین، نمایندگان آزاد و خودمختار نیستند. آنها باید در برابر کلیسای محلی خود مسئول باشند. مبشرینی که در رساله سوم یوحنا از آنان صحبت شده احتمالاً در

برابر کلیسای یوحنا در اُفسس مسئولیت دارند. آیا به ارتباط کلیسا در آیه ۶ توجه کرده اید؟ یوحنا به گایوس می‌گوید که این مبشرین «در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت داده‌اند». پس از حمایت گایوس، به کلیسایی که آنها را فرستاده بود، بازگشته و به کلیسا گزارش داده بودند. رساله یوحنا، در میان موضوعات دیگر، به نظر می‌رسد که تقدیر و تحسین کلیسای خود به خاطر مبشرینی است که به عنوان خادمان کار خود را اثبات کردند. مبشرین کتاب مقدس به یک کلیسای محلی در ارتباط هستند و همیشه به این صورت بوده است.

۴ - این حمایت‌ها باید سخاوتمندانه باشد (آیه ۶).

به علاوه، یوحنا به عهده خودمان نمی‌گزارد که فکر کنیم، حمایت ما از مبشرین باید چگونه باشد. حمایت‌ها باید سخاوتمندانه، به فراوان، «آنگونه که سزاوار خداست» ارائه شود. این دغدغه که خادمان مسیحی باید سخاوتمندانه تامین شوند، در جای دیگر کتاب مقدس نیز تکرار شده است. پولس به تیتوس می‌گوید: «تا آنجا که می‌توانی، زیناس و کیل و آپولس را در انجام سفرشان مدد فرما تا هیچ محتاج نمانند.» (تیتوس ۳ آیه ۱۳). ما باید در تلاش باشیم که حمایت ما از مبشرین آنگونه باشد که بدانیم آنها به چیزی احتیاج ندارند، آنگونه که گویی خود عیسی را برای سفر فراهم می‌کنیم. این حمایت‌ها باید استاندارد بالایی داشته باشد.

۵ - انگیزه این حمایت‌ها محبت به جلال مسیح است (آیه ۷-۸).

در نهایت، ما شاهد انگیزه‌ای هستیم که باید ما را به فرستادن مبشرین و حمایت کردن از آنها ترغیب نماید. محبت به جلال مسیح و شناخت نام و حقیقت او! این محرک کار بشارت است؛ به خاطر نام مسیح! با آنکه نیازهای کسانی که هنوز خبر خوش آنجیل به گوش آنها نرسیده، بسیار زیاد است، اما یوحنا تاکید می‌کند تا به خاطر نام عظیم مسیح و جلال حقیقت او مبشرین را بفرستیم.

این اصول در رساله‌ی سوم یوحنا روشن و واضح آمده است و اطاعت از آنها ممکن است نحوه تفکر برخی از ما را در مورد حمایت از مبشرین کلیساهایمان متحول سازد. چگونه باید این اصول را به کار گیریم؟

ارزیابی کسانی که داوطلب خدمت بشارت‌های برون مرزی هستند

با توجه به جدیت و الزامی که برای اعزام مبشرین برون مرزی وجود دارد، ما باید به دقت انتخاب کنیم که چه کسانی را بفرستیم و از آنها حمایت کنیم. اگر در مورد تخصیص مبلغ بیش از حد به مبشرین چالش‌هایی داریم، ممکن است نشانگر آن باشد که در ارزیابی و گزینش کسانی که می‌فرستیم، ضعیف عمل می‌کنیم. اگر افراد مناسب را انتخاب کنیم، دیگر نباید نگران دادن مبلغ زیادی به آنها باشیم. من مبشرین وفادار زیادی را می‌شناسم که فکر می‌کردند که «بیش از حد» تامین میشوند. آنها واقعا پولشان را صرف کارهای دیگر برای انجیل می‌کردند. مثلاً کتاب مقدس می‌خریدند و برای آموزش و اعظام محلی هزینه می‌کردند. آنها پروژه‌هایی که برای ترجمه انجیل هستند، تامین می‌کردند. تا آنجا که من می‌دانم، هیچ یک از آنها پولشان را به یک حساب بانکی پنهانی منتقل نکردند یا یک اتومبیل گران قیمت نخریدند. اگر واقعا نگران هستید که پول اضافی که به مبشرین خود می‌دهید هدر می‌رود، باید آنها را به خانه‌هایشان برگردانید و به جای آن اشخاص قابل اعتمادی را بفرستید.

بله، کمی احتیاط لازم است. مبشرین نیز درست مانند ما، گناهکاران سقوط کرده‌ای هستند که به واسطه فیض نجات یافته‌اند. اما این وظیفه ماست که محتاطانه آنها را انتخاب کنیم و با شک و تردید از آنها حمایت و پشتیبانی نکنیم. بر اساس کتاب مقدس روشن است که همه کسانی که برای خدمت مسیحی خود را در اولویت می‌بینند، مناسب نیستند. در آیات بعدی سوم یوحنا با دیوترئیس آشنا می‌شویم. او خود را برای رهبری کلیسا جلو انداخت، اما یوحنا حرف‌های خوبی در مورد او نمی‌زند. داشتن علاقه به خدمت، شرط کافی نیست. به همین ترتیب، رسولانی که در اعمال ۱۵ خود را انتخاب شده می‌دیدند، صرفاً به دلیل اینکه می‌خواستند به انطاکیه

بروند؛ واجد شرایط نبودند. ما به عنوان کلیسا باید بسیار مراقب باشیم که چه کسی را باید «برای خدمت برمی‌گزینیم».

دقیقاً به همین دلیل ممکن است، تأکید متعصبانه بر فوریت سفرهای بشارتی سودمند نباشد. من موعظه‌ها و پیغام‌هایی را در ذهن دارم که بر ضرورت خدمت بشارت‌های برون مرزی بیش از هر چیز دیگری تأکید دارد. ماموریت خدا مهم و ضروری است. جهنم واقعیت دارد و خشم خدا بر همه کسانی که در مسیح نیستند، قطعی است. با این حال، مأموریت خدا نباید با شتاب زدگی یا با احتمال شکست باشد. این وعده که مسیح هیچ یک از کسانی را که پدر به او بخشیده از دست نخواهد داد، لب پرتگاه نیستند که بزودی سقوط خواهند کرد. ما می‌توانیم هم فوریت را در نظر بگیریم و هم حکیمانه رفتار کنیم. عیسی به ما گفت که از مالک محصول بخواهیم «کارگران» نه سیاهی لشکر و تماشاچی برای درو محصول خود بفرستد (متی ۹ آیه ۳۸، لوقا ۱۰ آیه ۲). چنین افرادی را باید بفرستیم. فرستادن افراد فاقد صلاحیت ممکن است عواقب ناخوشایندی داشته باشد که تأثیر بد آن ادامه دار خواهد.

پدرم از دوران کودکیم کاسب کوچکی بود. او مردی خوب، حکیم و خداشناس بود، اما به خاطر گذراندن عمر خود در مزرعه‌داری و زمین‌های نفت خیز تگزاس، فردی خوش رفتار نبود. او کارمندان تنبل یا مشکل ساز را تحمل نمی‌کرد. یک بار ناخواسته شنیدم که پدر به یکی از مدیرانش دستور داد تا یک کارمند مشکل ساز را اخراج کند. پدرم در آخر حرف‌هایش گفت: «تا وقتی که این مرد اینجاست، مثل این است که دو کارمند خوب را از دست داده‌اید.» این تصویر در ذهنم مانده است. فرستادن افراد نامناسب برای بشارت‌های برون مرزی فقط فرستادن مباشران ضعیف نیست. می‌تواند ثمرات خدمتی خادمان دیگر را از بین ببرد. ما نیاز به مبشرینی نداریم که خدمت‌شان به گونه‌ای باشد که انگار دو مبشر را از دست داده‌ایم.

حکیمانه رفتار کردن در مورد اینکه چه کسی را برای بشارت بفرستیم با نحوه صحبت و تفکر ما در مورد بشارت آغاز می‌شود. آیا تا به حال شنیده‌اید که کسی بگوید: «مسیحیان دلیلی برای رفتن به کشورهای دیگر نیاز ندارند. آنها دلیلی برای ماندن نیاز دارند؟» چنین نصیحت‌هایی آنقدر که ما فکر می‌کنیم، سودمند نیستند.

درست است که مبشرین، نخبگان دنیای مسیحیت نیستند. اما آیا واقعاً بهترین شکل برای رساندن این موضوع این است که کسی که دلیل خوبی برای ماندن در محل خدمت ندارد، شروط لازم برای مبشر شدن را دارد؟ البته که اینطور نیست. اغلب اوقات، من نگران این هستم که رهبران کلیسا غیرت برای بشارت را به افرادی که وضعیتشان سوال برانگیز هست، تشویق می‌کنند و سپس آنها را به «متخصصانی» در موسسه‌های بشارتی می‌سپارند تا در مورد خطرها و پیامدهای سفرهای بشارتی گفتگو کنند.

به جای این کار، کلیساهای محلی باید نقش فعال‌تر و مدبرانه‌تری در تشویق و تجهیز اعضا برای رفتن به کشورهای دیگر داشته باشند. می‌دانم که برخی ممکن است فکر کنند که به متخصصانی نیاز داریم که مبشرین را تعلیم بدهند. اما اگر شما بدانید چگونه اعضای تندرستی را در کلیسای خود آموزش دهید، عملاً به بیشتر مواردی که برای آموزش یک مبشر نیاز است، آگاهید. اکنون به سه مورد برای ارزیابی مبشرین می‌پردازیم.

ارزیابی شخصیتی

اول اینکه، چه کسی بهتر از یک کلیسای محلی می‌تواند شخصیت مبشرین را بشناسد؟ غالباً مبشرین بدون نظارت منظم روزانه کار می‌کنند. بسیاری از کارهایی که آنها انجام می‌دهند در مشارکت با دیگران، بدون الگویی خاص و با ابتکار عمل شخصی خودشان است. ما باید افرادی را بفرستیم که خودکفا و در عین حال وفادار باشند و همچنین تابع موسسه خدمتی خود باشند. همانطور که ما با اعضای کلیساهای خود در مورد رفتن به سفرهای بشارتی برون مرزی صحبت می‌کنیم، باید کسانی باشیم که شخصیت آنها را ارزیابی کرده و به رشد آنها در صورت نیاز کمک کنیم، نه اینکه آن موسسه‌ها که افراد را به این سفرها اعزام می‌کنند.

ما باید مشتاق باشیم که سؤالات نه چندان خوشایند بپرسیم، در مورد مسائل دشوار گفتگو کنیم و عطیه تشخیص داشته باشیم. اغلب نقص‌های کوچک شخصیتی می‌تواند به مشکلات بزرگ تبدیل شود. مشتاق باشید از خودتان بپرسید که آیا این

افراد وظیفه شناس هستند یا خیر! آیا آنها وظیفه‌ای را که به آنها محول شده است کامل انجام می‌دهند، یا نیاز به انگیزه دادن و نصیحت کردن بسیار دارند؟ آیا آنها از نظر مالی، زمان، مسئولیت‌ها و صداقت قابل اعتماد هستند؟ آیا آنها افرادی هناستند که ما به آنها اعتماد داریم و در کلیسایمان وظایف مهمی دارند؟

پولس رسول در اول تیموتائوس ۳ آیات ۱-۷ و تیتوس ۱ آیات ۵-۹ دو فهرست ارزنده از ویژگی‌های شخصیتی مشایخ به ما ارائه می‌دهد که تا حدودی باید هر کسی را که ما به عنوان مبشر اعزام می‌کنیم، خواه از مشایخ کلیسا باشد و خواه نباشد، این ویژگی‌ها را داشته باشد. بله، ما می‌خواهیم واقع بین باشیم و فرصتی برای رشد فراهم کنیم. اما در صورتی که تیم خدمات برون مرزی بخواهد، کسی که شدیداً نیاز به تغییر شخصیت دارد، به کار گیرد، ما باید شجاعت این را داشته باشیم که به آن فرد بگوییم: «هنوز وقتش نرسیده است» ما هرگز نباید این نقش را به سازمان‌های فراکلیسایی واگذار کنیم.

ارزیابی ثمر بخشی فرد

دوم اینکه، ما باید مایل باشیم که ثمر بخشی فرد را ارزیابی نماییم. باور دارم که ثمره انجیل از جانب خدا می‌آید و شخص می‌تواند بدون ثمراتی که قابل مشاهده باشد، وفادار باشد. پس اینجاست که ارزیابی در کلیسای محلی برای شناسایی این موضوع می‌تواند بسیار سودمند باشد.

فرض کنید دو زوج در کلیسایمان دارم که می‌خواهند به عنوان مبشر به خارج از کشور فرستاده شوند. آنها هر دو در یک محل زندگی می‌کنند و دایره دوستان مسیحی‌شان مشابه است. با این حال، یک زوج همیشه پذیرای دوستانشان در خانه خود هستند و روابط قابل توجهی با افراد از ملیت‌های دیگر دارند. و به نظر می‌رسد که هر شخص غیر مسیحی دیگری که با این خانواده وقت می‌گذرانند، در نهایت ایمان می‌آورد. در مقابل، به نظر می‌رسد که زوج دیگر اصلاً روابط صمیمانه‌ای با مردم برقرار نمی‌کنند. آنها تلاش می‌کنند، اما به نوعی هیچ وقت نتیجه نمی‌دهند. آنها تلاش می‌کنند تا انجیل را با مردم در میان بگذارند، اما هیچ کس دنبال صحبت آنان را

نمی‌گیرد. آنها روابط دوستانه برای شاگردسازی شروع می‌کنند، اما به نظر نمی‌رسد که افراد رشد چشمگیری داشته باشند.

در حقیقت، بیشتر روابطشان پایدار نیست، زیرا افراد به دنبال فرصت‌ها و برنامه‌های دیگری برای شاگردی هستند. شاید هر دو زوج خدا را دوست داشته باشند. هر دو ممکن است تمام تلاش خود را انجام دهند. اما من با قاطعیت کلیسای خود را تشویق می‌کنم که برای فرستادن زوج اول به سفر بشارتی، هزینه کند، نه زوج دوم! مسیر ثمربخش آشکار در زندگی دیگران یکی از نشانه‌های بزرگ یک مبشر واجد شرایط خوب است. و به طور کلی، این کلیساست که می‌تواند این مسیر را در طول زمان مشاهده و مورد بررسی قرار دهد.

بررسی شناخت کتاب مقدسی

سوم، علاوه بر مشاهده ثمربخشی و شخصیت افراد، ما می‌خواهیم کسانی را بفرستیم که دانش و درک قابل توجهی از کتاب مقدس داشته باشند. ما می‌توانیم در مورد اینکه مبشرین تا چه میزان باید آموزش الهیاتی داشته باشند، گفتگو کنیم. اما درک و شناخت الهیاتی آنها باید چقدر باشند؟ هر کسی که می‌خواهد انجیل به درستی انتشار یابد و کلیساهای تندرستی بنا شود، باید به مورد دوم اهمیت دهد. می‌توانیم از اول تیموتائوس ۴ آیه ۱۶ یا تیتوس ۱ آیه ۹ الگو بگیریم. تعلیم اصول ایمان، ضروری است و دلایل آن (امیدوارم) کاملاً واضح و روشن باشد. گسترش انجیل به فرهنگ و قوم دیگر نیازمند توجه و تفکر است. ما همواره می‌خواهیم مطمئن باشیم که وفادارانه حقایق را از کتاب مقدس شرح می‌دهیم و بیان می‌کنیم. اما انتقال آن در فرهنگ جدیدی (فرهنگ دیگری) که شناخت چندانی از آن نداریم، به زبانی که هنوز در حال یادگیری آن هستیم؛ نیازمند تدبیر و تفکر و دقت بیشتری در امور الهیاتی می‌باشد. بنای کلیساهای انجیلی در میان فرهنگ‌های مختلف، به تفکر عمیق و حکیمانه و شناخت و درک کتاب مقدس از اینکه کلیسا چیست و عملکرد آن چه می‌باشد، نیاز دارد.

اگر اعمال رسولان و رسالات دیگر را با دقت مطالعه نمایید، متوجه خواهید شد که بدعت، شک و تردید و اعتقاد به تلفیق - ادغام ادیان اغلب نزدیک به - در راستای گسترش انجیل رخ می‌دهد. بنابراین، اینجاست که ما به خیره‌ترین افراد کلیسا نیاز داریم. این کار برای هر شخص مسیحی که فقط دوست دارد ایمان خود را با دیگران در میان بگذارد، مناسب نیست. ما باید مطمئن شویم که کسانی که برای بشارت می‌فرستیم از دانش عمیق الهیاتی برخوردار باشند تا آنچه را که تعلیم می‌دهند به درستی در زندگی مخاطبان‌شان ثمر آورد، تا زمانی که مسیح برگردد.

تجهیز و آماده سازی افرادی که داوطلب خدمت بشارت‌های برون مرزی هستند

نقش کلیسای محلی فقط این نیست که مبشرین را شناسایی و ارزیابی کند، بلکه باید آنها را تجهیز و آماده کند. ممکن است ما درباره فرهنگ‌های خاص، یادگیری زبان یا حتی مسائل تاریخی که نگرش مردم را نسبت به انجیل شکل می‌دهد، اطلاعات زیادی نداشته باشیم. از این جهت کلیسای محلی مکان مناسبی است، مکانی که از سوی خدا مقرر شده که در آنجا شخصیت مسیحیان رشد کند، ثمربخشی عمومی تشویق شود و تعالیم صحیح و عمیق کتاب مقدس انتشار یابد. ما نباید اجازه دهیم که عدم آگاهی از اندک موضوعات، ما را از مباشر بودن (ناظر و مسئول بودن) صادقانه و قاطعانه مسئولیت مأموریت‌هایی که خدا به کلیساها داده، باز دارد. کلیساها جایی هستند که مبشرین وفادار تربیت می‌شوند. اگر کلیساهای ما در انجام مسئولیت‌های اصلی خود به خوبی عمل کنند، ما تمامی آنچه را که برای پرورش مبشرین خدا دوست نیاز است، در اختیار خواهیم داشت.

عضویت معنادار

من به عنوان یک شبان، اغلب در کلیسا اعضای را می‌بینم که از علاقه و اشتیاق خود برای مبشر شدن با من صحبت می‌کنند. آن‌ها به دفتر کار من مراجعه می‌کنند و با این فکر که برای مأموریت بشارتی مناسب هستند، به دنبال کمک می‌گردند. آنها خواهان آماده شدن و آمادگی و تعلیم در این زمینه هستند. و عموماً انتظار دارند که فهرستی از کتاب‌های مربوط به بشارت، تجربیات خاص در بشارت‌های برون مرزی و

تعالیم ویژه‌ای در مورد خدمت انجیل در میان فرهنگ‌های مختلف به آنها ارائه شود. آنچه که من به آنها می‌گویم تقریباً همیشه ناامید کننده است. سپس به سمت جلوی صندلی خم می‌شوم، انگار می‌خواهم چیز خارق‌العاده‌ای به آنها بگویم، و می‌گویم: «سعی کنید عضوی وفادار و ثمربخش در کلیسای محلی خود باشید.» سپس به صندلیم تکیه می‌دهم تا به آنها اجازه دهم عمق سختم من را هضم کنند.

بعد از یک دقیقه بیشتر برایشان توضیح می‌دهم. بله، چند حوزه منحصر به فرد برای خدمت وجود دارد که ممکن است در مورد آنها بحث کنیم، اما تعدادشان زیاد نیست. مهمتر از همه، من به آنها می‌گویم که اعضایی باشند که خانه و زندگی خود را به روی افراد دیگر کلیسا باز می‌کنند. برای شناخت افرادی که از نظر سن، قومیت یا سابقه با آنها متفاوت هستند. برای یافتن و نه فقط پاسخ دادن به فرصت‌های انجیل. برای عضویت در باشگاه‌های محله طرحی برای شناخت همسایگان ارائه دهید. به طور منظم برای فهرستی از افرادی که امیدوارند انجیل را در طول ماه آینده با آنها در میان بگذارند دعا کنند و سپس آن را انجام دهند.

به آنها می‌گویم که شاگردان واقعی باشند. در ارتباط برقرار کردن با مردم پیشقدم شوند و آگاهانه روابطی را آغاز کنند و هدف اصلی‌شان این باشد که به آن شخص کمک کنند تا به عنوان یک مسیحی رشد نماید. به دنبال فرصت‌هایی باشند که کتاب مقدس را به طور انفرادی و رو در رو یا در قالب یک کلاس تعلیمی کوچک تعلیم دهند. در جهت پیشرفت آگاهی و شناخت و مهارت برای توضیح حقایق کتاب مقدس تلاش نمایند. همه این کارها را انجام دهند تا به اصطلاح ماهیچه‌های روحانی بسازند، شاید خدا روزی از آنها در بین مردمی با فرهنگی متفاوت به خوبی استفاده کند.

مهمترین بخش آماده سازی برای ماموریت بشارت‌های برون مرزی، مطالعه در مورد خدمات بشارتی برون مرزی نیست. بلکه خداشناسی و دانش کتاب مقدس و غیرت برای بشارت، محبت به کلیسای مسیح و اشتیاق برای دیدن جلال مسیح است.

تعلیم ویژه

موارد مذکور به این معنا نیست که در این زمینه تعلیم خاصی وجود ندارد که می‌توان برای کمک به افراد انجام داد تا برای خدمت بشارت‌های برون مرزی آماده شوند. در کلیسای خودمان گروهی داریم که با خلاقیت اعضا به نام «گروه مطالعه برای بشارت‌های برون مرزی» نامگذاری شده است. ما یک کتاب در هر ماه مطالعه می‌کنیم، یک صفحه در مورد برداشت خودمان می‌نویسیم، سپس چندین ساعت در مورد آن با هم گفتگو می‌کنیم.

اما هنگامی که اعضای جدید به گروه ملحق می‌شوند، گاهی از لیست مطالعات ما شگفت زده می‌شوند. ما با کتاب‌هایی درباره بشارت‌های برون مرزی شروع نمی‌کنیم. بلکه با خواندن در مورد اقتدار کلام خدا شروع می‌کنیم. سپس به مطالعه کتاب‌هایی در مورد انجیل، بشارت و کلیسا می‌پردازیم و در مورد اینکه چرا درک روشن همه این موضوعات برای بشارتی وفادارانه، ضروری است. سپس در ماه ششم این دوره ده ماهه، مطالعه کتاب‌هایی که به طور خاص به موضوع بشارت می‌پردازد را آغاز می‌کنیم. ما می‌خواهیم به این هدف برسیم که درک ما از انجیل و کلیسا مهمتر از هر راهکار بشارتی خاصی است که ممکن است از آن استفاده کنیم. البته هر دو مهم هستند، اما محتوای اولی برای یک مبشر، حیاتی است.

تجربیات سفرهای بشارتی به کشورهای دیگر

شما باید، در صورت امکان در پی راه‌هایی برای تشویق اعضای کلیسای خود برای سفر بشارتی برون مرزی برای مشارکت در گسترش خدمت انجیل، به ویژه با همراهی رهبران جماعت خود باشید. این منطقی است، اگرچه ضرورتی ندارد.

خانمی را می‌شناختم که نزدیک به هشتاد سال داشت و محل زندگی در تگزاس را ترک کرد تا در اتحاد جماهیر شوروی سابق، مبشر شود. او خیلی خوب خدمت‌ش را انجام داد با اینکه این نه تنها اولین سفر خارجی او بود، بلکه اولین بار بود که از تگزاس خارج میشد. سفرهای بیشمار و تجارب میان کشوری (بین‌المللی) شرط لازم خدمت بشارت نیستند. محبت به انجیل، زندگی وفادارانه، تأیید کلیسا و اشتیاق به

رفتن شرط لازم برای این خدمت است. مبشرین، جهانگردانی با پاسپورت‌های پر از مهر ویزا نیستند. بهترین مبشرین مایلند به یک کشور بروند و گاهی تا آخر عمر در آنجا می‌مانند.

اما در دنیای مدرن ما برای مردم نسبتاً ارزان و آسان است که قبل از اینکه به جایی مهاجرت کنند، بروند و آنجا را از نزدیک ببینند. و برای یک رهبر کلیسا چقدر سودمند است که با مبشرین همراه شود. آنها می‌توانند در مورد تجربیات‌شان صحبت کنند و ببینند که آنها در کشور و فرهنگ جدید چگونه رفتار می‌کنند. آیا آنها با جامعه درگیر می‌شوند و یا هدفون خود را گذاشته و سردرلاک خود دارند؟ آیا آن شهر و مردم آنجا را می‌پذیرند؟ آیا آنها دوستان جدیدی پیدا می‌کنند و تا جایی که پذیرای آنها می‌شوند؟ با توجه به اسکان افراد در کشوری دیگر دارای هزینه‌ای بالاست، هزینه کردن برای یک سفر آزمایشی احتمالاً باید عاقلانه باشد.

مشارکت محلی با شهروندان آنجا

البته برخی از افراد برای تعامل بین فرهنگی نیازی به اینکه سوار هواپیما شوند، ندارند. در بسیاری از شهرهای خودمان، می‌توانیم به راحتی جماعت‌های بزرگی از مردمی از کشورهایی که خدمت بشارت در آن آسان نیست پیدا کرده و به آنها بشارت بدهیم. حضور شهروندان کشورهای دیگر در سرزمین مادری‌مان نه تنها فرصت‌های بشارتی خوبی را فراهم می‌سازد، بلکه راه خوبی است که تمایل و اشتیاق افراد به کار تمام وقت بشارت انجیل در فرهنگ‌های متفاوت محک زده شود. روابط با افرادی از فرهنگ‌های دیگر می‌تواند موجب هیجان و نشاط در فردی شود ولی فرد دیگری از آن خسته شود. افرادی که از برقراری روابط با ملیت‌های مختلف لذت می‌برند، احتمالاً برای کار بشارت مناسب‌تر هستند. اما این را زمانی متوجه می‌شوند که این نوع روابط را تجربه کنند.

فراهم ساختن حمایت‌های مالی سخاوتمندانه

کلیساهایمان نه تنها باید مبشرین را حکیمانه انتخاب نمایند، بلکه باید به طور شایسته‌ای از آنها حمایت کنند. و حمایت ما از خادمین باید آنچنان که کلام خدا می‌فرماید، سخاوتمندانه باشد. همانطور که ما متعهد هستیم که آنها را بفرستیم و از نظر مالی حمایت کنیم، حمایت‌هایمان نیز باید جدی، قابل توجه و سخاوتمندانه باشد. کمک‌های ما چه مستقیماً به مبشرین و چه از طریق برخی از موسسات اعزام مبشرین باشند، هدف ما باید این باشد که خادمین کاملاً تأمین شوند و به چیزی محتاج نباشند.

عجیب است که مسیحیان گاهی تصور می‌کنند «خدمت بشارت» باید پرهیزکارانه - با قناعت و سختی باشد که این بر خلاف کتاب مقدس است. من در حدود یک دهه در هیئت مدیره یک سازمان بشارتی بزرگ خدمت کردم. ما سازمان کاملی نبودیم و برخی موارد واقعاً قابل انتقاد بود. اما در طی آن ده سال، یکی از پرتکرارترین انتقادهای از طرف دیگر ایمانداران این بود که ما به مبشرین مبلغ زیادی می‌پردازیم. امیدوارم که به طور کلی انتقادپذیر باشم، اما اعتراف می‌کنم که در آن موارد تمایل داشتم فقط سرم را به عنوان «نه» تکان بدهم. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، خدا به ما حکم می‌کند که اطمینان حاصل کنیم که مبشرین او «محتاج نمانند» و به گونه‌ای تأمین شوند که شایسته ثروت و ارزش بی‌نهایت او باشد. من فکر می‌کنم پرداختن به آنها باید بیش از حد سخاوتمندانه باشد، اما به طور میانگین خادمین سازمان ما نسبت به خانواده‌ای با شرایط مشابه در آمریکا درآمد کمتری داشتند. که این شرایط به سختی از واژه‌ها و نیت اصلی کلام خدا فراتر می‌رود من گمان می‌کنم که حمایت‌های مالی ما در مقایسه با حمایت‌های ناکافی بسیاری از مبشرین دیگر بیش از حد به نظر می‌رسید.

نمی‌دانم این ایده که مبشرین فقیر، مبشرین خداشناس تری هستند، از کجا آغاز شد. در هر صورت، وظیفه ما درک و اطاعت از کلام خداست. و این به این معناست که کسانی را که کلیسای ما به خاطر نام عیسی می‌فرستند، کاملاً تأمین نماییم. به مشیت الهی، بسیاری از فرستادگان انجیل خود را در تنگنا خواهند یافت. کتاب اعمال رسولان و تاریخ پس از آن مملو از چنین روایت‌هایی است. اما این زمان‌های

آزمایش، حق ویژه خدا هستند. ما هم به سهم خود باید تلاش کنیم تا به وظیفه خود در فرستادن و حمایت از آنها وفادار باشیم.

مشارکت با سازمان‌های خوبی که مبشرین را اعزام می‌کنند

من در زمانش به ضعف‌های سازمان‌های اعزام کننده مبشرین اشاره کرده‌ام. رابطه بالقوه بین کلیسا و سازمان‌های اعزام کننده مبشرین بگونه‌ایست که گاهی برای انجام کار درست با چالش روبرو هستند. چه کسی باید مسئولیت اصلی امور رفاهی مبشرین را به عهده بگیرد؟

این مقایسه را در نظر بگیرید. برخی از مردم ترجیح می‌دهند فرزندان خود را در خانه آموزش دهند. برخی دیگر مسئولیت آن را به مدرسه واگذار می‌کنند. در حالت اول، والدین مسئول تمام تصمیمات مربوط به آموزش و برنامه‌های تحصیلی، برنامه زمانی و غیره هستند. در حالت دوم، والدین بسیاری از این تصمیمات را به معلمان محول می‌کنند. هر دو این روش‌ها می‌توانند انتخاب‌های خوبی باشند، اگر به دقت مورد بررسی و ملاحظه قرار گیرند. اما در هر صورت، والدین همیشه پدر و مادر می‌مانند و فرزندان، فرزند آنها می‌مانند. والدین در هر صورت در مقابل خدا مسئولند.

فرستادن اعضای کلیسا به عنوان مبشرین به مناطق دیگر نیز مشابه همین است. کلیساهای کمی ممکن است اعضای خود را خودشان مستقیماً بفرستند و همه‌ی نیازهای آنان را تامین نمایند. اما اغلب کلیسای ما این کار را انجام می‌دهد (اگرچه کارهای بیشتری از آنچه فکر می‌کنید وجود دارد). با این حال، اکثر کلیساهای کمک سازمان‌هایی که مبشرین را اعزام می‌کنند، برای فرستادن اعضای خود استفاده می‌کنند. کلیسای ما معمولاً با یک سازمان مشارکت می‌کند. طریق دوم عملاً واگذاری بسیاری از تصمیم‌گیری‌های اساسی به آن سازمان را شامل می‌شود. اما در هر دو طریق، کلیسای محلی همچنان مسئولیت امور رفاهی مبشرین خود را بر عهده دارد. ارتباط صحیح و درست با یک سازمان خوب می‌تواند یکی از بهترین راه‌ها برای شروع سفرهای بشارتی باشد. اما متأسفانه، بسیاری از کلیساهای ما از این قبیل سازمان‌های کلیسایی به طوری استفاده می‌کنند که بیشتر شبیه کنار کشیدن است تا محول کردن مسئولیت به آنها! دعا و فرستادن پول تنها مسئولیت کلیسا در قبال افرادی نیست که آنها را به سفرهای بشارتی برون مرزی می‌فرستند. از سوی دیگر، برخی از

سازمان‌های اعزام کننده از قبول مسئولیتی که مسیح به کلیسای محلی داده است، بسیار خوشحال هستند.

با این حال، محوریت کلیسای محلی در مورد مبشرین نباید به این معنا باشد که در کلیساها فضیلتی وجود دارد و در شراکت با دیگران و یا در همراهی با دیگران بودن وجود ندارد. همانطور که از سوم یوحنا و فیلیپیان اشاره کردیم، کتاب مقدس به همکاری میان کلیساها در فرستان مبشرین و حمایت از آنها توصیه می‌کند. یکی از طریق‌هایی که این حکم محقق شده از طریق سازمان‌هایی است که در کنار کلیساها در فرستان مبشرین همکاری می‌کنند. برخی از سازمان‌ها در قالب یک کمک تعریف شده به کلیساها خدمات می‌دهند، مانند سازمان اترنشنال میشن بورد - Interna-tional Mission Board که سازمانی برای اعزام مبشرین برون مرزی از آمریکا می‌باشد. این سازمان وابسته به کلیساهای تعمیدی جنوب آمریکا می‌باشد، که کلیسای ما به طور گسترده‌ای با آن همکاری می‌کند. سازمان‌های دیگر هستند که ماهیت کلی تری دارند. اما برجسته‌ترین آنها ویژگی‌های مشترکی دارند. آنها در مواردی که کلیسای محلی به خوبی نمی‌تواند از پس آن بر بیاید، مانند یادگیری زبان، دغدغه‌های فرهنگی خاص، پرداخت مالیات به کشورهایی که ساکن آنجا هستند، مسائل امنیتی کامپیوترها یا سلامت جسمی مبشرین، آموزش‌های منسجم و کاملی به مبشرین جدید ارائه می‌دهند. این سازمان‌ها می‌توانند نظارت روزانه و حمایت هدفمند در محل را نیز ارائه دهند که اکثر کلیساها نمی‌توانند به سادگی آن را فراهم سازند.

در حالی که «سازمان اعزام کننده‌ی مبشرین» نمی‌تواند یک ایماندار نابالغ را با چند هفته یا چند ماه آموزش به مبشری ثمربخش تبدیل سازد، به این دلیل ممکن است مطالب بسیاری برای آموزش به مبشرین باقی بماند. بهترین سازمان‌ها از مداخله و عمل کردن به جای کلیسا امتناع می‌ورزند و در عوض آنها را تشویق و کمک می‌کنند و حتی گاهی اهمیت نقش مهم حمایت از خادمینی را که کلیساهای محلی فرستاده‌اند را به آنها یادآوری می‌کنند. این سازمان‌ها با همکاری کلیساها، هنگامی می‌توانند به خادمینی که در شرایط سخت بسر می‌برند کمک کنند که اکثر کلیساها به تنهایی قادر به انجام این کار نمی‌باشند.

حفظ مسئولیت کلیسای محلی

برای اکثریت کلیساهای، یک سازمان خوب شریک ارزشمندی است. اما خواه مستقیماً خود کلیسا و خواه از طریق یک سازمان مبشرین فرستاده شوند، کلیسای محلی باید مسئولیت رفاه افراد اعزام شده را به عهده گیرد. حمایت خوب و شایسته برای کلیسای محلی از مبشرین خود چگونه است؟ موضوع اصلی در اینجا به معنی این نکته است که نیازهای آنها شناسایی و در جهت خیریت آنها عمل کند. در اینجا فقط به بررسی چند زمینه مهم می پردازیم.

ارتباط منظم

پایه و اساس اینکه یک جماعت بتواند از مبشرین خود حمایت کند، ارتباط منظم با آنان است. ما نیازهایی را که نمی دانیم، نمی توانیم برطرف سازیم و اگر روابط کاهش پیدا کنند، برطرف کردن نیازهای زندگی شبانی سخت است. خوشبختانه، برقراری روابط از راه دور هرگز تا این حد آسان نبوده است. با وجود ایمیل و اسکایپ، به طور کلی دلیلی برای اینکه ارتباط با خادمین قطع شود، وجود ندارد. اما باز هم مستلزم تلاش و پیگیری است. مشغله های مختلف، اختلاف ساعت و برخی مواقع نگرانی های امنیتی می تواند موجب تاخیر برنامه ها شود. رهبران کلیسا باید به طور ماهیانه زمان بندی منظمی برای تماس با هر یک از خادمین تحت سرپرستی خود در نظر بگیرند. علاوه بر این، آنها ممکن است یکی دیگر از اعضای کلیسا را انتخاب کنند که مایل باشد به طور منظم با هر یک از مبشرین در تماس باشد و چند وقت یک بار گزارش کار آنها را به جماعت بدهد.

بازدیدهای شبانان

در کنار تماس ها یا ایمیل های مرتب، اهمیت اینکه شبانان هر از گاهی به ملاقات خادمین برون مرزی در محل خدمتشان می روند را نمی توان نادیده گرفت. البته من در اینجا در مورد سفرهای کوتاه مدت یا رفتن برای انجام پروژه ها صحبت نمی کنم.

منظورم این است که یک شبان (یا یک شیخ) با این هدف که نحوه خدمت مبشرین را ملاحظه کند و آنها را از نظر روحانی تشویق نماید، به دیدن آنها برود. من نیرو و قوتی را که در چنین بازدهی‌هایی وجود دارد، شخصاً دیده‌ام.

یک بار، من همراه با یکی از مشایخ کلیسایمان به ملاقات خانواده‌ای که در آسیای مرکزی خدمت می‌کردند، رفتیم. آنها برای سالها در کشور دیگری خدمت کرده بودند و به تازگی از آن کشور بیرون شده بودند. آنها دلسرد شده بودند. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم که چند روز در شهر جدیدشان بمانیم. آنها هنوز کاملاً در آپارتمان جدیدشان مستقر نشده بودند. قابل درک بود که بچه‌هایشان آشفته و سردرگم بودند. به خاطر این نابسامانی، صرف خوراک روزانه با بهانه‌گیری بچه‌هایشان تعیین می‌شد. ما نمی‌توانستیم وضعیت آنها را حل و فصل کنیم. ما فقط عصرها با آنها صحبت و دعا می‌کردیم، چند قسمت از کتاب مقدس را با صدای بلند می‌خواندیم و در چند پیاده روی طولانی به مشکلات آنها گوش کردیم. بعد از هفتاد و دو ساعت ما از آنجا برگشتیم. صادقانه بگویم زمان زیادی با آنها سپری نکردیم. اما، همانطور که شبانی حکیم به آن اشاره کرد، ما همیشه ثمرات خدمت خود را درست ارزیابی نمی‌کنیم.

چند سال بعد، این خانواده مبشر برای سفری کوتاه به آمریکا آمده بودند و مرد خانواده به یکی از جلسات مشایخ کلیسایمان آمد. او درباره اینکه زندگی و خدمت در چند سال گذشته چقدر برایشان سخت بوده است با هیئت مشایخ صحبت کرد: درباره نقل و مکان و جابجایی، موانع و مقاومت‌شان! و درباره اینکه پس از اینکه او و همسرش تصمیم گرفته بودند که خدمت در کشور دیگر را تعطیل کرده و در حال گفتگو برای بازگشت به آمریکا بوده‌اند. درست در همان زمان من به همراه یکی از مشایخ برای آن دیدار آنها رفته بودیم. باورم نمیشد که او گفت که خدا از زمان کوتاه ما استفاده کرد تا دلیل خدمت و فداکاری‌شان را به آنها یادآوری کند و اشتیاق آنها را برای شناساندن انجیل به هر قیمتی که باشد بازگرداند. من و آن شیخ کلیسا که همراه با من بود، با ناباوری به هم نگاه می‌کردیم. خدا در محبت خود از تلاش ناچیز ما استفاده کرد تا بیشتر از آنچه تصور می‌کردیم را به انجام برساند.

فقط به انجیا ختم نمی شود. چندین سال پس از آن جلسه با هیئت مشایخ، خانواده میسر به کشوری که از آنجا رانده شده بودند مراجعت کردند. تا آنجا که به دلیل تلاش های مستمر آنها، اکنون تیمی متشکل از چندین مبشر دیگر در سراسر آن کشور حضور دارند.

یکی از جالب ترین قسمت های اعمال رسولان این است که پولس، مبشر پیشتاز و برجسته، به دوست خود برنابا رو می کند و می گوید: «...به شهرهایی که کلام خداوند را در آنها موعظه کردیم، بازگردیم و از برادران دیدار کنیم تا ببینیم در چه حالند.» (اعمال رسولان ۱۵ آیه ۳۶). پولس اهمیت روابط و ارزش بررسی نحوه عملکرد خادمین و کلیساهای جدید را در نظر داشت.

همچنین کلیساهایی که مبشرین را می فرستند و از آنها حمایت می کنند، باید مایل باشند که زمان و منابع ارزشمند خود را صرف آن کنند تا «ببینند آنها در چه حالند». برای محبت کردن به ملاقات آنها بروند، مسائل آنها را بشنوند و از طریق کتاب مقدس و دعا آنها را تشویق نمایند. باشد که بیش از آنچه می توان تصور کرد متمر باشد. مبشرین به تشویق شبانان و یادآوری کلام خدا نیاز دارند. وقتی به اندازه ای برای آنها ارزش قائل شویم که وقت خود را صرف انجام این هدف نماییم، امید است که در سال های بسیار و زندگی های بی شماری تأثیر آن منعکس خواهد شد.

کمک های مقطعی

همچنین حمایت مناسب از خادمین به معنای آن است که نسبت به اینکه چگونه، چه زمانی و کدام تیم کمکی کوتاه مدتی را بفرستیم تا در کنار آنها خدمت کند، حساس و دقیق باشیم. به موضوع تیم های خدمتی کوتاه مدت در فصل ۶ می پردازیم. اما در حال حاضر شایان ذکر است که همه تیم های خدمتی کوتاه مدت ثمربخش نیستند. فرستادن افراد در زمان نامناسب یا با مهارت های نامناسب، یا فرستادن افراد نامناسب، کمکی به مبشرین تمام وقت شما نخواهد کرد. بهترین شیوه برای اینکه اطمینان حاصل شود کار تیم خدمتی کوتاه مدت واقعاً مفید واقع خواهد شد، فرستادن تیم هایی است که مبشرین برون مرزی خود آن را درخواست می کنند. برای مبشرین

تمام وقت خود روشن کنید که لزوماً پذیرش تیم‌های خدمتی کوتاه مدت تنها راه حمایت از شما نیست. بلکه به آنها این آزادی را بدهید که بگویند به چه کسانی و در چه زمانی نیاز دارند و حتی اینکه بگویند نیازی نیست کسی برای کمک آنها برود. در غیر این صورت، احتمالاً به پروژه‌های کوتاه مدتی منجر می‌شود که به اهداف شما کمک می‌کنند، اما خسارات قابل توجه به خادمینی که قصد داشتید به آنها کمک کنید، را در پی خواهد داشت.

مهمان نوازی گسترده

یکی از بهترین شیوه‌ها برای حمایت از مبشرین این است که عیناً آنچه را که کتاب مقدس می‌گوید انجام دهید: از آنها پذیرایی کنیم (سوم یوحنا ۸) (مژده). کاش فرامین کتاب مقدس همیشه این قدر واضح و قابل فهم بود. مهمان نوازی در دیدارهای کوتاه مهم است، اما در سفرهایی که برای اکثر مبشرین گاهی ماه‌ها به طول می‌انجامد بسیار مهمتر است. در نظر داشته باشید زمانی که خادمین برای مدت طولانی تری به زادگاه خود برمیگردند، کلیسای شما چه کاری می‌تواند انجام دهد تا به خادمین که تحت حمایت هستند مسکن رایگان ارائه دهد. برای این کار برنامه ریزی و بودجه لازم پیش بینی کنید. تنها به مسکن آنها اکتفا نکنید. به دنبال راه‌هایی باشید که به آنها کمک کنید بخش ارزشمند و مهمی از جماعت باشند. ما می‌خواهیم خادمین بتوانند خوب استراحت کنند، سر حال و شاداب شوند و با دوستان و رهبران کلیسا ارتباط داشته باشند. اما اگر نگرانی‌های مالی آنها را وادار کند که در جای دوری با اقوام خود زندگی کنند یا کلیسای دیگری که مایل باشد مسکن مورد نیازشان را تامین نماید، دیگر نمی‌توانند این کارها را انجام دهند.

فرستادن همکاران دیگر

در نهایت، شاید بهترین هدیه‌ای که می‌توانیم به خادمین تحت حمایت کلیسایمان بدهیم این است که افراد بیشتری برای کمک به آنها بفرستیم. بیشتر مبشرینی که می‌شناسم از حمایت‌های مالی ما بسیار سپاسگزار بوده‌اند. وقتی ملاقات‌های کوتاه ما

با حساسیت و محبت انجام شود، آنها از ما قدردانی خواهند کرد. اگر زمانی که آنها برای سفری کوتاه به زادگاهشان برمیگردند از آنها پذیرایی کنیم، سپاسگزار خواهند بود. اما بیش از هر چیز دیگر، چیزی که بیشتر مبشرین آرزومند آن هستند این است که برادران و خواهرانی که با آنها همفکر هستند و صلاحیت بیشتری دارند به آنها در انجام خدمتشان ملحق شوند.

یکی از راه‌های فرستادن خادمین بیشتر این است که به طور منظم جماعت مان به دعا کردن نزد خدا تشویق کنیم تا خدا تعدادی از آنها را برای ملحق شدن به مبشرین ویژه‌ای بفرستد، به ویژه هنگامی که ما برای آن مبشرین دعا می‌کنیم. همچنین می‌توانیم اعضای را که به خدمت بشارت‌های برون مرزی فکر می‌کنند تشویق کنیم تا ابتدا به خادمینی که از قبل مورد حمایت کلیسا هستند، ملحق شوند. و اگر به اندازه‌ای به مبشرین خود اعتماد دارید که از آنها حمایت می‌کنید، باید آنقدر به آنها اعتماد داشته باشید که اجازه دهید خودشان افراد را برای همکاری انتخاب کنند. هنگامی که بنای کلیسا هدف ماست، تیم‌های مبشرین باید از افرادی همفکر و همدل تشکیل شوند. فرستادن خادمین همکار از کلیسایی که آنها را اعزام می‌کند (یا از کلیسای دیگری که دوستش دارند و به خوبی آنها را می‌شناسند) شاید یکی از بهترین شیوه‌ها برای انجام این کار باشد.

نتیجه‌گیری نظرات

تا زمانی که کلیسای شما نیازهای مادی مبشرین را تامین می‌کند، آنها به نحوی در برابر کلیسای شما پاسخگو هستند و شما نیز مسئول آنها هستید. این ماهیت همکاری در پیشبرد حقیقت است که یوحنا در سوم یوحنا ۷ درباره آن می‌گوید. همین تفکر در دوم یوحنا ۱۰ به صورت منفی بیان شده است، جایی که یوحنا می‌گوید از کسانی که تعلیم درست را نمی‌آورند اجتناب کنیم و «آنها» را به خانه خود مپذیرید و خوشآمد (شان) مگویید؛ ما قصد داریم به دقت بررسی کنیم که چه کسانی را برای این خدمت بفرستیم. ما می‌خواهیم آنها را از طریق کار ثمربخش و امانت‌دارانه به خوبی آماده سازیم. ما می‌خواهیم آنها را بفرستیم، حمایت کنیم و زمانی که آنها از زادگاه خود دورند به آنها محبت کنیم. مشارکت در چنین کاری باعث افتخار و

شادی است. یک کلیسای تندرست به این شکل رفتار می‌کند. باشد که هم کسانی که فرستاده میشوند و هم آنانی که آنها را اعزام می‌کنند این روابط را برای خیریت همدیگر، شادی ملت‌ها و جلال بیشتر خدا با آغوش باز بپذیرند.

۴

سر و سامان دادن وضعیت زندگی

سال اول دانشگاه را دوست داشتم، اما چیزی نمانده بود که همه چیز را از دست بدهم. ولی دانشجوی مشتاقی بودم. در یک ترم، بیست و یک واحد درسی را برداشته بودم (به طور نرمال ترم تمام وقت پانزده واحد بود) و عضو چندین انجمن دانشگاه شده بودم. من در انجمن سیاسی، مسیحی، انجمن های -مربوط به رشته ام و انجمن اجتماعی عضو بودم. به هیچ چیز خوبی نه نمی گفتم. در پایان ترم، با اینکه نمراتم خوب بود، اما وضعیت سلامتی ام تعریفی نداشت. به سختی می خوابیدم و وزنم کم شده بود. وقتی که برای تعطیلات تابستان به خانه برگشتم، مادرم نگاهی به من انداخت و به شکل بازجویی سوالاتی پرسید و سپس حکیمانه گفت که دیگر چکی برای دانشگاهم نمی نویسد مگر اینکه یک سوم واحدهای درسی را کم کنم و به نیمی از انجمن هایی که عضو بودم، نروم.

حق با او بود. چیزی که در ظاهر شور و اشتیاق به نظر می رسید، در واقع نادانی جوانی، آمیخته با قدری غرور بود. آموختن اینکه من انسانی محدود و فناپذیر هستم، درس آسانی نبود.

به احتمال زیاد کلیسای شما باید همین درس را در مورد خدمت های برون مرزی بیاموزد. بسیاری از کلیساها تعهدات خدمتی خود را در نظر می گیرند به جای اینکه عمق و ژرفای خدمت خود را معیار محبت خود نسبت به ملتها بدانند. سالن کلیساهای بسیاری را دیده ام که با نقشه ای از جهان تزئین شده اند که هر مکانی که کلیسا به آنجا مبشرینی فرستاده، پونز زده شده بود. این شاید خوب باشد، اما اگر کلیسا فرض کند که داشتن پونزهای بیشتر برابر با تاثیر گزارتر بیشتر مبشرین است، اشتباه است. در

حقیقت، اغلب اوقات برعکس آن است، اغلب حمایت ناچیز و ناکافی از گروهی میسر را نشان می‌دهد که جماعت کلیسا به خوبی آنها را نمی‌شناسند. اما اگر روی وسعت و ژرفای خدمت آنها تأثیر بگذارد، چه؟ اگر کلیسایی همان مقدار پول بدهد، اما به جای پنجاه مکان فقط پنج یا ده مکان را تحت حمایت خود قرار دهد، چه؟ یا به جای اینکه کلیسای بزرگی مکان‌های زیادی را مورد حمایت خود قرار دهد، آنها فقط در سه یا چهار نقطه در سراسر جهان واقع شده باشند. چه تغییر رخ خواهد داد؟

حتی یک جماعت نه چندان بزرگ می‌تواند به چندین خادم کمک مالی قابل توجهی نماید. در مورد روابط فکر کنید. وقتی در جاهای کمی خادمین مورد حمایت ما هستند، امکان حمایت مالی قابل توجه، ارتباط منظم با آنها، بازدیدهای شبانان و مهمان نوازی از آنها در هنگام بازگشت به خانه‌شان برای استراحت وجود دارد. در واقع این امر به جماعت شما این امکان را نیز می‌دهد تا در مورد مکان‌های محدودی که خادمینی فرستاده‌اید، آشنایی پیدا کنند. اعضا با مجموعه گسترده‌ای از روابط سطحی مشوش نمی‌شوند. در عوض، آنها می‌توانند روی یک یا دو مورد تمرکز کنند و واقعاً با مبشرین و مکان‌هایی که خدمت می‌کنند، فرصت آشنایی پیدا کنند.

کلیساهایی را به همین صورت می‌شناختم که تعهدات مبشرین شان هر فعالیت خوبی را که می‌توان تصور کرد، شامل میشد. از کمک به یتیم‌خانه‌ها گرفته تا کمک برای تحصیل و آموزش، از برنامه‌های رادیویی تا بشارت‌های دانشجویی، آن‌ها به هر کار خیری که پیش می‌آمد، متعهد بودند. اشتباه نشود، همه اینها می‌توانند کارهای خوبی باشند. اما در مقطعی باید، حتی به کارهای خوب، نه بگوئیم. ما باید اولویت بندی کنیم، تمرکز کنیم و تصمیم بگیریم که چه چیزی برای کلیسایمان مهمتر است.

من ارزش و دشواری این نوع تمرکز را شخصاً می‌دانم. چند سال پیش در جماعت مان من به عنوان «زیرآب زن مبشرین» شناخته شدم. سعی می‌کردم تیم مان را به سمتی سوق دهم که فهرست افرادی که تحت حمایت‌های مبشرین برون مرزی بودند را از ده‌ها تنی که به خوبی نمی‌شناختیم به تعداد انگشت شماری که امیدوار بودیم عمیقاً روی آنها سرمایه‌گذاری خواهیم کرد، کاهش دهیم. این در ظاهر ایده خوبی به نظر می‌رسد، شما متوجه نمی‌شوید که چقدر این کار سخت است تا زمانیکه

توضیح می‌دهید چرا حمایت از خواهری دوست داشتنی در مسیح را قطع می‌کنید و او گریه می‌کند. احتمالاً به همین دلیل است که بسیاری از کلیساها مبشرین را گرد می‌آوردند، اما هیچ وقت آنها را برای چیزی غیر از مشکل اخلاقی فاحش ارزیابی و حذف نمی‌کنند.

در چنین وضعیتی، قبل از اینکه برخی ما را ظالم بدانند، ما با احتیاط زیاد به این موضوع می‌پرداختیم. ما با تمام خادمین تحت حمایت کلیسایمان تماس گرفتیم و عملکرد آنها را مورد بررسی قرار دادیم. با رهبران دیگر در مورد آنها صحبت کردیم که کسانی را نگه داریم و در مورد برخی از آنها حمایت‌ها را خاتمه دهیم و سپس به خادمین خود سه سال فرصت دادیم. در سال اول آنها را از تصمیم خود آگاه کردیم، در سال دوم کاملاً از آنها حمایت کردیم، در سال سوم حمایت‌ها به نصف کاهش پیدا کرد و در آغاز سال چهارم آن را به طور کامل قطع کردیم. انجام این کار برای بسیاری افراد از نظر احساسی ناراحت کننده بود. اما لازم بود که این کار انجام شود. ما واقعا نمی‌توانستیم روی مکان‌ها و پروژه‌های بسیار تمرکز کنیم و آن را به خوبی انجام دهیم.

چگونه تصمیم گرفتیم که چه کسی را نگه داریم و چه کسی را برکنار کنیم؟ بسیاری از آنها خدمات خوبی داشتند. اما وقتی که از دیدگاه کتاب مقدس موضوع را بررسی کردیم، سه اصل برجسته در مورد آن وجود داشت. اول اینکه، ما روی کاری تمرکز نمودیم که هدف آن بنا یا تقویت کلیساهای محلی بود. دوم، بر اینکه که کارها از نظر الهیاتی و روش شناختی به خوبی انجام شود. سوم، ما روی کار و خادمینی که می‌توانستیم با آنها روابط چشمگیری برقرار کنیم، تمرکز کردیم. بیایید هر یک از این سه نقطه نظر را به ترتیب بررسی کنیم.

بر کلیسای محلی تمرکز کنید

معمولاً هدفمندترین خدمتی که می‌توانیم از آن حمایت کنیم، خدمتی است که هدف آن بنای کلیساهای محلی تندرست باشد. این موضوع می‌تواند دو معنا داشته باشد. می‌تواند به معنای کار بشارتی پیشتاز و برجسته و بنای کلیسا در میان گروهی از

مردم باشد که به انجیل دسترسی ندارند. یا اینکه به معنای تلاش برای تقویت کلیساهای محلی در جاهایی که کلیساهای وجود دارند، اما ضعیف، با تعالیم ناکافی و آسیب پذیر در موجود است. نمونه‌هایی از هر دوی آنها را به عنوان کار مبشری هدفمند در صفحات کتاب مقدس می‌یابیم.

بنای کلیساهای پیشتاز از جمله کارهایی بود که قلب پولس رسول برای آن می‌تپید. او با اشتیاق این کلمات را در رومیان ۱۵ آیات ۲۰-۲۱ نوشته است:

«آرزویم همواره این بوده است که در جایی بشارت دهم که مسیح شناخته نشده، تا بر بنیادی که دیگری نهاده است، بنا نگذاشته باشم، بلکه چنانکه نوشته شده است: «آنان که از او بی‌خبر بودند، خواهند دید و کسانی که نشنیده بودند، درک خواهند کرد.»

امروزه، چنین کارهایی بسیار استراتژیک باقی مانده است. در حالی که آمارها بسیار متفاوتند، اکثراً موافقند که تنها بخش کوچکی (شاید ۲۰ درصد یا کمتر) از مبشرین پروتستان میان نیمی از مردم جهان که کمترین دسترسی به انجیل دارند، خدمت می‌کنند. ۸۰ درصد دیگر یا شاید بیشتر در میان افرادی خدمت می‌کنند که دسترسی قابل توجهی به انجیل و کلیساهای مسیحی تأسیس شده، دارند.

این موضوع چه موردی را برای حمایت مبشرین شما روشن می‌سازد. فرض کنید شما فقط برای حمایت از یک خادم بودجه دارید و باید از بین دو تن یکی را انتخاب کنید و هر دو به شایستگی در امر بشارت و بنای کلیسا مشغولند. یکی از آنها در میان مردمی خدمت می‌کند که صدها کلیسا و هزاران مسیحی در آنجا وجود دارد. فرد دیگر در کشوری بسیار محدود که تعداد کمی مسیحی و تقریباً هیچ کلیسایی وجود ندارد، خدمت می‌کند. هر دو در همه موارد دیگر مشابه هستند، در این صورت شما قاعدتاً باید بودجه این کار را به افرادی که هیچ دسترسی به انجیل ندارند، اختصاص دهید. می‌دانم شرایط موجه و هدفهایی وجود دارد که بیشتر به کسانی که دسترسی راحتی به شنیدن انجیل ندارند، رسیدگی شود. با این حال، به نظر می‌رسد که گرایش

کلی عهد جدید به سمت کلیساهایی است که انجیل به «آنان که از وجود انجیل بی‌خبر بودند» بشارت داده شود.

در واقع هدف از کار مبشری باید تاسیس کلیساهای محلی باشد. این موضوع را در سراسر کتاب مقدس می‌بینیم. درست است، هیچ آیه‌ای در کتاب مقدس وجود ندارد که بگوید: «بروید و کلیساهای جدید بنا کنید». اما می‌دانیم که همه مسیحیان باید در کلیساهای محلی گرد هم آیند، «از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم» (عبرانیان ۱۰ آیه ۲۵). و در هر جایی که مبشرین در کتاب اعمال رسولان ثمره‌های روح را دیدند، کلیسا به سرعت شکل گرفت (اعمال رسولان ۱۴ آیات ۱-۲۳، ۱۸ آیه ۸، ۱۹، ۲۰). هدف از این ماموریت‌ها گرد آمدن کلیساهایی است که کلیساهای دیگری را بنا سازند.

اما کار پیشگامانه تنها کار بشارتی نیست که در کتاب مقدس به عنوان کاری راهبردی توصیه شده است. در ابتدای نامه به تیتوس، این سخنان را از زبان پولس رسول می‌خوانیم: «تو را از آن رو در کُرت بر جا گذاشتم تا کارهای ناتمام را سامان دهی و همان‌گونه که تو را امر کردم، در هر شهر مشایخی برگماری.» (تیتوس ۱ آیه ۵) ساماندهی بهتر کلیساها بر طبق کتاب مقدس در برنامه کار پولس اهمیت زیادی داشت و احتمالاً باید در برنامه کاری ما نیز ارجحیت داشته باشد. فرستادن و حمایت از خادمینی که می‌تواند هیجان‌انگیز باشد در جامعه‌ای که به انجیل دسترسی ندارند و مرزهای دنیای تاریکی به عقب رانده می‌شود. اما پولس همچنین شرح می‌دهد که سرمایه‌گذاری روی برخی از افراد شایسته که در تقویت کلیسا نقش دارند، ارزشمند است در جاهایی که انجیل قبلاً شناخته شده و کلیساها از قبل وجود دارند. به همین شکل، پولس به مبشر جوان خود تیموتائوس یادآوری می‌کند:

«چنانکه به هنگام عزیمت به مقدونیه به تو اصرار کردم، باز از تو می‌خواهم در افسس بمانی تا بعضی را فرمان دهی که تعلیمی دیگر ندهند و خویشتن را با افسانه‌ها و شجره‌نامه‌های بی‌پایان سرگرم نسازند، زیرا اینها به جای ترویج کار خدا که از راه ایمان ممکن می‌شود، مباحثات را دامن می‌زند.» (اول تیموتائوس ۱ آیات ۳-۴)

پولس خواستار آن است که در کنار کمک به کلیساها که طبق کتاب مقدس بنا میشوند، تعالیم درست و با قاطعیت کتاب مقدسی را انتشار دهد و از کلیساهای جدید در برابر خطاها و تعالیم نادرست محافظت کند. او مایل است روی ارزشمندترین همکار خود، نه در کار پیشگامانه خود در مقدونیه، بلکه در کار مداوم بنای کلیساهای تندرست در افسس سرمایه گذاری کند. شاید ما که به دورنماهای جدید و سرعت بیشتر در انجام کارها تمایل داریم، باید با میل و آمادگی بیشتری به فرامین کتاب مقدس در این زمینه توجه کنیم.

بسیاری از ما می‌توانیم تصور کنیم که خدمت بشارتی پیشگامانه چگونه است، اما به تصویر کشیدن تقویت کلیسا به طور مداوم ممکن است سخت‌تر باشد. این به معنای آن نیست که مبشرین را تشویق کنیم تا پس از آمدن رهبران محلی توانمند و لایق زمام رهبری کلیسا را به دست بگیرند. این کار بارها انجام شده و به طور کلی مثمر ثمر نبوده است. بلکه به معنای توانمندسازی و تجهیز هدفمند رهبران برای کلیساهای محلی نوپا است. این موضوع ممکن است به معنای تلاش برای سلامت کلیسا در جوامعی باشد که کلیساها مدت‌هاست تأسیس شده، اما مورد غفلت واقع شده و ضعیف مانده‌اند.

در مفهوم رسمی‌تر و رایج‌تر، می‌تواند به معنای تعلیم در کالج کتاب مقدس یا آموزش بانیان کلیساهای محلی که تازه تأسیس شده‌اند، باشد. به مفهوم غیررسمی‌تر، می‌تواند به معنای شاگردسازی و تعلیم به رهبران کلیسا در خانه خودشان باشد در کشورهایی که دسترسی محدودتری به کلیسا دارند. نکته اینجاست که هنگامی که کلیساها سازماندهی می‌شوند، اغلب هنوز کارهای هدفمندی وجود دارد که توسط مبشرینی در بیرون انجام می‌شود. ما نباید اجازه دهیم اشتیاقمان برای یافتن گوسفندان گمشده در مکان‌های جدید ما را فریب دهد تا از گله‌هایی که قبلاً گرد آوری شده‌اند و با خون گرانبهای مسیح خریداری شده‌اند، غفلت نماییم.

روی کارها متمرکز باشید تا به خوبی انجام شود

به علاوه، ما باید خادمینی را حمایت کنیم که هم در الهیات و هم در انجام فرایض شخصی خود عالی هستند. اغلب اوقات، کلیساها و افراد در مورد ارزیابی عمیق الهیاتی و صلاحیت خادمینی که می‌خواهند از آنها حمایت کنند مردد هستند. از نظر من این کاملاً اشتباه است. اگر خادمی از اینکه بخواهید وضعیت الهیاتی او را بررسی کنید دلخور شود، باید آن را یک علامت هشدار بزرگ در نظر بگیریم. اکثر خادمینی که طی این سال‌ها می‌شناسم از بحث و گفتگو درباره الهیات شخصی خود بسیار خوشحال می‌شدند. در ابتدا، از آنها بخواهید که احکام الهیاتی که توسط کلیسای شما تأیید شده است، را تأیید نمایند. آنها را مورد بررسی قرار دهید تا متوجه شوید که تا چه تفاوتها وجود دارد که با توجه به باورهای کلیسای شما قابل قبول است. راه دیگری برای ارزیابی الهیاتی آنها این است که بپرسید چه کتابهایی خوانده‌اند که در خدمت‌شان تأثیر گذار بوده است. البته، آشنایی و ملاقات‌های شخصی با مبشرین بهترین راه برای پی بردن به باورهای آنهاست.

به بیان دقیق تر، شما می‌خواهید یک مبشر یا کاندیدی برای خدمت برونی را در دو موضوع انجیل و کلیسا بررسی و کاوش نمایید. من مبشرینی را دیده‌ام که، به بنظرم آنها انجیل را دوست داشتند، اما نتوانسته بودند به وضوح آن را بیان کنند که چطور زندگی آنها را نجات داده است، یا به نظر می‌رسید اهمیت مفاهیمی مانند توبه یا ماهیت تثلیثی مطابق با انجیل را درک نکرده‌اند. اغلب اوقات، با افرادی مواجه شده‌ام که به عنوان بنایان کلیسا فرستاده شده بودند اما وقتی از آنها پرسیده‌اند «کلیسا چیست و چه کاری انجام می‌دهد؟» برخی از آنها نمی‌دانستند، برخی دیگر پاسخ‌هایی بنا بر تمایلات شخصی و بی‌ربط به کتاب مقدس می‌دادند. اما افراد کمی، با لحن محبت آمیزی همانند مردی که از همسرش تعریف می‌کند، با اشتیاق وصف ناپذیری به توصیف ویژگی‌های اصلی کلیسا و وظیفه آن مطابق کتاب مقدس پرداختند. از چنین مبشرینی حمایت کنید!

به همین شکل، شما خواستار آن هستید که چگونگی اعمال شخصی مبشرین را چه در کار بشارت و چه در هر کار دیگری که در حوزه خدمت انجام می‌دهند، ارزیابی کنید. سوالاتی موشکافانه بپرسید. اگر مبشری از اینکه شما در مورد کارهایی

که در هفته یا ماه گذشته انجام داده سوال کنید، آزرده شد، در مورد آن تامل بیشتری کنید. بسیاری از مبشرین در شرایطی که نظارت مستقیم کمی وجود دارد، خدمت می‌کنند. بیشتر آنها وفادار هستند، اما به دلیل اینکه آنها نیز انسان‌هایی سقوط کرده هستند، برخی از آنها وفادار نمی‌مانند. تمایل به مهاجرت به خارج از کشور به خاطر انجیل چیزی در مورد شخصیت، شایستگی یا اخلاق کاری آنها را عیان نمی‌سازد. آیا این مبشرین در بین هموطنان خود در محلی که خدمت می‌کنند خوشنام هستند، تا آنجا که می‌توانید در مورد آن تحقیق کنید.

این ارزیابی هر فعالیت غیر روحانی که ممکن است در آن مشارکت نمایند را نیز شامل می‌شود. اگر مبشری برای اینکه ویزای کشوری که مخالف مسیحیت می‌باشند را بگیرد، تجارتی را راه‌اندازی نماید، باید در مورد آن تجارت سوال کنید. که آیا او واقعاً کارهایی که ادعا می‌کند را انجام می‌دهد یا به دولت کشور میزبان دروغ می‌گوید؟ به ندرت شما مبشرینی را می‌بینید برای تهیه روادید و اقامت در کشور میزبان دروغ بگویید، ولی در عین حال می‌خواهد انجیل حقیقت را در آنجا گسترش دهد. این موضوعی است که چندان روشن و واضح نیست و به طور کلی ما باید خادمین خود را نسبت به صداقت و درستی در همه چیز مسئول و پاسخگو بدانیم. چگونه آنها را مسئول بدانیم؟ در ابتدایی‌ترین سطح، ما این کار را با اعطای حمایت‌های مالی به کسانی که به نظر می‌رسد صادقانه کار می‌کنند، انجام می‌دهیم و از حمایت کسانی که اینگونه نیستند، خودداری می‌کنیم.

با این حال، همانطور که خادمین را ارزیابی می‌کنید، وقتی که آنها برای تماس و گزارش کاری به ما می‌دهند را با سطح حمایت‌های مالی خودتان بسنجید. این ممکن است نفسانی به نظر برسد، اما نمی‌توانید سالانه چند صد دلار به مبشری بدهید و از او انتظار داشته باشید که زمان زیادی را صرف پاسخگویی به سؤالات شخصی شما کند. این موضوع ما را به توصیه قبلی که اشاره کردم بازمی‌گرداند. در مورد اینکه حمایت‌های مالی شما بر روی چند برنامه متمرکز باشد. اگر جماعت شما بخش قابل توجهی از نیازهای مالی یک مبشر را تامین کند، این امر اوضاع را تغییر می‌دهد، اینطور نیست؟ پس منطقی است که از مبشرین انتظار داشته باشید که تعهدی را که کلیسای شما با حمایت مالی نشان داده است، متقابلاً انجام دهند. از آنجایی که همه ما بودجه

محدودی داریم که در اختیار همدیگر قرار دهیم، می‌خواهیم از مبشرینی که در همه موارد به طور شایسته‌ای خدمت می‌کنند، حمایت کنیم.

روی افرادی که می‌شناسید و به آنها اعتماد دارید تمرکز کنید

ما می‌خواهیم مبشرینی که از آنها حمایت می‌کنیم نه تنها توسط رهبران کلیسا، بلکه توسط جماعت گسترده‌تری شناخته شده باشند. اینکه شبانان یا رهبران سازمان‌های بشارتی در مورد حمایت از مبشرینی که آنها را از دوران دانشگاه می‌شناسند یا در یک کنفرانس ملاقات کرده‌اند هیجان زده شوند، بسیار طبیعی است. این می‌تواند نقطه شروع خوبی باشد. اما اگر می‌خواهیم حمایت از مبشرین ما به صورت جمعی باشد، لازم است که نه تنها بودجه کلیسایمان بلکه روابط ما را نیز در بر گیرد.

احتمالاً بهترین راه برای انجام این کار از طریق میزبانی و پذیرایی از مبشرین است، به ویژه طی سفرهای طولانی که آنها به کشورتان دارند. این می‌تواند هزینه زیادی داشته باشد، اما ثمرات این روابط بسیار ارزشمند است. با یافتن راه‌هایی برای فرستادن اعضا و به ویژه رهبران کلیسا برای وقت گذاشتن با خادمین برون مرزی روابط شما را نیز قوی‌تر خواهد شد. برقراری روابط موضوعی مهم و حیاتی است.

مراقب تمرکز روی سرعت، آمارها و راه‌های سریع و ارقام مسسل وار

باشید

با توجه به تعهداتی که نسبت به این ماموریت‌ها در نظر داریم، لازم است چیزهایی محض احتیاط گفته شود. در حالی که پروژه‌ها، سازمان‌ها و خادمین در حوزه بشارت‌های برون مرزی را ارزیابی می‌کنیم، باید بدانیم که تمایل ذاتی ما به سرعت در پیش رفتن کارها، آمارهای بزرگ و میانبرها گاهی اوقات می‌تواند منجر به نتایج غم‌انگیز در خدمت‌های برون مرزی شود.

من شخصاً به چندین کشور سفر کرده‌ام که به معنای واقعی در آن‌ها مبشرین به خاطر اشتیاق‌شان به سرعت کار و آمار آنقدر مصر بودند و در روش‌های کارشان

آنانقدر بی احتیاط عمل می کردند که کلیساهای جدیدی را بنا نموده و سپس به شکلی رها کرده‌اند که از نظر روحانی بیشتر شبیه سقط جنین است تا تولد تازه! تمایل آنها به میانبرها به این شکل بود که خدمت آهسته تعلیم صبورانه کتاب مقدس کنار گذاشته بودند. همانگونه که انتظار می رفت این گردهمایی‌های جدید به راحتی طعمه تعلیم نادرست و فرقه‌ها شده یا به سادگی منحل می شدند. یک دهه بعد، جراحات و آسیب‌های متاثر از آن هنوز التیام نیافته بودند. از همه غم انگیزتر، اشخاص بیشماری در این مکان‌ها اکنون فکر می کنند که مسیحیت را دیده و امتحان کرده‌اند، در حالی که واقعا ندیده‌اند. در نتیجه، آنها ظاهراً در مقابل انجیل کتاب مقدسی واقعی واکسینه شده‌اند حتی اگر شخصی با صداقت بیشتری آن را با آنها در میان بگذارد. خدا ما را ببخشد!

ماموریت بشارت کاری ضروری - فوری است، اما با شتابزدگی کاری پیش نمی رود. ما مشتاق برداشت محصول هستیم، اما خدا هیچ جا میزان افزایش آن را تضمین نکرده است. در عوض، وقتی به کتاب مقدس نگاه می کنیم، این را مکرراً می بینیم که مبشرین خدا هرگز دست از وفاداری، بردباری و سخت کوشی نکشیده‌اند. شاید این موضوع در هیچ جا به اندازه مسئولیتی که پولس به دوش همکار خود، تیموتائوس، بنا کننده کلیسا میگذارد، قابل توجه نباشد. پولس می گوید:

«در برابر خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد، و نظر به ظهور او و پادشاهی اش، تو را مکلف می سازم که کلام را موعظه کنی و به گاه و به بیگاه آماده این کار باشی و با صبر بسیار و تعلیم دقیق، به اصلاح و توبیخ و تشویق پردازی.» (دوم تیموتائوس ۴ آیات ۱-۲)

وقتی تلاش‌ها و مشارکت‌های خدمتی‌مان را ارزیابی می کنیم، کلمات پایانی آیه «و با صبر بسیار و تعلیم دقیق» - باید در ذهنمان بماند. خدا می داند که ممکن است ما با میل به دستیابی به نتایجی که قابل مشاهده و فوری باشد، وسوسه شویم، که این منجر به بشارت‌هایی می شود که بی صبرانه و بی دقت، شتاب زده و سطحی و بی مایه هستند.

چه اتفاقی می افتاد اگر کلیساها در قرن گذشته به اندازه کافی حکیمانه عمل می کردند که از حمایت از کارهایی که به نظر درست نمی رسید، خودداری می کردند، یا شهامت این را داشتند که سؤالات دقیق تری درباره آماری که گزارش داده میشد بپرسند؟ چه اتفاقی می افتاد که با آنها رابطه برقرار می کردند و به ملایمت آنها را از مسیر انحرافی فوراً به مسیر صادقانه صبورانه هدایت می کردند؟ ما نمی توانیم گذشته را تغییر دهیم، اما با کمک خدا می توانیم در آینده پیشرفت بهتری داشته باشیم.

روش های نسنجیده برای بنای کلیسا خطری نیست که تنها ما در معرض آن هستیم. تمایل و گرایش ذاتی ما به سرعت پیشرفت و حجم کارها و سهولت انجام آنها نیز می تواند موجب شود که ما کلیساهایی که اکنون وجود دارند را نادیده بگیریم. به خصوص اگر آمار آنها ناچیز بوده باشد، ممکن است وسوسه شویم که کلیساهای محلی را نادیده بگیریم و آنها را ناکارآمد و حتی فراتر از آن بی اهمیت تلقی کنیم. با این وجود، اگر به جای نادیده گرفتن، با آنها ارتباط برقرار کنیم تا هم از آنها بیاموزیم و هم به آنها کمک کنیم، چه تأثیری خواهد داشت؟ حتی اگر آنها برخی از روش های مدرن محبوب برای کثیر شدن را ندانند، آیا ممکن نیست چیزی در مورد فرهنگ کشوری بدانند که ما اطلاعی از آن نداریم.

وقتی به اهمیت و ارزش کلیساهای موجود پی می بریم، تأثیر آن می تواند عمیق، ماندگار و باشکوه باشد. من مبشری را می شناسم که در شهر بزرگی در اروپای شرقی زندگی می کند. در این شهر چند میلیون کارگر مسلمان وجود دارد که از سراسر آسیای مرکزی برای کسب و کار آمده اند. او به آنجا رفت تا به مسلمانانی که به مسیح ایمان آورده بودند، رسیدگی کند و آنها را تعلیم دهد و تجهیز کند. او آنها را تشویق کرد که به کشورهای خود بازگردند تا در سراسر آسیای مرکزی کلیساهایی بنا کنند و شاگردسازی نمایند. با این حال، او بر خلاف بسیاری از مبشرین، به کلیساهای محلی پروتستان در شهر خود بی اعتنا نبود، حتی اگر آنها به بدگمانی و اهانت نسبت به همسایگان مسلمان خود شهرت داشتند. در حالی که او شخصاً تلاش می کرد تا پیغام انجیل را به مهاجرین مسلمان برساند، بر کلیساهای موجود که اکثریت مردم عضو آنها بودند، سرمایه گذاری کرد. او حس اعتماد را به وجود آورد. او به دنبال مسیحیان محلی بود که در زندگی روحانی شان به بلوغ رسیده بودند. سپس به آرامی سعی کرد

ارتباطی میان آنها با مسلمانانی که تازه ایمان آورده بودند، برقرار سازد. آنها از ملاقات با افرادی که قبلاً مسلمان بودند و خالصانه حقیقت مسیح را پذیرفته و مشتاق بودند به زادگاهشان برگردند تا پیغام انجیل را برسانند، شگفت زده می‌شدند. سپس، طی ده سال تجربه در بشارت مسلمانان، شروع به کمک به رهبران کلیساهای محلی نمودند تا تلاش کنند خود مسلمانان بتوانند در بشارت دادن رشد کنند.

اخیراً با دوستی در مورد این موضوع صحبت می‌کردم. در سالن کوچک آپارتمان او نشسته بودیم. در حالی که جای می‌نوشیدم و به رفت و آمد بی‌هدف مردم در پارک پایین خانه نگاه می‌کردم، در مورد چشم‌انداز آینده از او سوال کردم. گفتم این روزها اوضاع برای خارجی‌ها پیچیده‌تر شده است. احتمال بیشتری برای اخراج آنها توسط دولت وجود دارد. دوستم و همسرش از این فکر که ممکن است مجبور شوند شهر و افرادی را که دوستشان دارند را ترک کنند، غمگین بودند. اما بعد او نگاهی به چایش انداخت و با اعتمادی بی‌تردید به من گفت که دیگر دیر شده است. حتی اگر دولت آنها را همان موقع به کشورشان برگرداند، خدمت و اشتیاق آنها برای رساندن انجیل به مهاجرین مسلمان در چندین کلیسای محلی گسترش یافته بود و با سرعت در حال توسعه بیشتر بود. چند ماه قبل، برخی از آن کلیساها به تنهایی میزبان سمیناری برای تشویق و آموزش کلیساهای دیگر در مورد بشارت به مسلمانان بودند. مشعل اشتیاق در آنجا شعله ور شده بود. دور کردن حامل مشعل دیگر هیچ نتیجه‌ای نداشت.

با خود فکر می‌کردم اگر این زوج تصمیم می‌گرفتند به تنهایی این کار را انجام دهند، ممکن بود چقدر اوضاع فرق کند. چه می‌شد اگر آنها معتقد بودند که روش‌های غربی آن‌ها برتر از روش‌های کلیساهای محلی آنجاست و به همین دلیل به آنها اصلاً اهمیت نمی‌دادند؟ اگر آن‌ها آنقدر در پی بنای سریع کلیساهای جدید بودند که احساس می‌کردند که کار انجیل هیچ فایده‌ای برای کلیساهای نسل‌های آینده آن کشور ندارد، چه میشد؟ خوشبختانه آنها این اشتباهات را مرتکب نشدند. در نتیجه، من انتظار دارم که تأثیرات خدمت آنها در میان این کلیساهای جدید تا زمان بازگشت مسیح ادامه یابد.

با کسانی که در پی وفاداری هستند شراکت کنید

بررسی کسی که می‌خواهیم از او حمایت کنیم، چه معنایی دارد؟ این به این معناست که ما باید تلاش‌هایی را که بر کلیسای محلی تمرکز دارد، بر بنای کلیساهای جدید و یا تقویت کلیسا تمرکز داشته باشد، اولویت بندی نماییم. با وجود آنکه قطعاً کارهای نیکوی دیگری وجود دارد که ما شخصا و یا به عنوان کلیساهای آنها حمایت کنیم، به نظر می‌رسد این دو مقوله، معیار کتاب مقدس بوده و محوریت بشارت در بیش از دو هزار سال گذشته بوده است. و هر دو ارزش این را دارند که بهترین افرادمان را روی آن سرمایه گذاری کنیم، همانطور که پولس رسول به انجام رساند.

علاوه بر آن، این می‌تواند به معنای پرسیدن گهگاه سؤالات نه چندان خوشایند از مبشرین و سازمان‌ها باشد. از آنها پرسید در برنامه هایشان برای بنا کلیساهای محلی انتظار چه چیز را دارند؟ برخی از گروه‌های مبشرین از تحقق کامل اهدافشان چشم‌اندازی دارند مبنی بر اینکه صدها کلیسا، هزاران کلیسای دیگر را به طور پیوسته و سریع بنا سازند. این ممکن است چشم انداز شگفت انگیزی باشد که می‌توان به آن امیدوار بود و برای آن دعا کرد. اما وقتی از این گروه‌ها می‌پرسید که اولین کلیساهای تاسیس شده را چگونه می‌بینند و چطور امیدوارند رهبرانی تربیت کنند و تعالیم درستی را وضع نمایند. پاسخ آنها به این سؤالات بسیار مهمتر از وسعت چشم اندازشان است. به همین ترتیب، برخی دیگر ممکن است بیشتر از کتاب مقدس در مورد روش‌های جدید بدون خطا صحبت کنند. روش‌های جدید خوب هستند (به شرطی که با کتاب مقدس مطابقت داشته باشند)، اما اگر خادمی یا سازمانی آنها را به عنوان یک «کلید» جدید برای آشکار ساختن مسیح برای ملت‌ها به آنها بفروشد، مواظب جیب‌هایتان باشید و فرار کنید.

این امر که در دوران ما اتفاقات بزرگی رخ بدهد یا نه، در اختیار و اراده خداست. همه ما خواننده شده‌ایم که هم در زمانی که ثمره آوردیم و هم در زمانی که شکست خوردیم، وفادار باقی بمانیم. موفقیت ما در دستان خداست. این بدان معناست که ما باید از مبشرین و سازمان‌هایی که فرامین کتاب مقدس را که برای حفظ وفاداری ضروری است درک می‌کنند، حمایت کنیم. فکرتان را با وعده‌های بزرگ و

میانبرهای سریع و آسان، در گیر نکنید. نقشه‌های سریع پولدار شدن همیشه جذاب هستند اما به ندرت می‌توانند جایگزین سخت کوشی و وفاداری شوند.

این فقط به خاطر خودمان نیست که باید مراقب باشیم، بلکه به خاطر افرادی که در سازمان‌های بشارتی از آنها حمایت می‌کنیم، نیز هست. همانطور که شبان قدیمی بریتانیایی چارلز بریج Charles Bridges گفت: «بذر ممکن است تا زمانی که ما در آنجاییم در زیر خاک باشد، و بعد ناگهان پدیدار می‌شود».^۶ به بیانی دیگر، همیشه نتایج کار خوب انجیل فوراً قابل مشاهده نیست. گاهی ممکن است ما برای مشاهده محصول آن زنده نباشیم. پذیرش این واقعیت برای همه دشوار است. برای بیشترین نیز فرقی ندارد. بسیاری از مردم وسوسه شده‌اند که تعالیم کتاب مقدس را نادیده بگیرند یا حتی خود پیغام انجیل را تغییر دهند تا آشکار شدن نتایج آن را ببینند؛ در حالی که موفقیت واقعی به آهستگی اتفاق می‌افتد.

اما ما به عنوان حامیان مبشرین باید در این زمینه به آنها کمک کنیم نه اینکه سد راهشان شویم. ما هرگز نباید دنباله رو کار شیطان باشیم و آنها را با وسوسه کردن به گناه تحت فشار قرار دهیم تا وفاداری و ایمانشان را از دست بدهند. اما وقتی که معیارهایی را شرط ضمنی حمایت از آنها در نظر می‌گیریم، این کار را انجام می‌دهیم. اگر ما به طور غیر مستقیم می‌خواهیم سهمیه خاصی از تعمد را به ما بدهند، همانطور که برخی این کار را انجام داده‌اند، ما ناخواسته نقش پطرس را در متی ۱۶ آیه ۲۳ را ایفا می‌کنیم. در آنجا خداوندمان او را سرزنش می‌کند و می‌گوید: «دور شو از من، ای شیطان! تو مانع راه منی، زیرا افکار تو انسانی است نه الهی.» اجازه بدهید شیطان کار خودش را انجام دهد. نیازی نیست ما به او کمک کنیم.

۶. Charles Bridges, *The Christian Ministry* (London: Banner of Truth: 1958), 75.

۵

شراکت سالم با خدمات بشارتی برون مرزی

از چندین مبشر در مورد مشارکت با کلیساهای سوالاتی پرسیدید و احتمالا داستان‌های بسیار متفاوتی می‌شنوید.^۷ برخی در مورد کلیساهای که بیش از حد درگیر می‌شوند میگویند که فکر می‌کنند پاسخ همه مسائل را می‌دانند و هرگز از پرسیدن یا یادگیری دست بر نمی‌دارند، یا در مورد ایمیل‌های بی‌پایان و تماس‌های اسکایپی که تلاش می‌کنند پاسخ بدهند، فقط برای اینکه به احساس ناکامی پایان دهند. مبشرین دیگری هیجان زده میشوند وقتی از آنها درباره کلیساهایی که دوست دارند آنها را می‌شناسند، و برای آنها احترام قائلند، می‌پرسید. گویا فقط می‌خواهند به آن کلیساهای خدمت کنند. به سخنان مبشری درباره رابطه خوب با کلیسایی که از آن حمایت می‌کند، خوب گوش کنید، قول می‌دهم که بوی فروتنی با لحن سخاوتمندانه اعتماد به مشام شما می‌رسد.

اعتماد و فروتنی، دو روی سکه

اعتماد و فروتنی به هم وابسته هستند. جایی که اعتماد وجود دارد، با فروتنی رفتار کردن آسانتر است. و به طور کلی فروتنی در اعتماد خود را نشان می‌دهد. اعتماد به

v. This chapter is partially adapted from an article previously published by 9Marks: Andy Johnson, "Missions Partnerships from the Home Church's Perspective," 9Marks, February 26, 2010, <https://9marks.org/article/missions-partnerships-home-churchs-perspective/>.

منزلهٔ حاکی است که فروتنی در آن به بهترین شکل رشد می‌کند. اما ساختن روابط خوب ممکن است در ابتدا به نظر کاری از روی فروتنی نباشد.

بهترین راه برای ساختن روابطی که نشان از فروتنی دارند این است که قاطعانه انتخاب کنید که با چه کسانی مشارکت و دوستی نمایید. در مشارکتی که سطح قابل قبولی از اعتماد وجود نداشته باشد، یک طرف نمی‌تواند مسئولانه پاسخگویی دیگری باشد. شما نمی‌توانید فروتنانه طرف مقابل را بپذیرید، زیرا بدون اعتماد، داوطلبانه زیر بار رفتن، واقعا غیر مسئولانه است. اگر فکر می‌کنید مبشری به وظایف خود خوب عمل نمی‌کند یا رفتاری نابخردانه از خود نشان می‌دهد، چرا به او بودجه و افرادی را واگذار می‌کنید که او فقط از آنها سوء استفاده کند یا با آنها بدرفتاری نماید؟

به بیان ساده، در حالی که به برقراری همکاری بلندمدت با مبشری فکر می‌کنید، خواه کسی که او را برای بشارت‌های برون مرزی می‌فرستید، خواه کسی که مایلید او را تحت حمایت خود قرار دهید. یکی از اولین سؤالاتی که باید پرسید این است که «آیا من واقعا به این شخص اعتماد دارم؟» آیا او به الهیات مربوط به انجیل و ماهیت و کار کلیسا که شما می‌توانید با جان و دل از آن حمایت کنید، پایبند است؟ آیا او به درست قضاوت کردن و صداقت و راستی شهرت دارد و آن را در زندگی نشان می‌دهد؟ اگر او در شهر شما زندگی می‌کرد، آیا مایل بودید که او رهبر یا شیخ کلیسای شما باشد؟

برخی از افراد از پرسیدن چنین سؤالاتی احساس خوبی ندارند. اما ارزیابی دقیق مبشرین می‌تواند متعصبانه یا غرورآمیز به نظر برسد. اما راهی جز این، عواقب بدتری در پیش دارد: مشارکتی و همکاری که با حدس و گمان، جر و بحث و رفع برخوردها خواهد بود. هیچ کس چنین شراکت خدمتی را نمی‌خواهد.

نش و ویژگی همکاری صحیح و سالم

قصد داریم شش اصل و قاعده کلی را برای همکاری و مشارکت با مبشرین برون مرزی ارائه دهیم. قبل از اینکه به آن بپردازیم، اجازه دهید روشن کنم که این اصول شامل چه موردهایی هست و چه موردهایی نیست. آنها فرامینی نیستند که مستقیماً در

کتاب مقدس آمده باشند. بلکه صرفاً مشاهدات یا بهترین شیوه‌هایی هستند که به نظر می‌رسد در همکاری و مشارکت موثر می‌باشند. البته، این ایده‌ها از اولویت‌های کتاب مقدس برای کلیساها و بنای کلیساهای جدید سرچشمه می‌گیرند. این اولویت‌های کلی عبارتند از اهمیت فروتنی (فیلیپان ۲ آیات ۱-۱۱)، اول پطرس ۵ آیه ۵)، شکل دادن قوم خدا به وسیله کلام خدا (حزقیال ۳۷ آیات ۱-۱۴) متی ۴ آیه ۴، دوم تیموتائوس ۴ آیات ۱-۳) زیبایی همکاری کلیساها در کار انجیل (۳ یوحنا)، و «راستی» انجیل از محبت وفادارانه به مبشرین خاص (فیلیپیان ۴ آیات ۱۰-۲۰). امیدوارم که تأمل در این اولویت‌های آشکار به کلیساها کمک کند تا با دقت بیشتری در مورد چگونگی مشارکت فروتنانه در کار جهانی انجیل تأمل کنند.

۱. روحیه‌ای خدمتگزار

هر شراکتی با انگیزه‌هایی که شما را سر میز گفتگو می‌آورد. آیا به دنبال خدمت به مبشرین برون مرزی که در خارج از کشورند، هستید یا می‌خواهید آنها به شما خدمت کنند؟ تنها با نه گفتن از کنار آن رد نشوید، صادقانه در مورد آن فکر کنید. به نظر می‌رسد که بسیاری از کلیساهای مشارکت در خدمت‌ها را راهی برای تقویت «برنامه‌های خدمتی» خودشان، نه راهی برای خدمت به مسیح از طریق خدمت به مبشرین او می‌دانند.

اینکه مسیحیان بخواهند خود را بزرگنمایی کنید، عجیب به نظر می‌رسد. بنابر کتاب مقدس روشن است که قوم خدا که نجات یافته‌اند باید همواره به فروتنی شناخته شوند. چقدر عجیب و مضحک است که در کشور دیگری تلاش کنیم تا مسیح را جلال دهیم و در عین حال با خودخواهی یا غرور رفتار نماییم. به جای آن، ما باید در همکاری‌های برون مرزی مان برای فروتن بودن تلاش کنیم، زیرا به شدت نیازمند فیض هستیم. در این مورد چنانکه آمده است «... خدا در برابر متکبران می‌ایستد، اما فروتنان را فیض می‌بخشد.» (اول پطرس ۵ آیه ۵).

ذهن خدمتگزار به ویژه برای کلیساهایی که از پیشرفت آماری اعضای کلیسایشان لذت می‌برند، بسیار مهم است. حس واقعی قدردانی و اطمینان به راحتی می‌تواند به فکر غرورآمیز تبدیل شود که گویا شما می‌دانید در کشوری دیگر چه چیز بهتر

جواب می‌دهد. من شاهد گفتگوهای بی‌هوده و پوچی بوده‌ام که یک رهبر کلیسا که تقریباً هیچ چیز از زبان یا آداب و رسوم فرهنگ کشور مربوطه را نمی‌داند، سعی می‌کند «مسئولیت» را به عهده بگیرد تا به یک خادم مبشر خارجی «کمک کند» تا «کار بشارت را بهتر انجام دهد» و «کلیسا را توسعه دهد». غالباً چنین توصیه‌هایی مبتنی بر ایده‌های واقع‌بینانه و متأثر از اعمال مصرف‌گرایانه بوده است که آنها در همه جا غیر کتاب مقدسی و انسان محور هستند. اما حتی اگر این توصیه‌ها واقعاً حکیمانه و کتاب مقدسی باشد، تحمیل کردن سهل‌انگارانه یا خیلی سریع آن به یک مبشر، آنها را ناخوشایند جلوه خواهد داد.

در هر صورت، بهتر است کلیسای شما افرادی را در این زمینه بیابد که به آنها در قضاوت و الهیات اعتماد دارید و سپس حمایت از آنها را قبول کنید. وقتی قصد دارید آغاز به همکاری کنید (به ویژه با کسانی که بر بنا کردن کلیسا متمرکز هستند)، نباید فرض کنید از نظر الهیاتی عقاید یکسانی دارید، بلکه قبل از اینکه وارد همکاری شوید صادقانه در مورد موضوعاتی مانند بشارت دادن، کلیساشناسی، نجات و مباحث دیگر صحبت کنید. این واقعیت که هر دو طرف خود را «انجیلی» می‌نامند یا به یک شاخه خاص تعلق دارند شاید کافی نباشد.

این چنین مشارکت با فروتنی و ذهنی خدمتگزار عملاً چگونه خواهد بود؟ با اشتیاق انجام دادن «خدمت در هر شرایطی» از مشخصه‌های آن است. تمایل به انجام هر آنچه خادمین یا رهبران گروه بشارت مفید می‌دانند، نقطه مناسبی برای شروع است. یعنی اینکه بگوییم: «ما چه کاری برای شما انجام دهیم که شما را خدمت کنیم و با شما همکاری کنیم؟ هیچ کاری خیلی بزرگ و هیچ کاری خیلی کوچک و بی‌ارزش نیست.

تمایل برای شروع کارهای کوچک و وفادار بودن به همکاری که به تدریج عمیق‌تر می‌شود، برای ایجاد اعتماد، اهمیت بسیار دارد. برخی از خادمین برون مرزی سالها وقت خود را صرف یادگیری زبان و آشنایی با کشور محل اقامت خود کرده‌اند، اما تیم‌هایی از آمریکا به مدت کوتاه آمده‌اند و بی‌ملاحظه، سال‌ها کار آنها را خراب از بین برده‌اند. ترس آنها از این موضوع، منطقی است.

اما این موضوع که کلیساها برای کمک به خادمین برون مرزی تمایل نشان می‌دهند، حتی در خدمت‌های کوچک و پشت صحنه مانند مراقبت از کودکان وقتی والدیشان در جلسات تعلیمی شرکت می‌کنند؛ موجب اعتماد خادمین می‌شود در عین حال این فرصت را فراهم می‌سازد که با ملایمت پیشنهاد تغییراتی بر اساس کتاب مقدس را مطرح سازند. (یکی از نیازهای جدی در برقراری کنفرانس‌ها، نگهداری از کودکان می‌باشد که والدین با آسایش خاطر در جلسات شرکت کنند. متأسفانه داوطلبان برای این خدمت مهم، کم می‌باشند. ناشر)

۲. هدایت شبان

رهبری تنها با اشتیاق شخص شبان برای خدمت بشارت‌های برون مرزی آغاز نمی‌شود. اگرچه این عالی است، اما ناکافی است. رهبری از آنجایی آغاز می‌شود که شبان همه مطالب کتاب مقدس به طور منظم موعظه کند و مفاهیم انجیل را هر یکشنبه شرح می‌دهد. خدای ما، خدایی مبشر است. او برای آمدن همه ملت‌ها اشتیاق دارد و کتاب مقدس سرشار از اشتیاق اوست. از کتاب‌های موسی، از تواریخ تا انبیا و در سراسر اناجیل و رسالات، اشتیاق خدا برای خواندن پرستندگان از همه زبان‌ها، طوایف، قوم‌ها و ملت‌ها، امری اساسی و بنیادی است (به پیدایش ۱۲ آیات ۲-۳، اشعیا ۱۹ آیه ۱۹-۲۵، یا مکاشفه ۷ آیات ۹-۱۰ فقط برای نمونه مراجعه نمایید).

جماعتی که شبانان آنها به طور منظم این پیغام غنی کتاب مقدس را موعظه می‌کنند، جهان بینی آنها بر بنای آن شکل خواهد گرفت. آنها خواهند آموخت که انجیل چیزی فراتر از توسعه کلیسای «آنها» است. و خیلی فراتر از فرهنگ یا کشور خودشان است. انجیل برای همه مردم در همه جای دنیاست. درک فوریت این کار که چگونه به گوش مردم برسد اگر کسی فرستاده نشود؟ و همچنین عظمت و ارزش خداست که اشتیاقی را شعله ور می‌سازد که کل جماعت را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این چنین موعظه‌هایی در واقع مهمترین کاری است که یک شبان می‌تواند برای رهبری جماعت خود در مورد بشارت انجام دهد.

یک شبان تنها نباید وعظ کند، بلکه او باید به طور منظم در جایگاه واعظ برای خدمت برون مرزی دعا کند. این کار قلب مردمی را که می‌شنوند آگاه می‌سازد که پادشاهی خدا چیزی فراتر از «جماعت کوچک خودشان» است. و ذهن آنها را متوجه نقشه گسترده جهانی خدا می‌سازد. این دعاها هر یکشنبه به آنها یادآوری می‌کند که عیسی، خداوند مردم توباگو و ازبکستان و بوتان و همچنین زادگاه آنهاست.

آقای جان استات John Stott، شبان مشهور انگلیسی، روزی از یک کلیسای کوچک در روستایی در انگلستان بازدید کرد. با شنیدن محتوای دعای شبان آنجا، که فراتر از منافع جماعت کوچک خودشان نبود، در جمع بندی صحبت‌های خود، گفت: «من با قلبی اندوهناک از اینجا می‌روم و احساس کردم که این کلیسا خدای روستای کوچکی را که فقط به فکر خودشان است، می‌پرستد. در دعاها هیچ آگاهی از نیازهای جهان و هیچ تلاشی برای اینکه جهان آن را بپذیرد وجود نداشت.»^۸ دعا در پشت تربیون که هدف جهانی مسیح را در بر داشته باشد، یکی از بهترین راه حل‌ها برای چنین کوتاه نظری‌هایی است که خدا را خوار می‌شمارد. چنین دعایی بیش از آنچه تصور می‌کنید می‌تواند باعث وسعت بخشیدن به قلب‌های مردم شود.

در نهایت، شبانی که صادقانه اشتیاق جماعت خود را به وسیله کلام خدا شعله ور می‌سازد، می‌تواند با رفتن به مسافرت‌ها بشارتی برای حمایت از کار بشارت به آنها نشان دهد که چگونه اشتیاق‌شان را دنبال کنند. او نباید خودش به تنهایی برود بلکه باید رهبرانی تاثیرگذار را همراه خود ببرد. هنگامی که یک شبان اهمیت کار انجیل در فرهنگ‌های دیگر را با وقت گذاشتن برای آن نشان می‌دهد، تأثیر زیادی بر اعضا خواهد داشت.

همکاری فعلی جماعت ما با شرکتی در آسیای مرکزی به سفری در سال ۲۰۰۰ باز می‌گردد که شبان ارشد ما برای سخنرانی در جلسه‌ای از خادمین مبشر به ترکیه رفته بود. این نمونه‌ای بود که به شروع یک مشارکت کمک کرد که اکنون به یکی از خدمت‌های کلیدی ما تبدیل شده است.

۸. Bill Turpie, ed., Ten Great Preachers: Messages and Interviews (Grand Rapids, MI: Baker, 2000), 117.

۳. بر پایه روابط

همکاری‌ها نباید بر اساس پروژه‌ها، بلکه باید بر اساس روابط شخصی باشد (منظور از پروژه‌ها: ترجمه کتاب، تهیه برنامه‌های صوتی و تصویری، ساختن بنای کلیساها و گردهمایی و غیره در امر بشارت است). اغلب ما وسوسه می‌شویم که فکر کنیم باید برای وفاداری به مأموریت بزرگ باید در بسیاری از نقاط جهان ارتباطاتی داشته باشیم. اما غالباً حفظ روابط با بسیاری از افراد در بسیاری از جاها منجر به روابطی کم عمق و بی‌ثمر می‌شود.

همانطور که در ابتدای فصل ۴ ملاحظه نمودیم، در بیشتر موارد بهتر است کلیساها تعداد محدودی خادم را انتخاب کنند و در طی خدمت با آنها رابطه عمیق تری برقرار سازند. این نوع هدف‌گذاری مستلزم اعترافی فروتنانه به این است که خدا عظیم و نامحدود است و شما و جماعت‌تان این چنین نیستید و مستلزم نظم و انضباط محبت آمیزی است که مانع گسترش کم عمق و ظاهری جماعت می‌شود و هر بار که در مورد فرصت جدیدی می‌شوید، خوب آن را بررسی نمایید. اما زمانی که این انضباط و توجه وجود داشته باشد، نتایج آن در پادشاهی خدا بسیار چشمگیر خواهد بود.

علاوه بر آن، هنگام تصمیم‌گیری برای اینکه روی چه اشخاصی سرمایه‌گذاری کنیم، سه اصل برای کلیسای ما مفید بوده است. ما سعی می‌کنیم با خادمینی که مشخصات زیر را دارند، مشارکت نماییم.

- کسانی که در خدمت خود عالی هستند. ما می‌خواهیم با خادمینی که به نظر می‌رسد وظایفشان را به خوبی انجام می‌دهند و کسانی که درباره نحوه انجام خدمت خود مطابق کتاب مقدس رفتار می‌کنند، همکاری کنیم.
- کسانی که به طور هدفمندی متمرکز هستند. ما یلیم با خادمینی که در مکان‌هایی که نور انجیل بسیار کم است یا جاهایی که قصد دارند کلیساهای محلی را تقویت نمایند، همکاری نماییم.

- کسانی که اکثر جماعت آنها را می‌شناسند. مایل هستیم با خادمینی که نه تنها رهبر کلیسا آنها را می‌شناسد، بلکه در کل جماعت شناخته شده‌اند (یا مایلند خدمت کنند تا شناخته شوند) مشارکت نماییم.

اگر با خادمینی خارج از جماعت خود همکاری می‌کنید، باید در ابتدا به سطح روابط آنها با جماعت خود فکر کنید. ممکن است به این معنا باشد که قبل از اینکه رسماً همکاری خود را با آنها آغاز کنید، سفری برای ملاقات حضوری در جایی که اقامت دارند، ترتیب دهید. ترجیحاً بهتر است، آنها زمان زیادی در میان اعضای کلیسا زندگی کنند. من در مورد یک آخر هفته طولانی صحبت نمی‌کنم. در مورد ماه‌ها با هم وقت گذراندن می‌گویم. از خادمین دعوت کنیم که تمام کارهای روزانه خود در کنار اعضای کلیسا انجام دهند و جایی برای اقامت رایگان برایشان فراهم سازیم، این شیوه‌ای عالی برای انجام این کار است.

ما معمولاً در کلیسا تا زمانی که نتوانیم به مدت طولانی با آنها وقت بگذرانیم و روابطی بین آنها و اعضا ایجاد نماییم، همکاری خود را با خادمین رسماً شروع نمی‌کنیم. ممکن است در ابتدا سرعت کار را کاهش دهد، اما ارزشش را دارد که شاهد ثمرات طولانی مدت در زندگی همه باشیم.

۴. تعهد محور

کلیسای شما باید به طور جدی به خادمینی که با آنها همکاری می‌کند، متعهد باشد. اغلب مواقع خادمین از کلیساهایی صحبت می‌کنند که حسن نیت دارند، اما رفیق نیمه راه میشوند یا زمانی که موقعیت‌هایی برای سفر یا پروژه‌های کوتاه مدت پیش می‌آید، علاقه‌ای به همکاری ندارند. در مقابل، کلیساهایی را در نظر بگیرید که متعهد هستند به هر نحوی مفید باشند و به گروه خادمین خدمت کنند. اگر بدانند که سفر کردن سودمند است، مایل به انجام آن خواهند بود. و اگر متوجه شوند زمان مناسب حال آنها نیست، تمایلی به آمدن نشان نمی‌دهند.

تعهد محور بودن به معنای کار در دوره‌ای متمرکز برای مدت طولانی نیز می‌باشد. می‌تواند سالهای خوب و یا سالهای بد شما باشد. زمانی همکاری شما پر از اشتیاق است و زمانی با سختی همراه خواهد بود.

در نهایت، این تعهد باید خود را در آرزوی اینکه وفاداری عمیق به کتاب مقدس را جشن بگیرید، نشان دهد، حتی اگر میوه و ثمرات آن زود حاصل نشود. با انجام این کار می‌توانید به خادمینی که با آنها همکاری می‌کنید، کمک کنید تا در برابر این وسوسه که باید نتایج کار آنها فوراً قابل مشاهده باشد مقاومت نمایند، زیرا این طرز تفکر باعث شده است که بسیاری از خادمین ابتدا انجیل را کمی تغییر بدهند و بعد به دنبال «موفقیتی» که فوراً به دست آید، آن را تحریف نمایند. تعهد شما به وفاداری می‌تواند به همکاران تان کمک کند تا در اعلام پیغام صریح و آشکار انجیل پایداری داشته باشند، حتی زمانی که نتایج آن دیده نمی‌شود.

۵. توسعه مشارکت با اعضا

تعجبی ندارد که در همکاری سالم کلیسایی به طور کلی فرض بر این است که نه فقط چند رهبر بلکه کل جماعت، در واقع در این مشارکت سهم داشته باشند. وقتی یک عضو معمولی کلیسا تمرکز و روند مشارکت کلیسا را درک می‌کند، آنگاه زمینه برای یک رابطه ثمربخش فراهم می‌شود. می‌توان با اطلاع رسانی منظم به اعضا در مورد مشارکت‌های برون مرزی کلیسا، آنها را تشویق کرد. در کلیسای ما، این کار از طریق گزارش کوتاهی در طول جلسات اعضا و از طریق دعاهای منظم برای بیشترین یکشنبه شب‌ها انجام می‌شود- در کلیسای نویسنده رسم بر این است که یکشنبه صبح جلسه پرستش عمومی و یکشنبه شب، جلسه دعا برگزار شود.

اعضای کلیسای ما برای رسیدن به این نقطه سعی کرده‌اند که بیاموزند که توجه پویا به امر بشارت بخشی عادی از زندگی مسیحی وفادارانه است، نه یک موضوع جانبی که به دلخواه و اختیاری باشد. از نظر ما این امر به این معنا بود که کمیته‌های خاص برای خدمت بشارت برون برزی را حذف کنیم و نظارت و سرپرستی خدمت‌ها را به مشایخ کلیسا بسپاریم. این کار به اعضا کمک کرد تا ببینند که خدمت

بشارت بخش اصلی خدمت کلیسا است، نه یکی از بخش‌های حاشیه‌ای که اختیاری بوده و مختص افرادی است که «علاقه‌مند به این قبیل کارها هستند».

و همین‌طور بسیار مهم است که کلیسا در دعا برای مأموریت‌های بشارتی مشارکت داشته باشد. در کلیسای ما، هر یکشنبه شب، یک تا دو دقیقه بطور خلاصه در مورد فعالیت‌های مبشرین تحت حمایت کلیسا (که در کل حدود بیست تن هستند) می‌شنویم و سپس برای آنها دعا می‌کنیم. ما مرتباً وقتی آنها در شهر هستند از آنها پذیرایی می‌کنیم و در حضور همه اعضا با آنها گفتگو کرده و سپس برای آنها دعا می‌کنیم. همچنین اسامی و مشخصات کلی خادمین تحت حمایت خود را در فهرست دعایی که به هر یک از اعضای کلیسایمان داده می‌شود چاپ می‌کنیم. و تا آنجا که شرایط امنیتی اجازه می‌دهد، نام و مکان کلی مبشرین را، نه فقط به «تیم بشارت» بلکه در اختیار همه اعضا قرار می‌دهیم.

۶. تمرکز طولانی مدت

در آخر، اکثر همکاری‌های ثمربخش و فروتنانه قطعاً بلند مدت خواهند بود. منظورم این است که کلیسای شما باید تلاش کند تا در اعضای خود خادمین برون مرزی بلند مدت تربیت کند. در آغاز همکاری، چرا این هدف صریح را بیان نکنید که برخی از اعضای کلیسایتان خانه‌هایشان را رها خواهند کرد و به خاطر انجیل به مدتی طولانی در کشور دیگری بنا خواهند ساخت؟ حتی فراتر از آن، اگر ممکن است چرا در نهایت تیم مبشرین کلیسای خودتان را تجهیز نکنید یا اجازه ندهید با سایر کلیساهایی که با آنها هم عقیده هستند، همکاری کنند؟ داشتن تیمی که از همان ابتدا از نظر اصول الهیاتی باورهای مشترکی دارند، همه مشکلات را حل نمی‌کند، اما مطمئناً از بسیاری از مسائل جلوگیری می‌کند.

متمرکز بودن به مدت طولانی شاید به این معنا باشد که به سفرهای کوتاه برویم اما با این ذهنیت که خدمتی بلند مدت خواهد بود. به جای بیان «تجربه‌های بشارتی»، سفرهایی را برنامه ریزی کنید که از کار تیم‌های بشارتی بلند مدت که به آنها متعهد هستید، حمایت کنند. خدمت کوتاه مدت خود را در درجه اول به عنوان راهی برای

حمایت از همکاران بلند مدت خود به هر طریقی که نیاز دارند و در درجه دوم به عنوان راهی برای افزایش اعضا برای پیوستن به خدمت بلندمدت در نظر بگیرید. عموماً خادمین در حین خدمت به نیروهای بیشتری نیاز دارند که هر روزه به آنها کمک کنند؛ نه فقط دوستانی که برای سفری کوتاه به آنجا بروند.

سخنان پایانی

این شش ویژگی که به آن پرداختیم در همکاری‌های شما بیشتر موجب جلال خدا بوده و واقعا برای همه ثمربخشی بیشتری خواهد داشت. در برخی مواقع ممکن است شما به شفافیت و توافق بیشتر در مورد نقش‌ها و مسئولیت‌های خاص خدمتی نیاز داشته باشید. زمانی که آنها را بیان می‌کنید، بهتر است طوری رفتار کنید که بیشتر شبیه به فرزندخواندگی خانوادگی یا ازدواج باشد و مانند قرارداد یا ادغام دو شرکت نباشد. ممکن است گاهی مدارکی مکتوب رد و بدل شود، اما نقطه شروع مشارکت در خدمت بشارت برقراری ارتباط، فروتنی و اعتماد است.

همکاری‌های مبتنی بر خداپسندانه نه تنها در مورد خود بیشترین یا خادمین محلی بلکه در مورد سازمان‌های کلیسایی که بیشترین را اعزام می‌کنند، نیز مهم است. ما تا جایی که ممکن است، می‌خواهیم افرادی را که مستقیماً بر اعضای ما نظارت می‌کنند یا کسانی که قرار است با آنها همکاری کنیم، بشناسیم. بسیاری از این اصول ارتباطی و اعتماد و تعهد در مورد آنها نیز صدق می‌کند.

با محبت رفتار کردن و احترام متقابل به عنوان مبنای مشارکت در خدمت تنها ایده‌ای از روی مصلحت و حکیمانه نیست، بلکه کاملاً مطابق کتاب مقدس است. در نامه پولس به فیلیپیان، تصویر کلی شگفت‌آوری از همکاری و مشارکت خدمتی سالم و بلندمدت که بر مبنای اعتماد و اشتیاق است را می‌بینیم: «خدا شاهد است که با عواطف خود مسیح عیسی، مشتاق همه شما هستم.» (فیلیپیان ۱ آیه ۸). این پیوند نشانه تعهدی بلندمدت بود «... زیرا از روز نخست تا به امروز، در کار انجیل شریک بوده‌اید.» (فیلیپیان ۱ آیه ۵). نامه پولس سرشار از محبت و توجهی متقابل و حمایتی متعهدانه و بلندمدت است. این هدف و الگویی عالی برای ما در همکاری با بیشترین

است. مانند پولس و فیلیپیان، ما نیز می‌خواهیم به ده سال مشارکت گذشته خود نگاه کنیم و با شادی و اطمینان بگوییم: «خدا و پدر ما را تا ابد جلال باد. آمین.» (فیلیپیان ۴ آیه ۲۰).

۶

دوباره شکل دادن ماموریت‌های بشارتی کوتاه مدت

در فوریه ۱۸۱۲، آدونیرام جادسون Adoniram Judson سوار بر کشتی عازم کشور هندوستان شد و به خاطر بشارت انجیل خانه و کاشانه خود در آمریکا را ترک نمود. او پیش از رفتن، بیشتر دارایی خود را فروخت و اشک ریزان با خانواده و دوستانش خداحافظی کرد. او به مدت بیش از سی سال به آمریکا بازنگشت و بعد از آن تنها برای یک دیدار کوتاه به آمریکا سفر کرد. او پس از سی و هفت سال خدمت مبشری، در سال ۱۸۵۰ در شهر برمه هندوستان در گذشت. تجربه جادسون برای مبشرین هم نسل او تجربه‌ای کاملاً رایج بود.

دو قرن بعد، در فوریه ۲۰۱۲، تونی Tony نیز به خاطر خدمت انجیل به هندوستان رفت. اما برخلاف جادسون، او چیزی را نفروخت (به جز چند کیک کوچک در یک مراسم خیریه). او اشک ریزان از خانواده و دوستان خود خداحافظی نکرد. او به هند نرفت که پس از سی سال به آمریکا برگردد. در واقع، وقتی او سوار هواپیما به مقصد هند میشد، بلیت برگشت برای دو هفته بعد را در دست داشت. از یک نظر، تونی، مانند جادسون مانند مبشرین هم نسل خودش بود.

بشارت‌های برون مرزی

ظهور سفرهای بشارتی برون مرزی کوتاه مدت احتمالاً بیش از هر چیز دیگری موجب شده است که سیمای بشارت جهانی تغییر کند. تونی خیالی ما، نشان دهنده این تغییر است. تقریباً بیش از یک میلیون تن از آمریکای شمالی هر ساله به سفرهای بشارتی کوتاه مدت به خارج از کشور می‌روند که این رقم در سال ۱۹۸۰ حدود

بیست و پنج هزار تن بود. در طی همین دوران، تعداد مبشرینی که برای مدت طولانی از آمریکای شمالی به کشورهای دیگر رفته‌اند، فقط اندکی افزایش یافته است.^۹

ما نسبت به این تحول عظیم در مورد منابع انسانی چه کاری باید انجام دهیم؟ آیا این اتفاق خوبی است یا نه؟ چگونه کلیساهای ما می‌توانند با حکمت و تدبیر در مورد این روند مسئول باشند؟ مهمتر از همه، کتاب مقدس در مورد سفرهای بشارتی کوتاه مدت و نظر خدا در مأموریت جهانی خود برای کلیساها به ما چه می‌گوید؟

سفرهای بشارتی کوتاه مدت پولس؟

مک و لیان استایلز Mack and Leeann Stiles در کتاب بی‌نظیر خود Mack and Leeann's Guide to Short Term Missions^{۱۰} در مورد سفرهای بشارتی کوتاه مدت رهنمودهایی را مطرح می‌کنند، آنها با بررسی مختصر نمونه‌هایی از سفرهای بشارتی کوتاه مدت در کتاب مقدس آغاز می‌کنند. آنها مسیر و ویژگی‌های اولین سفر بشارتی پولس را دنبال می‌کنند و به نکات جالبی می‌رسند. اول آنکه، پولس به ندرت بیش از چند ماه در یک شهر می‌ماند. دوم، کل سفر او تنها حدود یک سال و نیم طول کشید تا او به خانه خود در انطاکیه و کلیسایی که از آنجا فرستاده شده بود، بازگشت. شاید بتوان گفت که اولین سفر پولس در واقع یک سری سفرهای بشارتی کوتاه مدت متوالی بود. این نگرش برای کسانی مفید است که وسوسه می‌شوند در مورد خدمات‌های کوتاه مدت را بدون تفکر روی آن، رد می‌کنند.

۹. Don Fanning, "Short Term Missions: A Trend That Is Growing Exponentially," Trends and Issues in Missions 4 (2009), http://digitalcommons.liberty.edu/cgm_missions/4. Fanning reports that shortterm missions has grown about 8000 percent since 1980—from twenty thousand to 1.6 million. Long-term missions grew by about 10 percent during the same period.

۱۰. Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 2000.

با این حال، چند ویژگی دیگر نیز وجود دارد که باید آنها را در نظر داشت. یکی اینکه به نظر می‌رسد پولس نیازی نداشت که زبان جدیدی بیاموزد تا قادر به رساندن پیغام انجیل به مکان‌های جدید مسافرتش باشد.

فراگیر بودن زبان یونانی در سراسر جهان مدیترانه‌ای، ضرورت این امر را تا حد زیادی از بین می‌برد. و به استثنای چند مورد، به نظر می‌رسد سفرهای کوتاه مدت او به طور ناخواسته‌ای کوتاه بوده است. به این معنا که تقریباً در همه موارد او به دلیل مخالفت یا طرد شدن آن شهر را ترک کرده است، نه به دلیل هدفی کوتاه مدت که خود آن را در نظر داشته باشد. مدتی که ممکن بود او در شرایط مختلف بماند، مشخص نیست. با این وجود، چند مورد وجود دارد که به نظر می‌رسد او قصد دارد فقط برای مدت کوتاه در شهری بماند (اعمال رسولان ۲۰ آیات ۱-۲). اما بیشتر آن سفرها برای دیدار با جماعت مسیحیان آنجا بود (اعمال رسولان ۲۰ آیات ۵-۷)، نه برای اینکه تلاش کند کلیساهای جدیدی را بنا سازد. پس، سفرهای بشارتی کوتاه مدت غیر کتاب مقدس نیستند، اما در کتاب مقدس نیز به عنوان روشی ایده آل برای گسترش انجیل و بنای کلیساهای جدید مطرح نمی‌شوند. و از نظر تاریخی آنها تا همین اواخر رایج نبوده‌اند.

بدون رهنمودهای روشن کتاب مقدس در مورد این سؤال، باید با دقت تفکر کنیم و بر حکمت و روایت کلی کتاب مقدس اطمینان داشته باشیم. وقتی این کار را انجام می‌دهیم، نگرانی‌های زیادی در مورد سفرهای کوتاه مدت (دست کم هر چند وقت در کلیساهایی که از آمریکای شمالی مبشرین را اعزام می‌کنند) آشکار می‌شوند. صراحتاً من پیشنهاد نمی‌کنم که به خاطر این نگرانی‌ها، کلاً از سفرهای کوتاه مدت دست بکشیم. در عوض، اگر می‌خواهیم خدمت‌های کوتاه مدت واقعاً مفید باشد، باید این چالش‌ها و چگونگی کاهش آنها را به‌طور جدی مورد بررسی قرار دهیم.

نگرانی در مورد سفرهای کوتاه مدت

یکی از مشکلات بسیاری از سفرهای کوتاه مدت این است که چگونه برنامه ریزی کنیم و آنها را پیش ببریم. کلیساها به ندرت با صحبت در مورد خوبی‌های

«تجربه بشارت» یا فرصتی «برای ایجاد تغییر در جهان» سفرهای کوتاه مدت را ترویج می‌کنند.

کسانی که قبلاً به این سفرها رفته‌اند به افرادی که شاید برای این کار مناسب باشند، می‌گویند که سفر کوتاه بر آنها تأثیر مثبتی داشته یا حتی ایمان آنها را متحول ساخته است. من در این مورد شکی ندارم، اما اغلب مواقع به نظر می‌رسد که سفرهای کوتاه مدت بیشتر حول محور خودمان و تجربیاتمان می‌چرخد تا اینکه تشویق به کار انجیل و جلال خدا مطرح باشد. چنین گمراهی موضوع بی‌اهمیتی نیست. اغلب گفته می‌شود که «با هر وسیله‌ای که مردم را به هر کاری جلب کنی، همان راهی خواهد بود که آنها ادامه خواهند داد.» اگر سفرهای کوتاه مدت را به خاطر فکر کردن به منافع خود ترویج کنیم، این خطر وجود دارد که سفرهای کوتاه مدت را به عملی خودخواهانه تبدیل سازیم.

برخلاف انتظار، هزینه این نوع طرز تفکر تا حد زیادی بر عهده مبشرین بلند مدتی است که ظاهراً قصد کمک به آنها را داریم. اگر به خاطر منافع خودمان، به سفر برویم، حتی اگر این منافع خوب باشند (مانند رشد روحانی)، احتمالاً از خادمین محلی انتظار داریم که به ما اطمینان دهند تجربه مورد نظر خود را به دست می‌آوریم. نتیجه نهایی این است که بسیاری از مبشرین از بازنده‌های کوتاهی که توسط خادمین دیگر انجام می‌شود، وحشت دارند و میزبانی از آنها را به عنوان یک بلای گریزناپذیر می‌پذیرند تا وقتی به خانه برمیگردند، رابطه خود را با کلیساها حفظ کنند. این هم غم انگیز و هم بیهوده است.

در مواقع دیگر، خدمت کوتاه مدت با مبشرین یا خادمین بلند مدت کاملاً قطع می‌شود. این موضوع مشکلات خاص خود را به همراه دارد. در چنین مواردی، خدمت کوتاه مدت می‌تواند اینگونه باشد که، تیم‌های بشارت برای رساندن پیغام خود از شهری می‌گذرند، شاید همراه با نمایش یا موسیقی باشد، اما به هیچ وجه عکس‌العملی و یا تعهیری نسبت به انجیل از طرف مردم صورت نگیرد و یا رابطه‌ای بین افراد علاقه‌مند با مسیحیان محلی یا کلیساها برقرار نشود. البته، فرض بر این است که هدف از این سفرها، رساندن پیغام انجیل است. به نظر می‌رسد تعداد بسیاری از سفرهای کوتاه مدتی که از آمریکای شمالی انجام می‌شود، هدفی غیر از رساندن پیغام

انجیل دارند. بسیاری، بشارت را انجام کارهای خیریه می‌دانند، شاید کارهایی به نام مسیح انجام شود، اما خدمت آنها هیچ ارتباطی با اعلام انجیل ندارد. یا شاید آنها به نوعی به یک جماعت محلی خدمت می‌کنند که آنها را به ناچار به آنها وابسته می‌کند. همه این موارد در نوع خود مشکل ساز هستند.

علاوه بر آن، اکثر مبشرین کوتاه مدت در طول اقامت کوتاه خود آشنایی کافی به زبان و فرهنگ کشور مربوطه را ندارند که بتوانند تاثیری مانند یک مبشر بلندمدت داشته باشند. در مناطقی که نسبت به انجیل جفای بیشتری وجود دارد، این عدم درک فرهنگی می‌تواند به این معنا باشد که مبشرین کوتاه مدت در نهایت چیزهایی می‌گویند و انجام می‌دهند که عملاً به کار مبشرین و مسیحیان محلی آسیب می‌زند. آنها با تشویق مردم بومی به «احکام» غیرموتق انجیل، پیشبرد هدف واقعی انجیل را متوقف می‌سازند.

به عنوان مثال، یک زن هندو ممکن است خوشحال باشد که دستهای خود را بالا بگیرد و نزد مسیح به عنوان نجات دهنده خود دعا کند. خادمین کوتاه مدت ساده لوح به خانه می‌گردند و «ایمان آوردن آن زن به عیسی» را تعریف می‌کنند، بدون اینکه متوجه شوند که او فقط یک خدای دیگر را به مجموعه عظیم خدایانی که می‌پرستد اضافه کرده است. حتی بدتر از این است، زیرا اگر بعداً یک مسیحی سعی کند انجیل را به درستی شرح دهد، این زن به احتمال زیاد حرف‌های او را نادیده می‌گیرد و با خود فکر می‌کند: «من فرایض مسیحیت را انجام داده‌ام. من سه شنبه‌ها نزد عیسی دعا می‌کنم و چهارشنبه‌ها نزد «ویشنو» دعا می‌کنم.

و همچنین خادمین کوتاه مدت می‌توانند درگیر روش‌های بشارتی شوند که ضرورتی ندارند و از لحاظ اجتماعی مخرب هستند و در واقع مردم را به آزار و شکنجه فراخوانند چنانکه مدت‌ها بعد از اینکه آنها با عکس‌ها و داستان‌هایشان به سلامت به کشور خود پرواز کردند، جفاها نسبت به مردم بومی آنجا ادامه داشته باشد.

همه این نگرانی‌ها به هزینه سفرهای کوتاه مدت اضافه می‌شود. با توجه به هزینه این سفرها، اکثر خادمین کوتاه مدت هر هفته هزینه‌های بیشتری در مقایسه با یک

خادم بلندمدت دارند. گاهی کلیساهای، بودجه خدمت بلندمدت که مؤثرتر است را به تأمین هزینه سفرهای کوتاه مدت، اختصاص می‌دهند و این کار در عمل می‌تواند مانع کار اصلی انجیل شود.

به همین دلیل اغلب این موقعیت چندان خوش آیندی نیست. بی‌پرده بگویم: یک ارزیابی متفکرانه سفرهای بشارتی کوتاه مدت نشان می‌دهد که بسیاری از آنها بی‌تاثیر، مختل کننده، اتلاف کننده و در برخی موارد در پیشبرد هدف مسیح در میان ملت‌ها کاملاً زیانبخش هستند.

سفرهای بشارتی کوتاه مدتی که سودمندند

با همه آنچه تا کنون ذکر شد، آیا باید همه سفرهای کوتاه مدت را در کلیساهایمان کنار بگذاریم؟ نه اینطور نیست. اما بسیاری از کلیساهای لازم است به طور جدی در مورد اصلاح و تغییر روش‌های خود تعمق کنند تا این مشکلات و مسائل که مکرراً رخ می‌دهند، کاهش یابد. اگر این کار انجام شود، سفرهای بشارتی کوتاه مدت می‌تواند کمک و تشویق قابل توجهی برای خدمت بلند مدت انجیل باشد، و همچنین برای افرادی که به این سفرها می‌روند و کلیساهایی که آنها را می‌فرستند، برکات فراوانی به همراه آورد.

این تغییر ضروری باید پیش از آنکه کسی به این سفرها فرستاده شود، آغاز شود. این تغییر با نحوه تفکر ما در مورد هدف از یک سفر بشارت کوتاه مدت شروع می‌شود. ما واقعاً می‌خواهیم چه کسانی بیشتر از این امر سود ببرند؟ در اینجا یک نکته مهم وجود دارد، هدف ما نباید این باشد که خودمان یا کلیساهایمان از آن سود ببریم. از همان ابتدا باید تصمیم بگیریم که هدف از هر سفر کوتاه مدت، باید برای خادمین بلند مدت و ایمانداران محلی سودمند باشد. به بیان ساده‌تر، این به معنای ایجاد روابطی بر پایه اعتماد با مردمی است که امیدواریم به آنها خدمت کنیم. و همچنین به این معناست که از آنها بپرسیم، آیا کاری هست که از ما بخواهند انجام دهیم و در صورت امکان، دقیقاً همان چیزی را که می‌خواهند برای آنها انجام دهیم.

از طرف دیگر، به همین دلیل است که کلیساهای باید مبشرینی را که از نظر مالی حمایت کنند، بشناسند و آنها نیز خدمات خوبی را با هدف بنا یا تقویت کلیسا انجام دهند. ما می‌خواهیم که خادمین کوتاه مدت را بر اساس این معیارها اعزام کنیم. این امر اگر شامل همه موارد نباشد اما معمولاً ما بیشتر تمایل داریم که خادمین کوتاه مدت ما برای کمک به افرادی که از قبل از آنها حمایت می‌کنیم، فرستاده شوند. در نتیجه ممکن است کلیساهای ما سفرهای کوتاه مدت کمتری داشته باشند، اما این سفرها به احتمال زیاد مفیدتر خواهند بود.

در نظر داشتن چشم انداز بلند مدت

متعهد شدن به این امر به معنای انجام سفرهای کوتاه مدت با چشم اندازی قطعا بلند مدت است. این در واقع به معنای دو نکته است.

نکته اول، باید مطمئن شوید که سفرهای کوتاه مدت شما با خدمت‌های بلندمدتی که به خوبی میشناسید و از آنها حمایت می‌کنید، عملاً مرتبط هستند. این امر به این معناست که اجازه دهید افرادی که در خارج از کشورند تصمیم بگیرند که چه زمانی، در چه صورتی و با چه هدفی اعضای شما به کمک آنها بروند. این موضوع ممکن است در نگاه اول باعث شود سفرهای کوتاه مدت از نظر اعضای کلیسایتان جذابیت کمتری داشته باشد، اما در نهایت برای خادمین بلندمدت سودمند خواهد بود.

برای مثال، یکی از رایج‌ترین سفرهای کوتاه مدتی که کلیسای ما افراد را می‌فرستد، کمک به برگزاری جلسات برای مبشرین بلندمدت است. این کمک‌ها کارهایی مانند مراقبت از فرزندان آنها را شامل می‌شود تا خادمین بتوانند در سمینارهای تعلیمی شرکت کنند. به چه دلیل؟ زیرا این چیزی است که آنها از ما می‌خواهند. مبشرین اغلب به این نوع کمک‌های روزانه نیاز دارند، اما نمی‌توانند غیرایمانداران بومی را به کار گیرند، مبادا غیرایمانداران آنها را به دولت‌هایی که با آنها مخالفند، تحویل دهند. و همینطور نمی‌توانند از ایمانداران محلی آنجا استفاده کنند، مبادا آنها توسط دولت‌های مخالف، دستگیر شوند. از این رو، اعضای کلیسای

ما با خوشحالی به سراسر جهان سفر می‌کنند تا از فرزندان خادمین مراقبت کنند و در پشت صحنه کارهای دیگر را انجام دهند. زیرا، در بدترین حالت دولت‌های مخالف فقط به ما خواهند گفت که به کشور خود بازگردند.

اما وقتی با فروتنی خدمت‌های کوتاه مدت خود را اصلاح نماییم، ثمرات آن عمیق و گسترده خواهد بود. به یاد دارم سفری به آسیای مرکزی داشتیم که در آن برخی از اعضای کلیسایمان از واشنگتن، در طی جلسه تعلیمی از بچه‌های خادمین مراقبت می‌کردند. این کار به طور خاصی هیجان‌انگیز و یا سرگرم‌کننده نبود. محل جلسه بسیار قدیمی و فرسوده بود. و یک روز بعد از ظهر یک زوج میسر گریه‌کنان نزد من آمدند. آنها متوجه شده بودند شخصی که روی زمین خاک آلود نشسته و با بچه دو ساله‌شان بازی می‌کند و تمام روز پوشک او را عوض کرده است، یکی از مقامات کاخ سفید است. در مورد قدرت و اهمیت او در دنیا هر چه بگویید، کم است. برای این زوج میسر، اینکه فردی با رئیس جمهور آمریکا ارتباط نزدیکی دارد و در زمان تعطیلات خود با فروتنی بسیار به آنها خدمت می‌کند، تشویق بزرگی بود. آیا واقعاً هیچ یک از ما آنقدر مشغله داریم یا مهم هستیم که نتوانیم به این میسرین خدمت کنیم؟ صادقانه آیا برای ما این اهمیت دارد که سفرهای کوتاه مدت سرگرم‌کننده یا جالب باشند، یا اینکه بدانیم آنها تشویق‌آمیز و مفید خواهند بود؟

نکته دوم، سفرهای کوتاه مدتی که پشت آن دیدگاه بلندمدتی وجود دارد یک هدف نهایی را در بر دارد که خدمت کوتاه مدت شما منجر به این شود که اعضای کلیسایمان روزی در جاهایی که به حمایت از آنها متعهدید، به مدت طولانی زندگی کنند. اما انجام این کار ممکن است به این معنا باشد که به جای اینکه دائماً به دنبال تجربیات جدید بشارتی باشید، فقط در پی آن هستید که مکان‌های موثر را شناسایی کنید و افراد را بارها و بارها، در طی سال‌ها به آن مکان‌ها بفرستید.

برخی اوقات ممکن است خدمت کوتاه مدت به ایجاد خدمتی تازه در مکانی تازه نیز کمک کند. چند کلیسا را می‌شناسم که این کار را در شهرهایی انجام داده‌اند که هیچ میسر یا ایمانداران محلی وجود نداشته است. این کلیساها یک منطقه حساب شده را شناسایی می‌کنند و (معمولاً با همکاری یک سازمان بشارتی) راهی برای فرستادن گروه‌های کوچکی از اعضای خود به آنجا پیدا می‌کنند. غالباً آنها چندین بار در سال

برای ملاقات با مردم و پخش انجیل به آنها، یا نمایش یک فیلم بشارتی، یا تنها به عنوان گردشگران مسیحی یا حتی مشارکت در کار امداد رسانی به این مکانها می‌روند. طی این روند، آنها شناخت واقعی در مورد آن منطقه و مردم آنجا پیدا می‌کنند. به اصطلاح، آنها زمین را شخم می‌زدند، و اغلب فقط با رفتارشان و معرفی خود به عنوان مسیحی، دشمنی جاهلانه آنها با پیروان مسیح را از بین می‌برند. اما چیزی که باعث شد این کار برای همیشه مفید واقع شود، هدف فرستادن افراد برای مدت طولانی بود. چه صحبت از خدمتی جدید باشد و چه روابطی که از قبل وجود داشته است، بخشی از هدف ما باید این باشد که در نهایت اعضای خود را بفرستیم تا برای خدمت بلند مدت به آنها ملحق شوند.

آمادگی برای سفر کوتاه مدت

وقتی روی خدمت کوتاه مدت کلیسا متمرکز می‌شویم، چگونه باید شرکت کنندگان را برای خدمتی مناسب آماده کنیم؟ در اینجا ده نکته آورده شده که هر کسی که مایل است به سفرهای کوتاه مدت برود باید آن را در نظر بگیرد.

۱. جلال خدا در میان قوم‌ها مد نظر شما باشد. خدا عظیم است و بی‌نهایت شایسته است که به خاطر برتری ذاتش ستوده شود. خدا در محبت بی‌پایان خود انتخاب کرده است که با نشان دادن رحمت خود به گناهکاران و خطاکارانی مانند من و شما که در گذشته در پی جلال خود بودم، از طریق مسیح خود را جلال دهد. این حقیقت باید قلب ما را از شگفتی و ستایش او پر سازد (رومیان ۱۵ آیات ۸-۱۰).

هر چقدر هم که ساده به نظر برسد، یکی از بهترین کارهایی که برای آمادگی سفر به منظور حمایت از خادمین برون مرزی می‌توانید انجام دهید این است که عمیقاً درباره عظمت خدا و رحمت شگفت‌انگیز او در انجیل تفکر کنید. خدا سزاوار ستوده شدن در میان ملت‌هاست و او حقیقتاً مورد پرستش و ستایش قرار خواهد گرفت (یوحنا ۱۰ آیه ۱۶، مکاشفه ۵ آیه ۹ را ببینید). هیچ چیز مانند چشم انداز عظیم نقشه جهانی و جلال آمیز خدا نیست که دغدغه‌ها و گرفتاری‌های فردی ما در قیاس با او نادیده جلوه دهد.

۲. فروتن باشید. ما توسط کسی که «خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید.» بازخرید شده ایم. (فیلیپیان ۲ آیه ۸). پس اگر ما خدمت خود را حتی با ذره‌ای غرور انجام دهیم، فاجعه بسیار بزرگی خواهد بود. در عوض ما باید فروتن باشیم و به همکاران و حتی به یکدیگر از روی محبت و احترام سر فرود آوریم. ما باید در صحبت کردن صبور باشیم و نباید خیلی به خودمان فکر کنیم، بلکه در خدمت کردن به دیگران سریع باشیم. اجازه دهیم عطر فروتنی مسیح در هر کاری که انجام می‌دهیم و هر آنچه می‌گوییم، مشهود باشد.

۳. آماده باش که از خوتان مایه بگذارید. کار در خارج از کشور، همراه با به هم ریختن ساعت خواب و در یک محیط غریبه واقعا خسته کننده است. در انتظار آن باشید که از خودتان مایه بگذرید تا خادمین کلیسای خود را تشویق کرده و به آنها کمک نمایید. البته این ممکن است همیشه خوشایند نباشد، اما وقتی احساس خستگی می‌کنید، به این فکر کنید که چرا خسته هستید. این خستگی ناشی از آن است که خود را کاملاً وقف پادشاهی خداوندان نموده ایم. بگذارید حتی خستگی‌تان ارزش انجیل را به شما یادآوری کند.

۴. انعطاف پذیر باشید. مطمئناً سفرهای کوتاه مدت دقیقاً آنطور که برنامه ریزی کرده اید، پیش نخواهد رفت. آماده باشید که با هر مشکلی کنار بیایید. یکی از بارزترین راه‌هایی که کلیساها می‌توانند به خادمین برون مرزی خدمت کنند این است که وقتی تغییری در برنامه‌ها پیش می‌آید، آشفته نشوند و از خادمین انتظار نداشته باشند که همه چیز را اصلاح نمایند. اکنون آماده شوید تا با شادی برنامه‌های خود را (در صورت نیاز) کنار بگذارید و «هر چیزی» را در خدمت به عهده بگیرید. به خود یادآوری کنید که هدف نهایی شما انجام برخی کارها نیست، بلکه تشویق مردان و زنان خادمی است که به خاطر انجیل چیزهای زیادی را ترک کرده‌اند. ما اغلب آنها را با انجام هر کاری که در نظرشان بیشتر دلگرم کننده است، تشویق می‌کنیم، حتی اگر با اولویت‌ها یا برنامه‌های ما متفاوت باشد.

۵. آماده یادگیری باشید. بخشی از فروتنی این است که بدانید همه چیز را نمی‌دانید و آماده اید که سوال کنید و بیاموزید. تصور نکنید که چون می‌دانید چگونه کاری را در خانه‌تان به خوبی انجام دهید، می‌دانید چگونه آن را در شرایط دیگر به همان خوبی انجام دهید. با پرسیدن سوالات و آمادگی برای آموختن به کسانی که در آن فرهنگ و کشور زندگی می‌کنند، احترام بگذارید.

۶. تشویق کننده باشید. حتی اگر اطلاعات زیادی نداشته باشیم، چیزهایی وجود دارد که می‌توانیم کاملاً در مورد آنها مطمئن باشیم. اینکه «خدای نیکوست، او هرآنچه را که بخواهد، به انجام می‌رساند». (مزمور ۱۱۵ آیه ۳، یوحنا ۱۰ آیه ۱۱). این دو حقیقت دو رکن اطمینان مسیحی هستند: خدا نیکوست و خدا خداوند و سرور ماست. این دو حقیقت را به مبشرین بارها و به روش مختلف یادآوری کنید. در مورد خوشی و شادی خود در محبت خدا و حاکمیت او صحبت کنید. با انجام این کار به مبشرین برکت می‌دهید و پایه‌های اطمینان آنها به کارشان را تقویت می‌نمایید. اگر واقعاً این واقعیت را درک کنیم، آیا چیزی برای نگرانی وجود دارد؟

۷. در خدمت کردن سخاوتمند باشید. به ما گفته شده است که به خاطر نام مسیح با کسانی که به سفرهای برون مرزی رفته‌اند همکاری کنیم و آنگونه که سزاوار خداست، از آنها حمایت نماییم (سوم یوحنا ۵-۸). آماده باشید تا از خادمین کلیسای خود سخاوتمندانه حمایت کنید، حتی فراتر از آنچه منطقی به نظر می‌رسد. آماده باشید که این کار را به گونه‌ای که «سزاوار خداست» انجام دهید. این نشان خواهد داد که نه تنها برای آنها به عنوان یک فرد ارزش قائل هستیم، بلکه برای انجیل بی‌ظییری که آنها به گوش مردم می‌رسانند، نیز ارزش فوق العاده‌ای قائلیم.

۸. فردی بی‌توقع و کم خرج باشید. شاید در چنین سفرهایی اجتناب از این تصور که «من توریست هستم به من خدمت کنید» سخت باشد. خادمین بسیاری برای من داستان‌هایی از افرادی تعریف کرده‌اند که آمده‌اند تا به آنها خدمت شود و فقط می‌خواهند سرگرم شوند و به آنها کمک و خدمت شود. معمولاً وقتی ما به کشوری

خارجی می‌رویم مکان‌های دیدنی و جذابی پیرامون ما وجود دارند و این کاملاً منطقی است که بخواهیم از اوقات خود لذت ببریم تا زمانی که بار اضافی برای کسانی که برای خدمت به آنها آمده‌ایم، نباشد. در این مورد هوشیار باشید. آماده باشید تا از چیزهایی که ممکن است از آنها لذت ببرید چشم پوشی کنید تا به کسانی که آمده‌اید تا آنها را برکت دهید، خدمت کنید. امیدوارم فارغ از کارهای دیگری که می‌توانید انجام دهید، در این کار شادی و خوشی عظیمی بیابید.

۹. صبور باشید. صبر ما مدرکی قابل مشاهده از آن فروتنی که ساختار انجیل است، می‌باشد. هنگامی که ما باید از خادمین مبشر بخواهیم کاری را انجام دهند یا اصلاح نمایند یا در مورد چیزی توضیح بدهند، در مورد پاسخ آنها صبورانه برخورد کنیم. سفر کردن در کشورهای بسیار می‌تواند خسته کننده و ناکارآمد باشد. بسیاری از فرهنگ‌ها با سرعتی متفاوت از فرهنگ ما تغییر می‌کنند. و درخواست‌هایی که فکر می‌کنیم ساده هستند در واقع به تلاش زیاد از جانب افراد دیگر نیاز دارند. و همچنین این یک راه عالی است که ما می‌توانیم به یکدیگر و به خادمین خدمت کنیم، با صبر و اعتماد به خدا، حتی زمانی که همه چیز با سرعتی که ما دوست داریم، پیش نمی‌رود.

۱۰. بر جلال خدا در میان ملتها تمرکز نمایید. البته، همه این ویژگی‌ها فقط چند کاربرد حقیقت اصلی است که با آن آغاز نمودیم. خدا پر جلال و سزاوار ستایش است. وعده آموزش، نجات و مصاحبت با او ارزشمندتر از هر چیز دیگری است که می‌توانیم داشته باشیم یا تصور کنیم. نکته این نیست که این چند قانون ساده را یاد بگیرد. نکته این است که عمیقاً در انجیل تعمق کنیم و سپس راه‌هایی بیابیم تا مفاهیم انجیل را در تجربه‌مان در سفرهای برون مرزی به کار بگیریم. ذهن خود را با اندیشه فیض که در انجیل به ما داده شده پر سازید و اجازه دهید که در گفتار و کردار شما جاری شود. اگر این کار را انجام دهید، کاملاً مطمئن هستیم که در سفرهای خود و در هر جنبه دیگری از زندگی خود برکتی خواهید بود که جلال دهنده مسیح است.

سخن پایانی

مواردی که تا کنون ذکر شد ممکن است نیاز به اصلاحاتی در نحوه تفکر برخی کلیساها در مورد مأموریت‌های کوتاه مدت داشته باشد. برای برخی دیگر ممکن است نیاز به احیا و تحولی عظیم در خدمت کوتاه مدت‌شان داشته باشد. اما اگر این موضوع به نظر یک رویکرد کتاب مقدسی است، اگر بوی فروتنی مسیحی می‌دهد، و اگر عاقلانه به نظر می‌رسد، پس چرا تغییر را ایجاد نمی‌کنید؟

این موضوع ممکن است به معنای ناامید کردن اعضایی باشد که به سفرهای کم اهمیت علاقه داشته‌اند. مطمئناً می‌خواهید در ایجاد تغییر هوشیار و ملایم رفتار کنید. اما با توجه به میزان بودجه، زمان و مشکلاتی که سفرهای کوتاه مدت در بر دارد، حتماً باید با دقت در مورد ثمربخشی آنها تفکر کنیم. آیا این چیزی نیست که ما در اصل می‌خواهیم؟



مشارکت ملت‌ها از راه‌های دیگر

قلب اطاعت مبشری در این مأموریت بزرگ، فرستادن و حمایت از خادمین انجیل به منظور گردآوری مردم در کلیساها در سراسر مرزهای قومی، فرهنگی یا جغرافیایی است (متی ۱۸ آیات ۱۸-۲۰). هدف ما از سفرهای بشارتی همین است. در طول تاریخ مسیحیت، این هدف، لذت و وظیفه هر کلیسای وفاداری بوده و هست. (سوم یوحنا ۷)

از سوی دیگر، وفاداری در فرستادن مبشرین به این طریق، مانع هیچ یک از کارهای ارزشمند کلیساها در سطح جهانی نمی‌شود. برخی کارها ممکن است در احکام دیگر کتاب مقدس ذکر شده باشد. برخی دیگر فقط ایده‌هایی هستند که می‌توان در مورد آنها اندیشید. در واقع، همه ما نمی‌توانیم به هر چیزی که ممکن است ارزشمند باشد، توجه داشته باشیم. اما در اینجا سه راه دیگر برای ملت‌ها وجود دارد که امیدوارم از این امر غافل نباشیم که با غیرتی شایسته آنها را اعزام نموده و از آنها حمایت نماییم. برخی از این موارد ممکن است به شکل مرسوم در امر بشارت نباشند. همه آنها حرفی در مورد تدابیر و راهکارهای کلیسای محلی ندارند. اما برخی از اعضای کلیسا عطیه‌ای خواهند داشت و برخی دیگر عطیه‌ای دیگر. پس از انجام آنچه صریحاً فرمان داده شده است، شاید بتوانیم کارهای بیشتری انجام دهیم. چه کسی می‌داند که خداوند ممکن است از چه کارهای دیگری خشنود شود؟ و این می‌تواند درست از جایی که ما زندگی می‌کنیم آغاز شود.

رسیدگی به ملت‌ها در محل سکونتتان

استیفان برای تحصیل از چین به آمریکا آمده بود. او به عنوان یک شخص آتئیست بزرگ شده بود و فکر می‌کرد که اگر خدا وجود داشته باشد، او نمی‌تواند ارتباط شخصی با مخلوقاتش داشته باشد. خدا باید مانند ستارگان یا ماه دور از ما یا فراتر از شناخت و دسترس ما باشد.

استیفان در دانشگاه خود شروع به شرکت در کلاس‌های رایگان زبان انگلیسی نمود که توسط مسیحیان بومی تدریس می‌شد. او حس خوبی نسبت به افرادی که آنجا می‌دید، داشت. و از کمک‌های آنها در یادگیری زبان انگلیسی سپاسگزار بود، اما چیز دیگری وجود داشت که او را ترغیب میکرد به شرکت در کلاس‌ها ادامه دهد. هنگامی که مایکل، یکی از معلمین انگلیسی، پیشنهاد داد که او را ببیند تا در مورد کتاب مقدس صحبت کنند، استیفان از پیشنهاد او خوشحال شد. بیش از یک سال آنها هر هفته با هم ملاقات می‌کردند. پیشرفت او کند بود. تفاوت‌های زبانی اغلب مشکل ساز بود. چند هفته او و مایکل فقط توانستند در مورد یک یا دو آیه صحبت کنند. اما مایکل هفته‌ها برای این کار ایستادگی کرد. استیفان به آرامی شروع به درک خدا و انجیل نمود. بیش از یک سال پس از اولین ملاقات آنها، در یک روز یکشنبه مایکل شاهد آن بود که این جوان چینی که قبلاً آتئیست بود، به عنوان یک مسیحی تعمید داده می‌شود.

خدا پیوسته ملت‌ها را به نزد ما آورده است. این برای بسیاری نقاط در سراسر جهان صادق است. گزارشی در سال ۲۰۱۰ در مورد ده شهر ایالات متحده مطالعه می‌کردم که بیشترین جمعیت مسلمان را دارد. شامل شهرهایی مانند دیترویت، نیویورک، هیوستون و واشنگتن بود که دور از انتظار نیست. اما عجیب بود که شهرهای دیگری مانند پیوریا، الینیوس، و سدارپید و لووا نیز در این لیست بودند.^{۱۱} وقتی قومیت‌های مختلف مسلمانان را ملاحظه می‌کنید، آمارها می‌تواند حتی

۱۱. Kate Shellnutt, "Houston among the Top 10 Muslim Cities in U.S.," Houston Chronicle, August 12, 2010, accessed September 6, 2016, <http://blog.chron.com/believeitornot/2010/08/houston-among-the-top-10-muslim-cities-in-u-s/>.

شگفت‌انگیزتر باشد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، در شهر ممفیس در ایالت تنسی، به مراتب بیشترین جمعیت گُرد در ایالات متحده را داشتند.

یا اکثریت مردم هندو از شبه قاره هند را در نظر بگیرید. بله، آنها را در شهرهایی مانند نیویورک یا سانفرانسیسکو می‌بینید. اما جمعیت زیادی در دالاس، تگزاس، و بیش از سی هزار هندی ساکن فینیکس و آریزونا هستند. حتی کلمبوس، اوهایو، و مناطق اطراف آن میزبان حدود شانزده هزار مهاجر تازه هندی هستند.^{۱۲}

بسیاری از ما مجبور نیستیم به سفرهای بین‌المللی برویم تا به افرادی با ادیان و فرهنگ‌های دیگر دسترسی پیدا کنیم. ما فقط باید چشمانمان را باز کنیم و به اطرافمان نگاه کنیم و در شهر و محله خودمان با ملت‌های دیگر ارتباط برقرار کنیم. عجیب آنکه، کار انجیل در کشور خودمان می‌تواند سخت‌تر از یک سفر دو هفته‌ای به آن طرف جهان به نظر برسد. بسیاری از مردم نمی‌دانند از کجا شروع کنند، و در کجا می‌توانند مردمی که هیچ دسترسی به انجیل ندارند را پیدا کنند، یا چگونه با آنها از طریق انجیل ارتباط برقرار کنند. اما اگر سخت تلاش می‌کنیم تا شاهد آن باشیم که انجیل به جاهای دور از ما برده شود، این منطقی است به افرادی که خدا به نزد ما آورده است، توجه کنیم.

روشی جادویی وجود ندارد که جماعت‌ها را به چنین تفکری تشویق کنیم. جایی که در آن زندگی می‌کنید، کسانی که در اطراف شما زندگی می‌کنند، و اینکه جماعت شما چه سبک و سیاقی دارد، همه بر نحوه انجام این کار تأثیر می‌گذارند. اما می‌توانیم درباره چند اصل مفید تعمق کنیم و بر برخی از تجربیات یک کلیسای محلی بازننگری کنیم.

۱۲. "Total U.S. Indian American Population," Pew Research Center, www.pewsocialtrends.org/asianamericans-maps/#indian.

۱. تحقیق

اولین قدم این است که درک کنید چه کسانی از فرهنگ‌ها و قومیت دیگر در منطقه شما زندگی می‌کنند. این کار به سادگی باز کردن چشم‌اندازتان در حین رانندگی در نقاط مختلف شهر است. آیا در نزدیکی شما فروشگاه‌های مواد خوراکی «حلال» زیاد است؟ به احتمال زیاد شما همسایگان مسلمان دارید.

رفتن به فروشگاه‌های مواد خوراکی قومیت‌های دیگر می‌تواند راه خوبی باشد که در مورد آنها بیاموزیم و با جوامع قومی یا مذهبی خاص ارتباط برقرار نماییم. در این فروشگاه‌ها اغلب تابلوهای اعلانات با اطلاعاتی در مورد رویدادها، جشنواره‌ها و نیازمندی‌های جامعه وجود دارد که ممکن است فرصتی برای کسب اطلاعات بیشتر و برقراری روابط را فراهم نماید. البته، انجام برخی تحقیقات آماری مستقیم به صورت آنلاین در مورد جامعه شما نیز می‌تواند آسان و سودمند باشد.

۲. ابتکار عمل داشته باشید.

هر آنچه در مورد جامعه خود کشف کنید، عموماً برای جلب مشارکت جماعت شما ابتکار عمل و تشویق را به همراه خواهد داشت. در کلیسای محلی ما به این نتیجه رسیدیم که در مجاورت ما جمعیت اصلی خارجی‌ها دانشجویان هستند. به همین دلیل گاهی ما در جلسات عمومی دعا شروع به دعا کردیم که خدا به ما اجازه دهد تا پیغام انجیل را به گوش دانشجویان خارجی برسانیم.

اما اعتماد و توکل به خدا در دعا، مغایر با ابتکار انسانی نیست. یکی از مشایخ کلیسای ما نیز ابتکار عمل به خرج داد. او با یکی از اعضای کلیسا که یک دانشجوی خارجی اهل سنگاپور بود و که در لندن به مسیح ایمان آورده بود، وقت گذراند. بعد از آن، این مرد جوان یک کلاس مطالعه انجیل را برای دانشجویان میان‌کشوری برگزار نمود تا آن خدمت را سرمشق قرار داده و افراد را تشویق نماید. به مرور زمان این کار او به کلاس‌های زبان انگلیسی در دو محوطه دانشکده افراد بومی و شبکه‌ای از اعضای کلیسا تبدیل شد که یک به یک با دانشجویان علاقه‌مند به مطالعه کتاب مقدس به زبان انگلیسی ملاقات می‌کردند. در نهایت بیش از پنجاه تن از اعضای

کلیسا هر هفته برای بررسی کتاب مقدس با دانشجویان کشورهایی که بشارت به شدت در آنها محدود بود، گرد هم می‌آمدند.

۳. روش‌های مختلف را امتحان کنید.

این موضوع در جماعت شما چگونه می‌تواند انجام شود؟ می‌تواند به این معنا باشد که کلاس‌های زبان انگلیسی در کلیسای شما دایر شود، یا اعضا به باشگاه‌های محلی فوتبال بزرگسالان که تحت مدیریت افراد خارجی است، ملحق شوند. یا تلاش کنند برای اسکان پناهندگان کاری انجام دهند و یا به استقبال دانشجویان خارجی تازه وارد در فرودگاه بروند. هر یک از اینها می‌تواند یک نقطه شروع عالی باشد. اما بهترین راه برای ارتباط با آنها رفتار دوستانه و گشاده رویی شما است، یعنی زمانی که در فرودگاه، خیابان یا محله‌تان با آنها مواجه می‌شوید.

۴. با مردم صحبت کنید.

یکی از اعضای کلیسای ما با زنی مسلمان آشنا شد که در آرایشگاهی که برای آرایش موهایش به آنجا می‌رفت، شروع به کار کرده بود. در اولین ملاقاتشان، زن مسیحی به او گفت که موهایش را برای عروسی یکی از دوستانش درست می‌کند. سپس از زن مسلمان که معلوم بود به تازگی به این کشور آمده است، پرسید که آیا تا به حال در یک عروسی مسیحی شرکت کرده است؟ و او شرکت نکرده بود. پس همان موقع او آن زن را دعوت کرد تا برای عروسی آخر هفته در کلیسای ما همراه او بیاید. آن زن به عروسی آمد، پیغام انجیل را شنید و دوستی جدیدی شکل گرفت. می‌تواند به همین راحتی باشد.

۵. نسبت به افراد خارجی مهمان نوازی نشان دهید.

طبیعتاً بیشتر گردشگران و مهاجران تازه ورود مشتاق هستند که با مردم بومی ملاقات کنند و با فرهنگ‌شان آشنا شوند. متأسفانه، اغلب گزارش شده است که ۸۰ درصد از دانشجویان میان کشوری در طول اقامت خود داخل خانه یک شخص

آمریکایی را ندیده‌اند. به نظر می‌رسد که مهاجرینی که برای مدت طولانی تری می‌مانند، وضعیت بهتری دارند. این فرصتی عالی برای مسیحیان است تا با مهمان نوازی با آنها برخورد نمایند و همچنین برای شما به عنوان یک رهبر کلیسا یا عضو کلیسا، که الگوی دیگران در جماعت خود باشید. این کار درست است و اهمیتی ندارد که در چه کشوری زندگی می‌کنید.

تعطیلات زمان مناسبی برای انجام این کار است. تقریباً در هر تعطیلات مهمی، خانواده ما میزبان حداقل یک یا دو دانشجوی خارجی است که برای صرف خوراک به ما منزل ما می‌آیند. به این ترتیب، ما می‌توانیم در شکرگزاری بخاطر فیضی که خدا در مسیح به ما عطا نموده، با آنها سهیم شویم، و همینطور آنها را با خوراک بسیار جذاب و سنت‌های فرهنگی‌مان آشنا کنیم.

۶. خود را برای صبر و شکیبایی آماده کنید.

با آنکه به دنبال برقراری روابط با افراد خارجی هستید، باید برخی از چالش‌هایی که در این زمینه وجود دارد، آگاهی داشته باشید. برای شروع رابطه، بعضی فرهنگها زمان بیشتری را برای ایجاد دوستی نیاز دارند که گاهی می‌تواند دیگران را غافلگیر کند. شما باید آماده باشید و مایل باشید که به دوستان خارجی خود با مهربانی و خوشرویی در مورد فرهنگ‌تان آموزش دهید و در عین حال در حد و حدودی که برای خودتان و خانواده‌تان مناسب است، این کار را انجام دهید.

برای صرف زمان و انرژی به مدت طولانی در رابطه‌ها به صبر زیادی نیاز دارید. اغلب قبل از اینکه انجیل شروع به ریشه گرفتن نماید، بسیاری از نیازهای درونی باید آشکار شوند. فرهنگ آمریکای شمالی با مسیحیت فاصله زیادی دارد، اما به نظر می‌رسد که بسیاری از مردم آمریکای شمالی، چه از طریق والدین و چه اقوام یا دوستان، رابطه‌ای هر چند سطحی با انجیل دارند. و حداقل از نظر فرهنگی با نظرات انجیل مانوس هستند، حتی اگر به انحراف رفته باشد.

اما برای بسیاری از دوستانمان که در فرهنگ‌های دیگر بزرگ شده‌اند، هیچ کدام از این موارد صحت ندارد. ممکن است آنها قبلاً حتی شخص مسیحی‌ای را ندیده

باشند و هیچ علاقه و حس نزدیکی به کتاب مقدس یا انجیل نداشته باشند. حتی ممکن است به افراد مسلمان یا برخی از جوامع هندو آموزش داده شده باشد که از مسیحیان و کتاب مقدس متنفر باشند. یا شاید دوستان خارجی شما از فرهنگی به شدت سکولار و غیر مذهبی آمده باشند، مانند چین که ایمان به خدا در آنجا برابر با عقب ماندگی روانی و فکری است. خدا قادر است و هر کاری را که او را خشنود سازد انجام می‌دهد، اما معمولاً در روند عادی امور، برای حل سؤالاتی که این موانع فرهنگی ایجاد می‌کنند، کمی زمان و صبر لازم است. اما ثمره آن ارزش تلاش را دارد.

دسترسی به سایر ملت‌ها از طریق کلیساهای میان کشوری خارجی

تابستان ۲۰۰۴ بود و من به همراه شبان جوان و همسرش به یک کشور مسلمان در آسیای مرکزی سفر کرده بودم. آنها در دلشان اشتیاقی شدید برای رساندن انجیل به جهان اسلام داشتند. آن دو افرادی بالغ و از نظر الهیاتی محکم بودند، به نظر می‌رسید که از آن دسته افرادی باشند که می‌توانند در فرهنگ‌های دیگر پیشرفت کنند. با این حال، وقتی که ما به کشوری که ۹۹ درصد جمعیت آن مسلمان بودند، سفر کردیم، مشخص شد که آنها فقط به عنوان مبشر به آنجا نیامده‌اند.

شبان جوان الزامی در خود برای موعظه کردن احساس می‌کرد و آرزو داشت که یک جماعت را شبانی کند. اما در میان آن مردم، با وجود مخالفت‌های افراد بومی و دشمنی حکومت معلوم بود که چنین موعظه‌ای غیرممکن و نشدنی است. در عوض، نقش او در آنجا قطعاً بشارت دادن و تعلیم بی‌سر و صدا به رهبرانی بود که خودشان کلیساها را موعظه و شبانی می‌کردند. در پایان سفرمان همه مطمئن بودیم که بنای کلیساهای پیشتاز در بستری مسلمان احتمالاً برای این زوج ممکن نیست. اما این پایان ماجرا نبود.

کمی بعد، یک کلیسای فعال بین‌المللی انگلیسی زبان در یک کشور عربی با کلیسای ما تماس گرفت تا برای یافتن یک شبان جدید از ما کمک بگیرد. به نظر می‌رسید این اتفاق برای آن زوج یک زور آزمایی بزرگ است. مرد می‌توانست برای

جماعتی از مهاجرین (خارجی‌ها) را به زبان انگلیسی موعظه و شبانی کند، و همینطور برای بشارت دادن و تأثیرگذاری بر آنها در میان مسلمانان خدمت کند.

این موضوع در سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد. از آن زمان خدا حتی از بزرگترین انتظارات ما هم فراتر عمل کرد. تا آنجا که امروز آن جماعت از لحاظ تندرست بودن و گوناگونی ملیت‌ها رشد کرده است، به دروازه‌ای برای ملت‌های دیگر تبدیل شده است. این جماعت بسیار فراتر از یک باشگاه برای غربی‌ها بوده، و مهاجران عرب، هندی و فیلیپینی بسیاری عضو آن هستند. تأثیرگذاری آنها گسترده و عمیق بوده است. آنها کلیساهای دیگری را در اطراف خود و در شهرهای دیگر بنا کرده‌اند و به آموزش شبانان محلی کشورهای مسلمان نزدیک‌شان کمک کرده‌اند و بشارت به بومی‌ها را تشویق کرده‌اند. این دقیقاً بنای کلیساهای پیشتان نیست. حتی شاید این مبشری به محدودترین معنای کلمه نباشد. اما تشویق این نوع پایگاه‌های برون مرزی انجیل می‌تواند ابزار فوق‌العاده‌ای برای انجیل باشد، به ویژه در کشورهایی که با بشارت دادن به بومی‌ها مخالف هستند.

کلیساهای ما نیز باید در نظر بگیرند که چگونه از چنین خدمت‌هایی، نه تنها با اعطای پول، بلکه با هدیه فداکارانه بزرگ‌تر یعنی فرستادن مردم مان، حمایت کنند. ما باید به مردان جوان کمک کنیم تا متوجه شوند که همیشه مجبور نیستند که یا شبانی و یا خدمت در میان ملت‌ها را انتخاب کنند. برخی مواقع آنها می‌توانند هر دو را انجام دهند، حتی در کشورهایی که بسیار محدود هستند. همچنین باید بیندیشیم که چگونه می‌توانیم اعضای معمولی و وفادار کلیسا را بفرستیم تا به کلیساهایی مانند آن ملحق شوند و از آنها حمایت کنند (بیشتر از یک لحظه در مورد آن بیندیشیم).

اما برکات و چالش‌های خاصی در این نوع کارها وجود دارد.

برکات کلیساهای میان‌کشوری

۱. حمایت از مبشرین.

کلیساهای میان‌کشوری می‌توانند از مبشرین تمام وقت و بومی که به تشویق، مشارکت و تعالیم وفادارانه نیاز دارند، بیشتر حمایت و کمک کنند. این امر به ویژه تا

زمانی که مبشرین جدید زبان محلی را یاد بگیرند و در صورت امکان به کلیسایی که زبان محلی دارد ملحق شوند صادق است، زیرا آنها باید از عبرانیان ۱۰ آیه ۲۵ اطاعت کنند و تا جایی که ممکن است با یک کلیسای محلی گرد هم آیند. آنها هنوز به جماعت کلیسا نیاز دارند که در آن خدمت کنند و به آنها خدمت شود. چه کسی می‌داند که چقدر خدمت یک کلیسای بین‌المللی می‌تواند از طریق مبشرینی که از آنها حمایت می‌کنند و آنها را دوست دارند، و در آنجا شاگردسازی و خدمت می‌کنند، تشویق کند؟

۲. الگوبرداری از کتاب مقدس برای سلامت کلیسا.

علاوه بر این، یک کلیسای بین‌المللی تندرست می‌تواند با الگوبرداری خوب از ساختارهای کتاب مقدس و موعظه، منبع خوبی برای سایر شبانان محلی باشد. با آنکه همواره تفاوت‌های فرهنگی بین کلیساهای بین‌المللی و کلیساهای محلی حتی در یک شهر وجود دارد، اما اگر کتاب مقدس واقعاً در همه جا به اندازه کافی موجود باشد، اصول موعظه از کتاب مقدس و ساختارهای کلیسایی کتاب مقدس در همه جا درست خواهد بود. الگوی کلیساهایی که اعضای آن خدمت می‌کنند، به جای اینکه فقط در پی آن باشند که به آنها خدمت شود، نیازی ضروری است. به خصوص در جاهایی که این مفاهیم کتاب مقدس یا تعلیم داده نشده یا توسط مبشرین غربی الگوهای ضعیفی از آنها شکل گرفته است، نمونه یک کلیسای محلی کتاب مقدسی می‌تواند کمک زیادی به رفع این آسیب نماید.

۳. فراهم کردن بستری برای دسترسی، برقراری روابط و تعلیم.

اغلب از برخورد کشورهایی که مخالف خدمت مبشرین هستند اما از کلیساهای انگلیسی زبان بین‌المللی استقبال می‌کنند (یا حداقل مخالفتی نسبت به آنها نشان نمی‌دهند) شگفت زده می‌شوم. این کلیساهای می‌توانند در آن زمینه‌ها کاربرد سه‌گانه فوق‌العاده‌ای داشته باشند.

اول آنکه، بسیاری از کسبه و کارمندان خداترس نمی‌خواهند خانواده خود را به شهری \ کشوری بفرستند که کلیسایی که انجیل در آن موعظه شود وجود ندارد. در حالی که وقتی حتی یک کلیسا آنجا حضور داشته باشد، زندگی در آنجا ممکن خواهد شد. دوم، می‌توانند با خانواده‌ها روابطی خارج از کلیسا داشته باشند. مانند هر کلیسای دیگری، معیار یک کلیسای بین‌المللی صرفاً این نیست که چه کسی از در کلیسا وارد می‌شود، بلکه این است که وقتی از اجتماع کلیسا خارج میشوند، چه درهایی به روی آنها باز است. سرانجام، این کلیساها می‌توانند کانون و بستر برای تعلیم عمیق کتاب مقدس باشند. به دلیل روی باز و وضعیت مشخص آنها، برخی اوقات می‌توانند افراد را با کمترین تلاش به تعلیم تشویق کند.

یک کلیسای بین‌المللی را می‌شناسم که مرتباً از شبانان یک کشور به شدت محدود در همسایگی خود دعوت می‌کند. در آنجا شبانان می‌توانند تعلیم ببینند، تشویق شوند و جماعت کلیسایی تندرست را مشاهده کنند. سپس به کشور خود بازمی‌گردند، جایی که مبشرین غیر بومی دسترسی به آنجا ندارند.

چالش‌های کلیساهای میان‌کشوری

با وجود همه این برکات، چالش‌های ویژه‌ای در رهبری یک جماعت بین‌المللی وجود خواهد داشت.

۱. سوق دادن جامعه‌ای با قومیت‌های مختلف به سمت اتحاد و یکی شدن.

این حقیقت دارد که وقتی تنها یک یا دو کلیسای میان‌کشوری در یک شهر خاص وجود داشته باشد، می‌تواند فشار زیادی ایجاد کند تا تفاوت‌های الهیاتی را به حداقل رساند تا همه فرزندان خدا بتوانند دور هم جمع شوند. اما اگر می‌خواهید کلیسایی داشته باشید که کتاب مقدس و اصول الهیات آن را جدی بگیرد، کم‌اهمیت دادن به اصول روش کارساز نخواهد بود.

به عنوان مثال، لازم است شما آموزش دهید که آیا تعمیم فقط برای ایمانداران است یا فرزندان اعضای کلیسا نیز می‌توانند تعمیم بگیرند. جایی که عیسی در متی ۱۸ آیه ۱۷ گفت: «به کلیسا بگو»، آیا فکر می‌کنید که منظور او جماعت بوده است یا فکر می‌کنید منظور هیئت مشایخ یا اسقف در منطقه دیگری بوده است. اما اگر تنها یک کلیسای میان‌کشوری در شهر شما وجود دارد، ممکن است فشار زیادی را احساس کنید که تعالیم کتاب مقدس نادیده گرفته می‌شود تا به هر طریق همه بتوانند در یک کلیسا دور هم جمع شوند.

نتیجه غم‌انگیز اینگونه خدمت هرچند با نیت خوب این است که کلیساهایی با وجه مشترک کمتری از اصول ایمانی باهم دارند که ممکن است ناخواسته الگویی غیر کتاب مقدسی برای مسیحیان محلی باشند. اگر می‌خواهید یک کلیسای میان‌کشوری را در کشور دیگری شبانی کنید، احتمالاً باید با این چالش مقابله کنید.

۲. تعهدی سطحی.

کلیساهای میان‌کشوری اغلب ناچارند با افرادی که برای پیوستن به کلیسا آنچنان که باید متعهد نیستند، دست و پنجه نرم کنند. مسیحیان اسمی که زحمت شرکت در کلیسا در کشور خود را به خود نمی‌دهند، ممکن است بخواهند بیشتر به منظور آشنایی با جامعه میان‌کشوری شهر نه محبت به مسیح، به کلیسایی در خارج از کشور خودشان بروند. از طرفی این هم یک فرصت بزرگ بشارت و هم چالشی بزرگ برای شبانان است.

۳. سخت‌گیری‌های قانونی برای حذف افراد بومی.

گاهی ممکن است بزرگترین چالش در مورد اعضا، خارجی بی‌اشتیاق نباشد، بلکه اشتیاق مردم بومی آنجا باشد. در بسیاری از کشورها، دولت به کلیساهای میان‌کشوری با این شرط ضمنی (یا مقرر) اجازه فعالیت می‌دهد که جمعیت محلی اجازه حضور نداشته باشند. کلیساهای میان‌کشوری مختلف به طرق گوناگون با این معضل

مواجهه شده‌اند. برخی با این استدلال که آنها باید از خدا نه انسان اطاعت کنند و عملاً از همه کسانی که برای حضور در کلیسا، یا تعمید و عضویت می‌آیند، استقبال می‌کنند. برخی دیگر هوشمندانه‌تر عمل می‌کنند، اما همچنان قصد دارند انجیل را در دسترس همگان قرار دهند. من بیم آن را دارم که برخی با عدم وفاداری و بزدلانه تصمیم بگیرند انجیل را تنها برای خود نگه دارند تا مشکلی آنها را آزرده خاطر نسازد. هر تصمیمی که کلیساها بگیرند، حل این موضوع می‌تواند یکی از پیچیده‌ترین مسائل برای چنین کلیساهایی باشد.

۴. اعمال رسولان باب ۶ بار دیگر به وقوع می‌پیوندد.

حتی در بهترین کلیساهای میان‌کشوری، که در آن از فرهنگ‌های گوناگونی شرکت می‌کنند، همان تعارضات فرهنگی که در کتاب اعمال باب ۶ آمده است، وجود دارد. یک گروه فرهنگی ممکن است به امور تسلط داشته باشد و گروه دیگر احساس بی‌ارزشی کرده یا نادیده گرفته شود. حفظ یکپارچگی در میان این همه فرهنگ متنوع، به جای نمود فرهنگی خاص، حکمت بسیار و تعهد به کتاب مقدس را به عنوان اصول و معیار می‌طلبد. مشارکت حکیمانه در رهبری در میان قومیت‌های مختلف امری ضروری است.

۵. استرس تفاوت‌های میان فرهنگی.

علاوه بر همه مواردی که ذکر شد، استرس چالشی است که ممکن است وقتی اعضا در کشور دیگری زندگی می‌کنند و به طبع خانواده آنها در فرهنگ دیگری رشد می‌کنند، با آن مواجه شوند. به ویژه در جایی که شرکت در یک کلیسای میان‌کشوری ادغام شدن با فرهنگ آنجا را محدود می‌سازد، بسیار دشوار خواهد بود. این می‌تواند به معنای آن باشد که همیشه یک قدم از مردم بومی دور بوده یا به خوبی یک مبشر سنتی که در زبان محلی استاد بود، نیاموخته باشد. همه این موارد ممکن است به

چالش‌های این نوع زندگی با تفاوت میان فرهنگی و مبشر بودن بیفزاید. با این حال، وقتی کارها به خوبی انجام شود، این نوع خدمت مطمئناً ارزشش را دارد.

حمایت از کلیساهای افراد خارجی در کشور

چگونه کلیساهای ما می‌توانند در این خدمت نقش داشته باشند؟ نخست، می‌توانیم مردانی را که برای خدمت شبانی آموزش می‌بینند تشویق کنیم تا به شبانی کلیسایی در خارج از کشور فکر کنند. می‌توانیم بررسی کنیم که آیا جماعت ما می‌تواند کمک کند تا کلیساهای میان‌کشوری جدیدی بنا شوند. برخی از کلیساهای میان‌کشوری تمایل ندارند که از اعضای خود در خدمتی که مخارجشان را پرداخت می‌کنند، حمایت کنند (همانطور که غلاطیان ۶ آیه ۶ گفته شده است). این موضوع سوالات الهیاتی زیادی را مطرح می‌سازد. اما مطمئناً این خدمت‌ها معمولاً برای راه‌اندازی به پول نیاز دارند. اگرچه برخی از مسیحیان به فضاهایی برای گردهمایی که عمدتاً برای ساختن کلیساها ساخته شده‌اند، هیچ علاقه‌ای ندارند، اما برخی کشورها انتظار دارند و حتی به مهاجرینی نیاز دارند که در ساخت چنین مکان‌های کمک کنند و حمایت از چنین پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری مفیدی خواهد بود. شبانان بیشتری باید در مورد استفاده از هدایای کلیسا برای ساخت چنین کلیساهایی تأمل کنند. اما این نوع خدمت تنها مختص شبانان و واعظان نیست. مسیحیان بالغ می‌توانند از مهارت‌های شغلی خود برای انجام این کار با یاری یکدیگر برای پیشبرد انجیل استفاده کنند. امکاناتی از این قبیل بسیار فراوان است.

یک کلیسای خوب در هر جایی موهبتی عالی است. و بهترین چیزها در مورد یک کلیسای میان‌کشوری خوب در هر کلیسای وفاداری مشترک است. خدا خود را متعهد کرده است که از گردهم‌آیی‌های قوم خود در هر جایی استفاده کند تا حکمت نقشه انجیل خود را به جهانی که در حال نظاره کردن است، آشکار سازد (افسسیان ۳ آیه ۱۰). اما نوع خاصی از شکوه در یک کلیسای جدی و انجیل‌محور وجود دارد که در غیر این صورت کلیسای عاری از نور انجیل خواهد بود. هر چه فضا تاریک‌تر باشد، نور شمع روشن‌تر به نظر می‌آید. این موضوع حتی اگر کلیسا به زبان محلی نباشد، صادق است. اگرچه مانند کلیساهایی نخواهد بود که در میان مردم

محلّی جای گرفته است، اما همچنان می‌تواند یک شروع، کمک و شاهدی باشکوه باشد.

دست‌رسی به ملت‌ها از طریق شغل خود به کارگر نیازمندیم

کلیساهای میان‌کشوری فقط به شبانان و بودجه نیاز ندارند. آنها به اعضای وفاداری نیاز دارند که خود را وقف کنند تا انجیل را به مردم اطراف خود برسانند. با گسترش اقتصاد جهانی، بسیاری از مسیحیان نسبت به نقش مهاجرت مسیحیان و کسب و کار که از گسترش انجیل حمایت می‌کنند، آگاهی تازه‌ای پیدا کرده‌اند. برای شروع با پناهندگانی که در اعمال رسولان ۸ آیه ۴ بر اثر آزار و شکنجه پراکنده شده بودند، وقتی می‌رفتند و «کلام را موعظه می‌کردند»، مسیحیان به گسترش انجیل در مسیر زندگی عادی، از جمله سفر یا مهاجرت، کمک کردند. این الگوی عهد جدید همراه با بازرگانان در جاده ابریشم، تاجران‌ی که به هند می‌رفتند، کارگران در آمریکای جنوبی و کارمندان مدرن شرکت‌های چند ملیتی ادامه یافته است. قرن‌هاست که مسیحیان انجیل را گسترش داده‌اند، در حالی که عوامل دیگری مانند کار و اشتغال آنها را به سراسر جهان کشانده است.

بسیاری از ما در یک هفته چهل ساعت یا حتی بیشتر کار می‌کنیم که این کمتر از محلّی است که زندگی می‌کردیم. و بیشتر ما به دیدن همسایگان خود می‌رویم. بارها و بارها از یک مکان خرید می‌کنیم تا با افرادی که در آنجا کار می‌کنند آشنا شویم. فرزندان ما در مدرسه دوستانی پیدا خواهند کرد و ما با والدین آنها آشنا خواهیم شد. ناهار را با همکاران یا مشتریان خود می‌خوریم. فارغ از اینکه در کجا زندگی می‌کنیم، زندگی ما شامل بسیاری از این اجزا خواهد بود. پس تصور کنید، اگر به جای انجام این کارها در جایی که احتمالاً هزاران مسیحی وجود دارد، همه این کارها را در جایی انجام دهید که اکثریت مردم حتی یک شخص مسیحی را ندیده‌اند یا پیغام انجیل را نشنیده‌اند. اگر در شهری زندگی می‌کردید که ۹۵ درصد آن مسلمان

یا هندو بودند، چه فرصت‌های طلایی جدیدی برای بیان انجیلی ممکن بود فراهم شود؟

بله، خدای روح‌القدس انتخاب نموده است تا تلاش کلیسا را در راستای تعلیم، فرستادن و حمایت از مبشرین «به خاطر آن نام» قرار دهد. شاید به همین دلیل است که کتاب اعمال تنها اشاره‌ای گذرا به تأثیر بشارت مسیحیان در سفرهای روزمره می‌کند و منحصراً بر کار خدا از طریق رسولان و سایر مبشران که توسط کلیساها فرستاده شده‌اند، تمرکز می‌کند. اما تنها به این دلیل که یک بازیگر نقش اصلی را در صحنه مبشر برون مرزی خدا بازی نمی‌کند به این معنا نیست که او نقش ارزشمندی در آن ندارد. بنای زندگی و شغل‌تان در مکانی موثر به خاطر انجیل ممکن است ایده بسیار خوب و حمایت عالی از مأموریت جهانی خدا باشد.

حمیات از پیشگام بنای کلیسا

همواره نیاز به مبشرینی وجود دارد که از آنها حمایت شود و توسط کلیساهای محلی وفادار اعزام شوند. این امر به ویژه در مناطق پیشگامی که در آن فشار یادگیری زبان در یک فرهنگ جدید به خودی خود یک کار تمام وقت است، بسیار مهم است. اما در نظر بگیرید که چگونه می‌توان به مبشرین پیشگام کمک کرد اگر چندین خانواده از مسیحیان بالغ به شهر آنها مهاجرت کردند تا با انجام کارهای عادی به آنها کمک کنند و آنها را تشویق نمایند. یکی از بزرگترین نیازهای مبشرین پیشگام، تشویق روحانی است. به طور کلی، آنها در جاهایی هستند، اگر خوشبین باشیم، تعداد کمی مسیحی در آنجا زندگی می‌کنند.

چه می‌شد اگر مسیحیان بالغ می‌توانستند با آن مبشرین عهد ببندند و به عنوان یک کلیسا با آنها جمع شوند؟ اگر آنها مبشرین را به زنجیره روابطی دعوت کنند که شغلشان ایجاب می‌کند چه؟ اگر زبان اجازه می‌داد، می‌توانستند از آنها حمایت کنند، به نیازهای خانوادگی کمک کنند، و حتی نوایمانان را تشویق کنند؟ این نوع مشارکت و حمایت کار سخت و پرهزینه‌ای خواهد بود، اما می‌تواند کمکی برای

تغییر زندگی مبشرین پیشگام باشد. اگرچه، این کار ویژه‌ای است ولی احتمالاً برای اکثریت مسیحیان شاغل مناسب نیست.

بر شالوه‌های آماده بنا کنید

احتمالاً برنامه بهتر برای اکثریت مسیحیان این است که از خدمت یک کلیسای میان کشوری تاسیس شده، حمایت نمایند. مانند کلیسایی که در کشورشان تأسیس شده و زمینه و چارچوبی را برای زندگی مسیحی آنها فراهم می‌کند. بسیاری از ما به عنوان یک فرد مسیحی برای رشد و شکوفایی مان به این نوع مشارکت‌ها و چارچوب‌ها نیاز داریم. به همین دلیل مسیح کلیسای خود را بنا کرد و به ما هشدار می‌دهد که هرگز از گرد آمدن با جماعت محلی دست نکشیم (عبرانیان ۱۰ آیه ۲۵). زندگی در کشوری دیگر این نیاز را متحول نمی‌کند و فرمان خدا را محو نمی‌سازد. مطمئناً شما به کلیسایی نیاز دارید که از زبانی استفاده کند که شما به خوبی می‌دانید. برای بیشتر افراد، این احتمالاً به معنای یک کلیسای میان کشوری است که به زبانی غیر از زبان محلی صحبت می‌کند.

اگر شما جزئی از جماعت محلی مهاجرینی بودید که امیدوارند نور و نمک جامعه خود باشند، چگونه می‌توانید بیشتر تلاش کنید؟ به احتمال زیاد زمان و فرصت‌هایی را که یک مبشر تمام وقت دارد، نداشتید، اما همه نمی‌توانند یک مبشر تمام وقت باشند. با این حال، اغلب مسیحیان برای کار، زندگی و محبت در چارچوب عضویت وفادارانه در یک کلیسای محلی ساخته شده‌اند. آیا ارزشش را ندارد، در جایی که مسیحیان کمتری هستند، زندگی کنیم؟

سخن پایانی

چه در کشور خود زندگی کنیم و چه در آن سوی جهان، چه در خدمت تمام وقت یا از طریق شغلان هزینه‌های مان را متقبل شویم، خدا مسئولیت قوم‌ها را به عهده ما نهاده است. از بسیاری جهات هرگز تا این اندازه آسان نبوده است که خود شخصاً افراد دیگر را به سمت انجیل هدایت کنیم. باشد که خدا به ما جسارت، حکمت و

مشارکت ملت‌ها از راه‌های دیگر

خلاقیت عطا کند تا برای پاسخگویی به محبت او به راهی فکر کنیم، تا از طریق ما و کلیساهایمان، حتی در سواحل دوردست نیز بتوانند سرود شادی بخوانند (اشعیا ۴۲).

خاتمه

قدم گذاشتن به سوی قومها

این کتاب با داستانی درباره خانم بث و جلسه ناکارآمد هیئت مدیره مبشرین کلیسایشان آغاز شد. شاید شما متوجه شده اید که برخی از چالش‌های جماعت آنها در کلیسای شما نیز وجود دارد. اعضای کلیسا ممکن است کارهای نیکو را با مأموریت انجیل اشتباه بگیرند، و بیشتر به منظور رشد شخصی خود برای سفرهای کوتاه مدت ارزش قائل شوند، یا همواره به دنبال میان‌بر بعدی باشند تا مأموریت‌ها آسان و سریع انجام شوند. شاید شما در جماعتی هستید که اعضای آن در مورد اینکه واقعاً مأموریت کلیسا چیست و چگونه باید آن را انجام دهد و چه کسی برای این کار مناسب است، گنگ و سردرگم هستند.

اگر ایده‌های این کتاب کوچک، عاقلانه و بر گرفته از کتاب مقدس - کتاب مقدسی به نظر می‌رسند، آنچه می‌ماند این است که برای گام‌های بعدی خود برنامه ریزی کنید. برای راهنمایی، اجازه دهید چند نکته کلیدی را به طور خلاصه بیان کنم.

۱. رهبران باید رهبری کنند.

همه چیز با رهبران جماعت شما آغاز می‌شود. این فوق العاده است که یک یا دو تن از اعضا دیدگاه انجیلی بهتری در مورد بشارت داشته باشند، اما زمانی که افراد توسط رهبران به جهت سالم تری هدایت میشوند، احتمالاً اوضاع به سمت بهتر شدن پیش خواهد رفت. اگر در کلیسای خود رهبر هستید، رهبری کلیسا را آغاز کنید. مفاهیم بشارتی انجیل که در هر جای متن کتاب مقدس آمده، تعلیم دهید. کتاب‌های

خوبی در مورد بشارت به اعضای کلیسایتان ارائه دهید. با عزمی راسخ و در عین حال با ملایمت و صبر زیاد رهبری کنید. اعضای خود را به مشربین وفادار معرفی کنید. فرصت‌هایی برای سفرهای برون مرزی در نظر بگیرید تا از کار آنها حمایت کنید. غالباً هیچ چیز بیشتر گویای آن نیست که یک شبان وقت و انرژی خود را صرف آن کند تا در مورد اهمیت بشارت و ارزش مشربین برجسته با جماعت خود صحبت کند.

۲. هر عضوی می‌تواند مفید - کمک کننده باشد. حتی اگر شما عضو کلیسا هستید و نقش رهبری رسمی کلیسا را به عهده ندارید، باز هم می‌توانید برای تشویق جماعت خود در مورد مأموریت بشارت تلاش کنید. اما شما باید هوشیار و مراقب باشید. قبل از هر چیز، با شبانان، مشایخ یا رهبر بشارتی خود صحبت کنید. شاید بخواهید نسخه‌ای از این کتاب را به او بدهید تا قبل از گفتگو با شما بخواند. صبورانه و حکیمانه خدمت کنید. ما ابتدا نمی‌خواهیم به شیطان اجازه دهیم از شور و اشتیاق ما استفاده کند، تا حتی در چیزهای به ظاهر خوب به اتحاد کلیسا صدمه بزند. وقت بگذارد و اطمینان حاصل کنید که رهبران جماعتتان با شما همدل هستند. و به هر طریق، دعا کنید. از خدا بخواهید که به جماعت شما کمک کند تا دیدی وسیع‌تر و کتاب مقدسی‌تر نسبت به مأموریت‌های جهانی پیدا کنند. او خدایی نیکوست و دوست دارد به دعا‌های شما برای کمک به کلیساهایش پاسخ دهد.

۳. جهان بینی کتاب مقدس را تعلیم دهید.

بهترین شیوه برای تغییر نحوه انجام مأموریت‌های کلیسا از طریق قانون - حکم امکان پذیر نیست، بلکه از طریق تعلیم و آموزش است. برای تغییر جهان بینی جماعتتان تلاش کنید، ابتدا از این طریق که مطمئن شوید اعضا انجیل را به روشنی درک نموده و آن را دوست دارند. سپس روی جهان بینی آنها در مورد بشارت کار کنید. در مورد مأموریت ویژه کلیسا برای محافظت از انجیل و اعلام آن به همه قوم‌ها صحبت کنید. به اعضا کمک کنید تا نقش بنای کلیساهای جدید را متوجه شوند. در مورد کنترل و حاکمیت خدا بر همه چیز و وفاداری او به آنها تعلیم دهید. درک

واقعی نقش تعیین کننده خدا در نجات، بهترین بنیان برای کمک به کلیسا است تا بتواند رویکردهای وفادارانه و غیروفادارانه - سست به بشارت را تشخیص دهد.

۴. روی روابط بلندمدت سرمایه گذاری کنید.

شروع به سرمایه گذاری بر روی روابط بلندمدت برون مرزی با افرادی کنید که به آنها اعتماد دارید و برایشان احترام قائلید. از طریق شبکه کلیساهای موجود، در مورد خدمت یا مبعشرین وفاداری که از آنها حمایت می کنند، سوال کنید و به دنبال راههایی برای تشویق و کمک به آنها در خدمتشان باشید. از برخی از مبعشرین وفادار دعوت کنید تا مدتی طولانی با کلیسای شما وقت بگذرانند - صرف کنند. یا برای کمک به آنها در یک پروژه یا فقط برای آشنایی با خدمتشان، به ملاقات آنها بروید. صبور باشید. به آرامی و با وفاداری و در عین حال فوری رابطه برقرار کنید.

۵. در برابر وسوسه تمایل به نتایج فوری مقاومت کنید.

همانطور که روی روابط بلندمدت سرمایه گذاری می کنید و خدمتتان را ارزیابی می کنید، در برابر صدای فریبنده ای که می خواهد نتایج فورا قابل مشاهده باشد، مقاومت کنید. به دقت در مورد نحوه ارزیابی خادمینی که از آنها حمایت می کنید، تفکر نمایید. ارزیابی خود را بر اساس روابطی قرار دهید که به شما امکان می دهد از وفاداری و حکمت کسانی را که از آنها حمایت می کنید مطلع شوید. جایی که آن عوامل وجود دارند، ایستادگی کنید. خادمینی را که در زمین هایی با خاک سخت زحمت می کشند، تشویق کنید. برای آنها و همراه با آنها دعا کنید. به یاد داشته باشید، آنها مشتاق میوه های قابل مشاهده در نوایمانان و کلیساهای جلال مسیح در شهرهایشان هستند. با گفتن اینکه انتظار تعداد - آمار بیشتری را دارید، به این فشار نیفزایید. پولاتان را فقط صرف کسانی نکنید که به نتایج شگفت انگیز و پر سر و صدا - برجسته کارهایشان می بالند. خادمین و کارهایشان را بشناسید، به دنبال وفاداری به انجیل باشید و سپس تا جایی که می توانید از آنها حمایت کنید.

۶. به فوریت این امر توجه کنید. در نهایت، همانطور که ما متعهد به تلاش در خدمت‌مان هستیم، نیاز به توجه به ضرورت امر داریم. ما باید در این امر جدی باشیم زیرا گناه واقعی است و جهنم مهیب و واقعی است. زیرا خدا بسیار نیکوست و بهشت بسیار با شکوه است. چرا برای برپایی جشن پیروزی تعلق کنیم.

ما باید در موفقیت بشارت‌های برون مرزی اطمینان داشته باشیم زیرا می‌دانیم که این ماموریت شکست نخواهد خورد. ممکن است ما در وفاداری خود شکست بخوریم، اما خدا در ماموریت خود شکست نخواهد خورد. مسیح قوم‌ها را وارث خود خواهد ساخت. حدس و گمان‌های شتاب زده و احساس گناه در مقایسه با حقیقت نقشه توقف ناپذیر خدا برای نجات هر کودکی که مسیح برای او مُرد، انگیزه‌های ضعیفی هستند. مسیح هیچ یک از کسانی را که پدر به او داده از دست نخواهد داد، و خدا انتخاب کرده است که از ما در کلیساهای محلی بیشماری، به عنوان عاملان پیروزی انجیل خود استفاده کند.

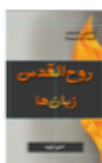
دیگر کتاب‌های کانون کتاب مقدس، لطفاً از سایت ما دیدن فرمایید.



راز



سخن آخر



روح القدس و زبانه‌ها



نجات بواسطه مسیح



خدمات کلیسای انجیلی در ایران



ویروس کرونا و مسیح



انضباط و تادیب کلیسایی



مشایخ کلیسا



الهيات كتاب مقدس



شاعران مسیحی



تبدیل جانها



تصویر بزرگ خدا



چرا ۵۰ جسی آمد تا مغلوب شود



موقفه تشریحی



عفتویت کلیسایی



کلیسای تدرست



اعتراف‌نامه‌ها و پداهت‌ها



اعتراف‌نامه و مستعینتر



انجیل چیست؟



موج گسترش کلیسا

کتاب‌های فارسی از سازمان ناین مارکس 9Marks (نه علامت):

مارک دور	کلیسای تندرست چیست؟
جاناتان لی من	عضویت کلیسا
جاناتان لی من	انضباط و تأدیب کلیسایی
جرمی رین	مشایخ کلیسا
دیوید هلن	موعظه تشریحی
گرگ گیلبرت	انجیل چیست؟
گرگ گیلبرت	عیسی کیست؟

به زودی...

مارک دور	شاگردی سازی کلیسا
مارک دور	نمایش جلال خدا
بابی جیمی سان	الهیات صحیح
ج. ماک استیلز	بشارت

آیا کلیسای شما تندرست است؟

هدف مؤسسه «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

به همین دلیل مایلیم که کلیساهای ما با رشد ۹ علامت تندرستی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، یاری نماییم. این ۹ علامت عبارت‌اند از:

۱ - موعظه تشریحی

۲ - الهیات انجیل

۳ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها و بشارت

۴ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۵ - تادیب یا انضباط کلیسایی طبق کتاب مقدس

۶ - اهمیت شاگردسازی و رشد روحانی کتاب مقدسی

۷ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

۸ - درک کتاب مقدسی از دعا کردن

۹ - درک کتاب مقدسی از خدمات بشارتی برون مرزی

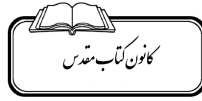
ما در مؤسسه ناین مارکس مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و مجله آنلاین تهیه می‌نماییم. در حال حاضر وب‌سایت ما شامل ۴۰ زبان مختلف دنیا است. با ثبت نام در سایت شما می‌توانید از مجله آنلاین ما استفاده نمایید.

9marks.org/about/international-efforts

9marks.org

IX 9Marks

Building Healthy Churches



Missions

In Farsi

Andy Johnson

Farsi Editor Mohammad Sanavi

Bible Training Center for Persians

ISBN 978-1-958168-93-6

© 2023, 9Marks

www.9marks.org

www.btcpersians.com

www.kanoneketab.com

202305

بنای کلیسای تندرست

هدف سازمان «ناپن مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

۱ - موعظه تشریحی

۲ - الهیات انجیل

۳ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسانها و بشارت

۴ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۵ - تادیب یا انضباط کلیسایی طبق کتاب مقدس

۶ - اهمیت شاگردسازی و رشد روحانی کتاب مقدسی

۷ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

۸ - درک کتاب مقدسی از دعا کردن

۹ - درک کتاب مقدسی از خدمات بشارتی برون مرزی

Bible Training Center
for Persians



Mission - Farsi